

# کتاب ماه

## سه

ماهنامه تخصصی اطلاع رسانی و نقد و بررسی کتاب  
سال پنجم - شماره پنجم - اردیبهشت ۱۳۸۱ - قیمت ۳۰۰ تومان



### تفی دانش پژوه

چهره و ناپناک  
عرضه تحقیق  
و پژوهش

درباره دانش پژوه  
ایرج افشار

آیین فهرست نگاری نسخ خطی  
احمد تفی دانش پژوه

کتاب گویند نجیب ملیح روی  
و نوش آفرین انصاری



روش تحقیق و مرجع شناسی

ذخیره و بازیابی اطلاعات

رویکرد انتقادی به چند رسانه

ارتباطات جهانی و جهانی شدن

فهرست کتابهای منعقد شده  
کلیات در فروردین ۱۳۸۱

**اعتبار علمی جهانی دانش  
و شناختگی او در مجامع  
مربوط به مطالعات ایرانی  
و اسلامی و عربی  
مخصوصاً به سه کار بزرگ  
اوست: کتابشناسی،  
فهرست نگاری،  
تصحیح و پژوهش**



○ حسین فعال عراقی نژاد

عنایت فرزندگان و دانشمندان ایران و بلکه سایر کشورهای اسلامی است و چراغ راهی فرزروی محققان و اندیشمندان در کارهای علمی و فرهنگی، پژوهنده پرتلاشی که زندگی خود را وقف و صرف نسخه‌شناسی و فهرست‌نگاری و تألیف و تصحیح و ترجمه و تا آخرین لحظات حیات در این راه از پا ننشست؛ تا جایی که محققان خارجی لقب «پیر جوانمرد» را به او داده‌اند.

درخت عمر استاد دانش پژوه در آخرین ماه پاییز ۱۳۷۵ به خزان نشست، اما حضور همیشگی آثار و میراث فرهنگی سترگش نام او را بر کتابهای درخشانی حک کرده است، فلذا هرگز نمیزد آن که دلش زنده بود به عشق و فضیلت وجودش پیوسته بود به فرهنگ و اخلاق دانشورانه. از آنجا که زنده داشت نام فرزندگان و فرهیختگان، تکریم علم و فضیلت است بر آن شدیم تا ویژه‌نامه‌ای از آن او منتشر کنیم و نگاهی به زندگی، آثار و فعالیت‌های علمی‌اش بیفکنیم.

وی به سال ۱۲۹۰ هـ. ش در امل متولد شد. پدرش حاج میرزا احمد درکابی لاریجانی بود که از مجتهدان و فقهای بنام امل و لاریجان بوده است. پس از سپری کردن دوران کودکی، تحصیل را آغاز کرد و مقدمات ادبی را پس از

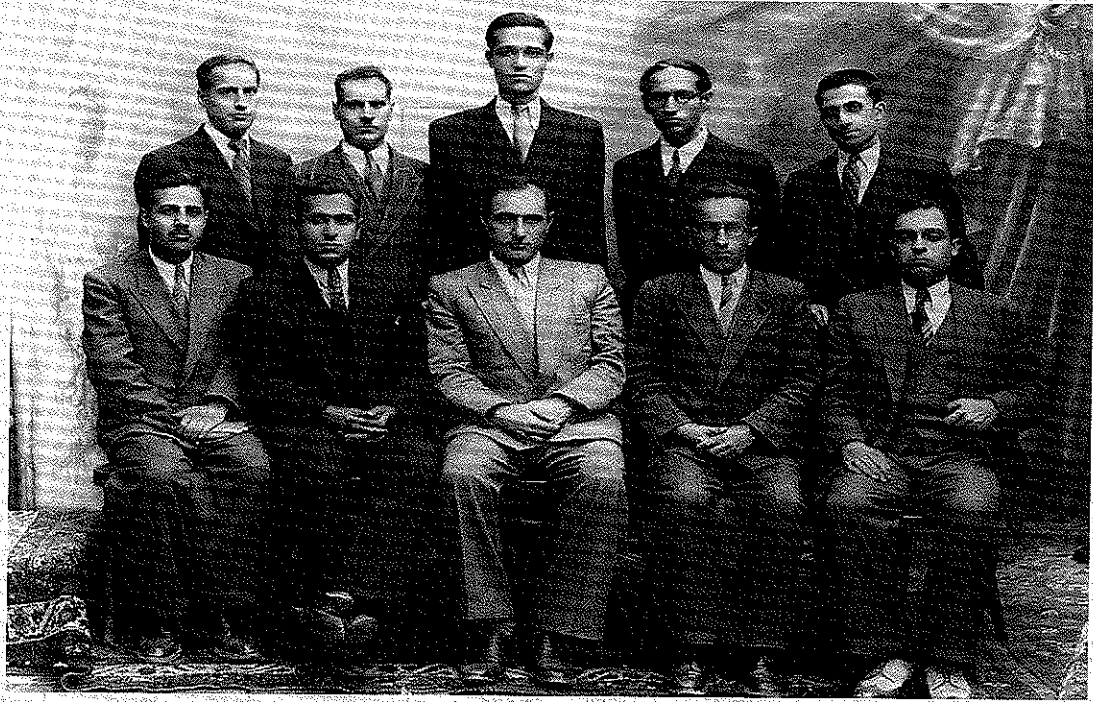
بویابی فرهنگ، مدیون تلاش مستمر محققان و اندیشمندان در کشف و نشر موارث فرهنگی است. حیات یک جامعه به شریانهای فرهنگی وابسته است و قطع آنها از خاموشی و خمودگی آن جامعه خبر می‌دهد. از جمله این شریانها، فرهنگ پر بار و غنی است که در متون گذشته ما تبلور یافته است و باید آن را ارج نهاد و برای حفظ و پاسداری آن از هیچ کوششی فرو گذار نبود. اکنون یکی از مبرمترین و ضروری‌ترین وظایف جامعه ما، کار پر ارج، دقیق، حساس و ظریف تصحیح و تحشیه و تنقیح این متون است که پلی ارتباطی است با گذشته پرافتخار و اگر این مهم به درستی و دقت صورت نگیرد، ارتباط نسل جوان، پرشور و ادب دوست معاصر با پیشینه فرهنگی خود قطع می‌شود و ضربه‌های سنگینی بر پیکره جامعه نوین وارد خواهد آمد.

خوشبختانه در دوره معاصر بوده‌اند و هستند فرهیختگانی که با دریادلی و فراخ حوصله‌ای در این وادی گام برداشته‌اند و از آن جمله است زنده یاد محمدتقی دانش‌پژوه که از چهره‌های تابناک عرصه تحقیق و پژوهش بود و از عنفوان جوانی دن در گرو عشق به کتاب و کتابشناسی نهاد و عاشقانه عمر گرانبمایه خویش را در خدمت به کتاب و جامعه کتابخوان سپری کرد. دانش مردی که خدمات ارزشمند وی مورد

**زندگی‌نامه مرحوم استاد**

**محمدتقی دانش پژوه**

**محمدتقی دانش پژوه  
چهره تابناک عرصه  
تحقیق و پژوهش کتاب**



\* نشستہ از راست: محمد حسین ضیائی بیگدلی، محمد تقی دانش پژوه، محمد شریعت زاده (مدیر مجله جلوه)، اسماعیل مرتضوی براز جانی، محمد جواد مشکور، ایستادہ از راست: غلامرضا سمیعی، محمدزنده نام، ضیاء الدین کبائی نژاد، محمد علی مجتہدزادہ، مرتضی مدرسین چہاردهی

خواندن عم جزء قرآن کریم و دیوان حافظ و نصاب الصبیان فرا گرفت و در این راه از محضر پدر و دیگر عالمان آن سامان بهره فراوان برد. در هجده سالگی با فوت پدر برای ادامه تحصیل راهی شهر مقدس قم گردید تا از جلسات درس و بحث علمای حوزه علمیه آن مرکز علمی کسب فیض کند. دو سالی در آنجا بود و از محضر استادان بزرگواری چون میرزا ابوالفضل گلیایگانی در درس «التقوانین المحکمه» میرزای قمی و حضرت آخوند ملاعلی ہمدانی و آیت الله مرعشی نجفی در درس «الروضۃ البہیہ فی شرح اللعۃ الدمشقیہ شہیدین» استفاده کرد. استاد درباره حظ و آفرش از محضر درس آیت الله العظمی نجفی (ره) می گوید: «هنوز لذات نوادر ادبی کہ از آیت الله مرعشی می شنیدم در کام دهنم هست» (دانشگاه انقلاب، ویژه کتاب و کتابخوانی، پاییز ۱۳۷۴، ص ۷۱)

بعد از دو سال، به سبب گرفتاریهای زندگی نتوانست در قم بماند و به شهر امل برگشت و در آنجا نزد مرحوم ابوالقاسم فرسیوی و مرحوم آقامحمد غروی دینہای مکاسب و رسایل شیخ مرتضی انصاری (ره) را فرا گرفت و بسیار از درس آن دو عالم کسب فیض کرد. در سال ۱۳۱۶ بار سفر بست و راهی تهران

کار دیگر آن استاد فرزانه، تصحیح و طبع متونی است کہ ہر یک بہ مناسبتی ضرورت داشته است کہ بہ چاپ برسد و طبق «بصیرت و اشراف او در شناخت نسخه هاست کہ با پشتوانہ جامعیت علمی او موجب شدہ است مقداری از متون با ارزش فراموش شدہ در دسترس پژوهشگران قرار گیرد

شد. چہار سالی در مدرسہ سپہسالار قدیم از محضر مرحوم میرزا مہدی آشتیانی در درس فلسفہ بهره برد و سپس دورہ دانشکدہ معقول و منقول را در مدرسہ سپہسالار جدید (مدرسہ عالی شہید مطہری (ره) و دانشسرای عالی طی کرد تا اینکہ در سال ۱۳۲۰ بہ اخذ درجہ لیسانس نایل آمد. ورودش بہ دانشگاہ در سال ۱۳۱۹ سرآغاز ورود او بہ عرصہ تحقیق و پژوهش نیز بود.

در همان سال در کتابخانہ دانشکدہ حقوق مشغول بہ کار شد و این شروعی بود برای کتاب پژوهی. در سال ۱۳۳۱ معاونت کتابخانہ دانشکدہ حقوق و بعد ریاست کتابخانہ کتب خطی و کتابخانہ مرکزی دانشگاہ تہران بہ وی سپردہ شد. در کنار این فعالیتها از سال ۱۳۳۴ در

دانشکدہ الہیات و معارف اسلامی همان دانشگاہ بہ تدریس منطق و تاریخ فلسفہ اسلامی و تاریخ خاورشناسان و روش تحقیق در دورہ های لیسانس و فوق لیسانس پرداخت و در دورہ دکتری نیز تدریس عرفان اسلامی را آغاز کرد.

استاد در برخی از کنگرہ ها و مجامع علمی مسئولیت داشته اند؛ از جملہ در سال ۱۳۳۵، عضویت در کنگرہ خواجہ نصیر طوسی در دانشگاہ تہران؛ در ۱۳۳۸ عضویت انجمن ایرانی فلسفہ و علوم انسانی؛ در ۱۳۴۱ شرکت در کمیسیون کتابشناسی شورای موسسہ تحقیق در ادبیات و زبانهای ایرانی در ۱۳۴۴ نیز طبق تصویب ہیأت رئیسة مجلس شورای ملی در کتابخانہ مجلس شورای ملی جزو تدوین کنندگان فہرست آن کتابخانہ بودند و شش مجلد از فہرستهای آنجا بہ همکاری ایشان نشر شدہ است. انجمن فلسفہ و علوم انسانی نیز ایشان را برای تدوین فہرست مخطوطات کتابخانہ سپہسالار دعوت کرد و چند مجلد اخیر فہرست آنجا با همکاری ایشان منتشر گردید.

استاد دانش پژوه در برخی از بزرگداشتہای شخصیتہای علمی و فرهنگی شرکت داشته و مقالاتی ارائه داده اند.

«اعتبار علمی جهانی دانش و شناختگی او در مجامع مربوط بہ مطالعات ایرانی و اسلامی و



او به منظور کسب اطلاعات کتابشناسی و نسخه شناسی به دستور دانشگاه تهران به شهرهای بغداد، نجف، کربلا و کاظمین در کشور عراق و شهرهای مدینه و مکه در عربستان و کشورهای شوروی سابق، امریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی سفر کرد

عربی مخصوصاً به سه کار بزرگ اوست: کتابشناسی، فهرست نگاری، تصحیح و پژوهش» (ایرج افشار، دانش پژوه، دانشمند و فهرست نگاری جهانی، افشار، کلک، شماره ۵۲ - ۵۱، ص ۱۵۹).

#### ۱. کتاب شناسی

مرحوم دانش پژوه درباره ارزش و اهمیت کتاب و کتابشناسی می گوید:

«من دیدم علمای اروپا یا امریکا یا دیار غرب و حتی خودمان (دانشمندان ایرانی) اول کتاب را شناخته ایم و بعد تألیف کرده ایم و هر محقق هم امروز اگر بخواهد کار بکند باید اول کتاب را بشناسد (دانشگاه انقلاب، ص ۷۷)

او به منظور کسب اطلاعات کتابشناسی و نسخه شناسی به دستور دانشگاه تهران به شهرهای بغداد، نجف، کربلا و کاظمین در کشور عراق و شهرهای مدینه و مکه در عربستان و کشورهای شوروی سابق، امریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی سفر کرد.

از یادداشتهایی که در این سفرها برداشت، آنچه مربوط به کشورهای عربی بود در نشریه کتابخانه مرکزی چاپ شد و آنچه درباره نسخه های خطی کشورهای شوروی سابق و اروپا و امریکا بود، در مجلد هشتم نشریه کتابخانه مرکزی به چاپ رسید.

#### ۲. فهرست نگاری

وی درباره این کار سترگ و ماندگارش می گوید: «در دنیای کنونی که کتابشناسی و

فهرستهای مشترک مقامی والا و اساسی یافته است، محققان اسلامی باید فهرستهای جامعی در اختیار داشته باشند و من برای برآوردن این نیاز تلاش کرده ام که فهرستهای جامعی از نسخه های خطی اعم از فارسی، عربی، ترکی و گاهی اردو و کردی فراهم آورم».

دانشگاه انقلاب، ویژه نامه کتاب و کتابخوانی، پاییز ۱۳۷۴، ص ۷۱

در زمینه فهرست نگاری کار استاد فقط منحصر به این نبوده است که به معرفی ظاهری نسخه ها بپردازد، بلکه سعی کرده است با توجه همه جانبه به آنچه در یک صد سال اخیر در غرب انجام شده و نیز عنایت و تجسس در ضوابط و شواهد اصل نسخه ها، قواعد و فنون فهرست نگاری را تنظیم و حتی اسلوبی روشمند و متناسب عرضه کند. او با توجه به مبانی فهرست نویسی از میان چهل، پنجاه هزار نسخه متفاوت، دقایقی را به دست آورد که برخی از آنها پیش از این به نظر فهرست نگاران نیامده بود.

قصد نهایی و اصلی او از نسخه شناسی رسیدن به مرحله کتابشناسی و بالمآل متن شناسی بود. نمونه کوششهایی که در این زمینه ها کرده، کتابشناسی کتابهای موسیقی، فهرستواره فقه، فهرستهای خاص کتب اخلاق و سیاست، ترسلات و منشآت (دبیری).

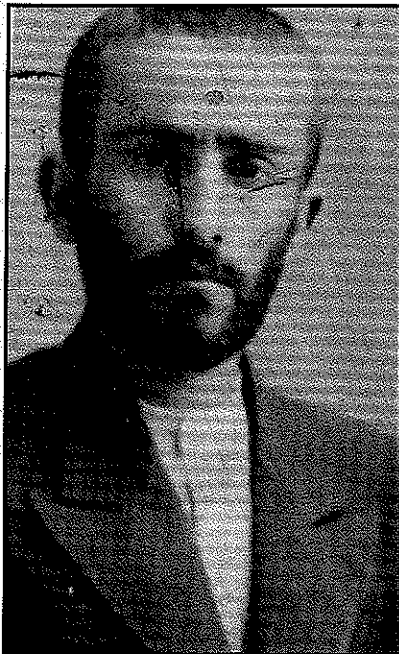
پیمان نامه ها، گنجوری و کتاب آرایبی است. در این گونه کتابشناسی ها اغلب نظر ارزشیابی نیز مندرج است و شمار نسخه ها و مأخذ اساسی معرفی شده و مشخصاتی از مولف آمده و در حقیقت فهرستی است که سرگذشتنامه و

کتابشناسی در آن به هم آمیخته است. وی در مواردی که کیفیت نسخه یا اهمیت موضوع یا هویت مؤلف در مراجع و منابع دیگر نیامده به تفصیل به موضوع پرداخته است. یکی از خدمات علمی و فرهنگی وی در عرصه فهرست نگاری همکاری در طرح فهرست نویسی نسخه های کتابخانه های شهرستانهاست که سه جلد از آن مربوط به فهرست کتابخانه عمومی مشهد و رشت و همدان و چند کتابخانه خصوصی بوده و در سلسله انتشارات فرهنگ ایران زمین منتشر شده است. دیگر، مشارکت در جلسات تقویم نسخه های خطی از جمله برای کتابخانه های مجلسهای شورا و ستای قدیم و دانشگاه های تهران، همدان، مشهد و چند جای دیگر است.

استاد فهرستهای کتابخانه های مرکزی دانشگاه تهران و تعدادی از دانشکده های آن و مدرسه سپهسالار را که البته قسمتی با همکاری علی نقی منزوی صورت گرفته در مدت ده سال به انجام رسانید و پس از آن مدت شش سال در فهرست نویسی کتابخانه های ملک و مجلس و کتابخانه های خصوصی وقت صرف کرد. با همین پشتکار و دلبستگی بود که سی، چهل کتابخانه بزرگ و کوچک را فهرست کرد و فهرستهای آنها را به چاپ رسانید.

از دیگر فعالیتهای او در این زمینه، تدوین نشریه نسخه های خطی در سال ۱۳۳۶ است که کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ناشر آن است. دوازده شماره از آن نشریه به چاپ رسید و وی در آنجا مطالب زیادی نوشت که عمدتاً در معرفی

«او یک تنه کما و کیفاً کاری بیش از توانایی مرسوم و معمول برای یک فهرست‌نگار را انجام داده است و امروز نتیجه کار سترگ او در سراسر جهان خاورشناسی، در همه کتابخانه‌ها و مؤسسه‌ها و دستمایه پژوهشگران است»



نسخه‌هایی است که اینجا و آنجا دیده بود، از جمله در کتابخانه‌های مختلف روسیه و امار آن و آمریکا و ممالک اروپایی.

«او یک تنه کما و کیفاً کاری بیش از توانایی مرسوم و معمول برای یک فهرست‌نگار را انجام داده است و امروز نتیجه کار سترگ او در سراسر جهان خاورشناسی، در همه کتابخانه‌ها و مؤسسه‌ها و دستمایه پژوهشگران است.»

(ایرج افشار، دانش پژوه، دانشمند و فهرست‌نگاری جهانی، کلک، شماره ۵۲، ۵۱، ص ۱۵۹).

۳. تصحیح متون و پژوهش

کار دیگر آن استاد فرزانه، تصحیح و طبع متونی است که هر یک به مناسبتی ضرورت داشته است که به چاپ برسد و طبق «بصیرت و اشراف او در شناخت نسخه‌هاست که با پشتوانهٔ جامعیت علمی او موجب شده است مقداری از متون با ارزش فراموش شده در دسترس پژوهشگران قرار گیرد خود در این باره می‌گوید: «کوشش من همواره بر آن بوده است که نایابها، ناشناخته‌ها، گمشده‌ها و سرانجام مؤثرها را چاپ کنم. من توفیق یافتم که متونی را که حاوی آراء و عقاید فیلسوفان، متکلمان، اقوال و مقامات صوفیان و عارفان، مسائل و آثار ریاضیدانان و منطقیان، منشآت و مکاتبات مترسلان و دبیران، وقایع و حوادث مضبوط توسط مورخان و وقایع‌نگاران است، به چاپ برسانم.» (دانشگاه انقلاب، ص ۷۷).

از دیگر تلاشهای علمی اش پژوهشهای منفرد اوست که بیشتر در زمینه‌های منطق، فلسفه، کلام و بررسی آراء و عقاید متفکران اسلامی انتشار یافته است. این پژوهشها در

در منطق: تبصرهٔ ساوی و رسائل متعددی از عده‌ای از دانشمندان پیشین؛ گرانتر از همه مجموعه سه جلدی المنطقیات از فارابی است. در علوم و فنون: رسائل از خواجه نصیر، دو رساله در آثار علوی، کتاب الاسرار و سرالاسرار از محمد بن زکریای رازی، تجارب شهریاری، یواقیت العلوم و دراری النجوم، نوادر التبادر لتحفة الیهادر (با همکاری آقای ایرج افشار). در پزشکی: مفاتیح الطلب و دو بخش ذخیرهٔ خوارزمشاهی

در عرفان و تصوف: روزبهان نامه. آثار درویش محمد طبسی (با همکاری آقای ایرج افشار)، مناقب الصوفیه.

در اخلاق و سیاست: اخلاق محتشمی، اخلاق ظهیری، الادب الوجیز، اخلاق نیشابوری و تحفه

در تاریخ: بخشهای اسماعیلیهٔ جامع التواریخ و زبدة التواریخ، مکاتیب رشیدالدین فضل‌الله همدانی تاریخ الوزراء قمی حاصل تلاش استاد در عمر هشتاد و پنج ساله اش علاوه بر بیش از پنجاه تحقیق و تألیف و ترجمه قریب ۳۵۰ مقالهٔ محققانه است که هر یک از این مقالات در نزد عاشقان علم و فرهنگ اسلامی - ایرانی دارای ارزش و اعتبار خاصی است.

این پیر عالم کتاب پس از عمری پژوهش و تحقیق در ۳۰ آذر ۱۳۷۵ جان به جان آفرین تسلیم کرد و به ابدیت پیوست. گنجی چنین نهفته به زیر زمین دریغ!

\* آقای ایرج افشار، تصویر افراد را در عکس مربوط به اعضای هیات تحریریه مجله جلوه‌شناسایی کرده و به مجله معرفی فرمودند که از ایشان کمال سپاسگزاری را داریم.

شناساندن کارهای ارسطو، فارابی، ابن سینا، ابن کمونه، ابن رشد، ابن میمون، غزالی، ناصرخسرو، خواجه نصیر، بابا افضل کاشانی، ملاصدرا، ملا محسن فیض و سی چهل دانشمند دیگر از این زمره بی تأثیر نبوده است.

وی گفتارهای معتبری در این زمینه‌ها دارد که در مقالات و تحقیقات خاورشناسان استناد بدانها شده است و می‌شود و برای ایران مایهٔ مباهات است.

دانش پژوه آثار فراوانی اعم از تصحیح و ترجمه و تألیف از خود به یادگار گذاشته که برخی از آنها عبارتند از:

در معارف اسلامی: «فقه و کلام و حدیث و ملل و نحل و فلسفه و حکمت» ترجمهٔ النکت الاعتقادیه از شیخ مفید، معتقد الامامیه، کسر اصنام الجاهلیه از صدرالدین شیرازی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی از شیخ طوسی، ترجمهٔ مختصر نافع از محقق حلی، بحر الفوائد، النجاة از ابن سینا، شرح فارسی شهاب‌الآخبار، جام جهان‌نما یا ترجمهٔ التحصیل بهمینیار (با همکاری دانشمند گرامی آقای عبدالله نورانی)

# درباره دانش پژوه

گفتنی است که دانش پژوه در تمام سفرهای داخلی و خارجی خود یگانه همش بر آن بوده است که به مجموعه‌های نسخ خطی دست بیابد و به فهرست برداری آنها بپردازد. بی دلیل نیست که مستشرقان شوروی گفته‌اند که دانش پژوه در قبال سؤال تنظیم کنندگان برنامه سفر خود در شوروی، گفته بوده است که من فقط سه چیز می‌خواهم: کتابخانه، مسجد و گورستان.



## دوستان گرامی

هرچه درباره دانش پژوه بگویم حمل بر آن می‌شود که بیش از بیست و پنج سال است از سرچشمه محبت و دوستی او متمتع بوده‌ام و سعادت آن داشته‌ام که در مکتب فضل و دانش او تلمذ و کسب فیض کنم؛ گذشته از این که سالیانی دراز در کنار هم و در یک راه خدمتگزار بوده‌ایم. همین مراتب است که به من اجازه شرف حضور در این مجلس داده است تا شمه‌ای از اطلاعات خود را درباره او بی‌تعارف و مجامله و به طور خودمانی بیان کنم.

اما، به هیچ وجه قصد آن ندارم که فهرست تألیفات و کارهای متنوع دانش پژوه را بخوانم. فهرست سیصد عنوانی آثار ماندگارش ضمن سرگذشتی که در مجله راهنمای کتاب چندی پیش درج شد به چاپ رسیده است<sup>۱</sup> و علاقه‌مندان می‌توانند خود به دقت در آن بنگرند و بر ژرفا و پهنای فضل و کمال او مطلع شوند. سعی من در اینجا بر آن منحصر می‌شود که گوشه‌هایی از روحیات علمی او را بنمایم.

تحقیقات ایرانی و اسلامی به روش علمی و مفهوم جدید آن در میان ما ایرانیان سابقه‌ای نزدیک به شصت سال دارد. در این مدت عده‌ای که به دوپست نفر می‌رسد به مباحث مختلف

## ○ ایرج افشار

**استاد ایرج افشار دوست دیرین استاد دانش پژوه است که همدوش وی در کارهای کتابشناسی فعالیت داشته و سالیان درازی با استاد همدم بوده است و کوله‌بازی از خاطرات آن روزگار را به دوش می‌کشد. از ایشان اجازه خواستیم تا سخنرانی‌شان را درباره این شخصیت که در مراسم نکوداشت ایشان در سال ۱۳۵۵ ایراد شده است چاپ کنیم که استاد با رویی گشاده پذیرا شدند.**

مربوط به تحقیقات ایرانی و اسلامی پرداخته‌اند. اما متأسفانه فقط چند نفر محدود توانسته‌اند که نتایج و ثمرات مطالعات خود را در زمینه‌هایی که مورد تخصص آنان بوده است، به مرتبه‌ای و میزانی برسانند که مورد استفاده دانشمندان آن رشته‌ها در جهان قرار بگیرد؛ یعنی بدان حد که دانشمندان مغرب به نوشته‌ها و آثار آنان استناد کنند. در این میان دانش پژوه یکی از افرادی است که به سبب خدمات بسیار و با ارزش و متنوعش، مخصوصاً از لحاظ کارهایی که در زمینه نسخه‌شناسی و کتابشناسی انجام داده است بدین مقام و منزلت جهانی رسیده است و محققان غربی به تألیفات و فهراس او توجه کرده‌اند. آثار او را از مصادر کار خویش قرار داده‌اند. جهانی بودن خدمات دانش پژوه یکی از کمینزات برجسته زندگی علمی اوست. لذا تفصیل بیشتری را درخورست و احتیاج به ارایه شواهدی چند دارد.

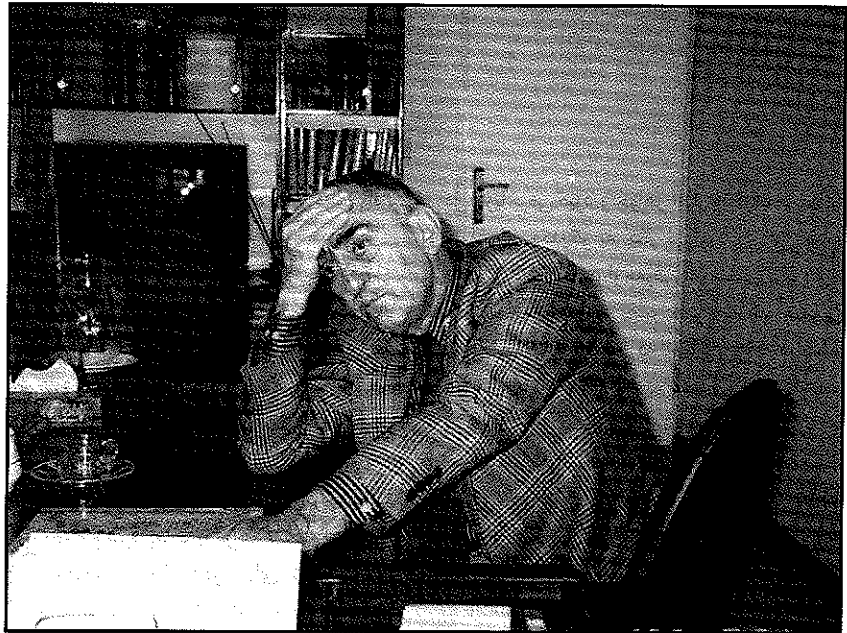
بر همه روشن است که یک دسته از منابع اصلی تحقیقات اسلامی و ایرانی، فهراس و کتابشناسی‌هایی است که راهنمای دست یافتن محققان بر نسخ و اسناد خطی است.

این نوع از مدارک «تازه یافته» است که معمولاً محقق را به عرضه کردن مطالب جدید و کشف دقایق «مجهول مانده» موفق می‌سازد. دانش پژوه

در میان مشرقیان همان یک‌تازه‌ای است که در این زمینه خاص و تازه، مجموعه‌ای از فهرس مربوط به بیست و پنج کتابخانه ایران و چهل و چند کتابخانه ممالک دیگر (امریکا، اتحاد جماهیر شوروی، هندوستان، پاکستان، افغانستان، ترکیه، فرانسه، انگلیس، هلند، عربستان سعودی) و ده مجموعه خصوصی مهم را تألیف و نشر کرده است؛ به نحوی که این فهرس معرف حدود پنجاه هزار نسخه خطی است. تردید نیست که معرفی هر یک از این نسخ محتاج دیدن عین نسخه و دقت در مطالب آن نسخه‌ها براساس اطلاع وسیع در معارف اسلامی بوده است و چنین سترگ کاری کار هر کس نیست. گفتنی است که دانش پژوه در تمام سفرهای داخلی و خارجی خود یگانه همس بر آن بوده است که به مجموعه‌های نسخ خطی دست یابد و به فهرست‌برداری آنها بپردازد. بی‌دلیل نیست که مستشرقان شوروی گفته‌اند که دانش پژوه در قبال سؤال تنظیم‌کنندگان برنامه سفر خود در شوروی، گفته بوده است که من فقط سه چیز می‌خواهم. کتابخانه مسجد و گورستان (البته روشن است که از باب ثبت و ضبط کتابه‌های قبور قدیم). نتیجه کار بزرگ و نادرالمتال دانش پژوه آن است که فؤاد سرگین در تألیف معتبر و مهم خود به نام *der Arabischen Schrifttums Geschichte Literature. A Bio Bibliographical Survey Persian* استوری، عالم فقیه انگلیسی، از فهرس دانش پژوه استفاده شایان کرده‌اند. آنچنان که بی‌تردید می‌توان گفت که اگر بیست و چند جلد فهرست دانش پژوه نبود، آن دو تألیف به کمال وضع موجود نرسیده بود. مجموعه فهرستهای دانش پژوه منبع بزرگ و از مراجع اساسی اخذ اطلاعات کتابشناسی اسلامی برای تمام کسانی بوده است که در طول بیست سال اخیر در ایران و خارج از ایران به تحقیق در مباحث مختلف مربوط به فرهنگ ایران و اسلام پرداخته‌اند. ازجاعتی که در مقدمه‌ها و مراجع و مصادر کتب منتشر شده در این مدت به آثار دانش پژوه و

حتی راهنماییهای شفاهی او شده است گواهی است روشنتر بر این نکته. دانش پژوه در تهیه فهرس خود، برخلاف اکثر فهرست‌نویسان شرقی و علی‌الخصوص ایرانی سعی کرده است که فهرس و مراجع مغربی یعنی آثار شرق‌شناسان و آن هم در اکثر زبانها را ببیند و به دیده نقد بدانها بنگرد. بدان مقدار که با آوردن اختصارات مربوط بدان مراجع و ارجاع دادن به منابع متعدد گاه هم موجبات ملال مراجعه‌کننده کم‌حوصله و شرقی‌مآب را فراهم ساخته است. خصوصیت دیگر فهرستهای دانش پژوه آن است که او در معرفی نسخه‌ها از معرفی متن و تحقیق در احوال مؤلف و سنجش و بیان احتمالات غافل نمانده است؛ ولو آنکه مجبور شده باشد که چندین صفحه مطلب درباره نسخه‌ای اختصاص دهد که از حد یک فهرست معمولی خارج باشد. بعضی از آگاهان این کار او را بسیار می‌پسندند و بعضی از خرده‌گیران هم نمی‌پسندند. اگر تاکنون در تاریخ کتابشناسی اسلامی تألیفات ابن‌الدیم و حاجی خلیفه و شیخ‌آق‌بزرگ تهرانی از مأخذ اصلی و اولی بود، اینک فهرستهایی که دانش پژوه از نسخه‌های خطی و میکروفیلیمها منتشر کرده است در کنار آن آثار برای همیشه و به طور زوال‌ناپذیر مرجع مسلم در تحقیقات اسلامی و ایرانی خواهد بود. جز این باید دانست که هیچ‌یک از فهرست‌نویسان مبرز و استاد غربی هم، چون دخویه و فلوگل و پرچ واته و رزن و بلوشه و درن و دسلان و دیگران نتوانسته است که به اندازه دانش پژوه نسخه دیده و فهرست نشر کرده باشد. پس فهرستهای دانش پژوه از حیث احتواء بر معرفی عده‌ای زیاد از نسخ خطی و مخصوصاً نسخ ناشناخته مکمل فهرسی است که آن دانشمندان نشر کرده‌اند؛ و بسیاری ناگفته‌ها و نادیده‌ها را که از چشم و اطلاع آن دانشمندان به دور مانده است، او گفته است. نادره‌ها و تازه‌هایی در سراسر فهرس دانش پژوه آمده است که از حد و روش معمولی فهرست‌نویسی خطی اسلامی در گذشته است. ناگفته پیداست که کار فهرست‌نویس در معرفی مجموعه‌ای از نسخ خطی بمانند موجی است که از

دل دریا برمی‌خیزد و جواهر آبدار و خزف بی‌بها را هم‌آغوش یکدیگر به کنار می‌آورد. در این میان دانش پژوه هم ناگزیر از معرفی آثار سعدی و ابن‌سینا و ملاقطب و خواجه نصیر همراه با آثار معمولی اشخاصی بوده است که مقامی والا در علم نیافته‌اند. اما اینکه گاه به گاه (و بیشتر از سر شوخی) از زبان دوستان می‌شنویم که دانش پژوه با معرفی آثار افراد ناشناخته اتلاف وقت کرده است، سخنی جز شوخی و طنز دوستانه نیست. وظیفه علمی او همان بوده است که کرده است؛ یعنی کلیه نسخ موجود در یک مجموعه یا یک کتابخانه را بشناساند. ضمناً اگر در چنین کاری که متضمن صرف وقت و تحمل و حوصله بیش از اندازه است بر سلیقه خویش رفته است و نحوه بیان و شیوه زبان خود را به کار گرفته حق مسلم اوست. جز این باید گفت که دانش پژوه اصولاً به استعمال لغاتی اعتقاد دارد که در متون قدیم به کار گرفته است؛ اگر چه به کار بردن آن لغات در بیان و زبان امروزی مهجور بماند. می‌گوید با استعمال مجدد آنها، زبان ملی غنی می‌شود و لغات کهنه و فراموش شده، زندگی از سر می‌گیرند. خصوصیت عالی دیگری که در دانش پژوه یافته‌ام شوق و ولع علمی اوست که گاه به حد هیجان و برآشفتگی می‌رسد و چنان حالی به راستی توصیف‌ناشدنی است. شوق بیش از اندازه او به کشف تازه‌ها و حقایق علمی موجب آن شده است که حتی به سنتهای خانوادگی و تربیت‌طلبی پایبند نماند؛ تا به حدی که قسمت زیادی از تحقیقات خود را به تألیف فهرست کتب موسیقی معطوف کرده و کتابی پرداخته است که از امهات کارهای او و از مراجع جهانی در زمینه موسیقی اسلامی است. کاری کرده است که بی‌تردید برترست از آنچه فارمر، علامه موسیقی‌شناسی اسلامی انجام داده است. بی‌دلیل نیست که نوبائر آلمانی در مقاله مفصل و عالمانه خود درباره موسیقی بومی و سنتی ایران که چند سال پیش در مجله بسیار مشهور و معتبر *Der Islam* نشر کرد نوشت که قسمتی از پیشرفت خود را در تهیه مقاله‌اش مرهون اطلاعات دانش پژوه بوده است. شوق دانش پژوه به یافتن و دیدن نسخه‌های



نادیده و حالتی که در این مواقع بدو دست می‌دهد وصف‌ناشدنی است؛ مگر آنکه درموقعی که او به نسخه‌ای جدید می‌رسد به چهره‌اش و طرز نگاهش خیره شویم. عباس زریاب خوبی که اقوالش ثقه است، گفت: در سفری که با حسین محبوبی اردکانی و حسین خدیوجم و دانش‌پژوه به منظور شرکت در مجمع بررسی مربوط به نسخ خطی به کابل رفته بودیم، چون برای رفتن از فرودگاه به شهر در تاکسی نشستیم و سر صحبت با راننده همزمان باز شد، دانش‌پژوه وسط صحبت پرید و از راننده پرسید که در کابل کجا کتاب خطی می‌فروشند؟ دانش‌پژوه که اول بار بود به گوشه‌ای از سرزمین غزنویان سفر می‌کرد به یاد ایامی که در هر یک از بلاد خراسان علما و دانشمندان به وفور بودند و کتابخانه‌های مدارس دایر بود و در بازار وراقان خرید و فروش کتب خطی رواج داشت، تصور می‌کرد که هنوز هم نسخه خطی در شهری چون کابل متاعی است بازاری و به آسانی در دسترس است، تا بدان حد که راننده تاکسی هم می‌داند که کتاب خطی در کدام محله فروخته می‌شود!

مورد دیگر که جز شوخی صرف نیست ولی حکایت تام و روشنی است از شوق و آتش درونی دانش‌پژوه و خلوص باطنی او در راه کار بسیار با ارجی که نقد عمر را بدان باخته است، قصه یافتن چند ورق از قرآن مجید به خط ابی‌البرکات عبدالرحمن بن عثمان بن عوف بیسویونی است و آن حکایت از این قرار است که به هنگام کنگره تحقیقات ایرانی که در اصفهان تشکیل شده بود

ترتیب سفری به پیربکران و مسجد بیسیون که دور از شهر اصفهان است داده شده بود. پس از بازدید پیربکران، دانش‌پژوه به اتفاق محیط طباطبایی به منزل یکی از فضلا رفت تا ظاهراً کتب خطی ببیند. لذا از قافله جدا شد و از دیدن مسجد بیسیون محروم ماند.

جمعی که به سوی مسجدجامع بیسیون می‌رفتیم و از نبودن دانش‌پژوه دلتنگ بودیم، گفتیم حالا که او ما را رها کرده و به دیدن نسخ خطی و ادامه مذاکرات علمی رفته است ما هم نسخه‌ای قدیمی می‌سازیم و خیرش را برای او می‌بریم و دلش را می‌سوزانیم! پس به کمک عبدالامیر سلیم و احمد تفضلی برای آیاتی از قرآن کریم ترجمه‌ای به شیوه و اسلوب تفسیر طبری، یعنی با به کار گرفتن لغات کهن که دانش‌پژوه آنها را می‌پسندید و هرگاه که یکی از آنها را در کهنه کتابی می‌یابد به لهجه قدیم و بلند عنوان می‌کند پرداخته شد. وصف اوراق نسخه خیالی را چنین نوشتیم که سی و پنج ورق از قرآن مترجم کهن به خط کوفی درشت خوش بر روی کاغذ سمرقندی کلفت و موریانه خورده که علائم جزء و حزب و سجاوندیهای آن تذهیب شده و ترجمه فارسی قدیم به خط نسخ ابتدایی در بین‌السطور دارد در انتاب مسجد بیسیون دیده شد. نسخه به خط ابی‌البرکات عبدالرحمن بن عثمان بن عوف بیسویونی و مورخ شهر شعبان عشرين و اربعمائه است. شب هنگام که منزل آقای سیدمحمدعلی روضاتی مهمان بودیم و محیط طباطبایی، حبیب یغمایی و تنی چند از دوستان

خصوصیت عالی دیگری که در دانش‌پژوه یافته‌ام شوق و ولع علمی اوست که گاه به حد هیجان و برآشفتنگی می‌رسد، چنان حالی که به راستی توصیف‌ناشدنی است

حضور داشتند من یادداشت معمول را خواندم. دانش‌پژوه آرام آرام خود را از روی میلی که بر آن لمیده بود بر لبه آن کشانید و همچون کسی که شیء بسیار گرانبهایی را فراموش کرده و در محلی به جای گذارده باشد گفت: حالا که من با شما نبودم، فردا صبح هم در جلسات شرکت نمی‌کنم و ائومبیل می‌گیرم و به بیسیون می‌روم تا نسخه را ببینم. تا عصر هم می‌مانم و ترجمه‌های فارسی را می‌نویسم. البته یغمایی هم آن یادداشت را گرفت که چاپ کند! نقل این قصه که سراپا شوخی است و نظایرش میان دوستان یکدل می‌گذرد، از این باب بود که فریفتگی دانش‌پژوه را به کاری که در پیش گرفته بنمایانم و بگویم که این عشق و شور لایزال چندان است که او را از تمام عوالم دنیایی به دور داشته است و همچون عاشق صادق فقط محبوب یکتای خود را می‌بیند و می‌جوید.

بد نیست قضیه‌ای را که باز شوخی است و همین یک ماه قبل در لندن اتفاق افتاد عرض کنم. دانش‌پژوه کتابی خرید که بهای آن هشت پوند بود. پس در بهای آن یک بیست پوندی به فروشنده داد و می‌بایست دوازده پوند بگیرد. فروشنده بدون توجه هشت پوند به دانش‌پژوه داد. دانش‌پژوه در شوق وصول کتاب متوجه کم بودن پول نشد. مینوی که رو به روی دانش‌پژوه نشست به نوازش شد و گفت: دانش، چرا اشتباه می‌کنی تو باید دوازده پوند بگیری! درین گیر و دار احمد اقتداری که پهلوی دانش‌پژوه بود گفت: آقای مینوی چرا برآشفته می‌شوی؟ می‌دانید علت این اشتباه از کجاست؟ از



این باب است که اسکناسها چاپی است نه خطی! اما مثالی دارم که با گوشه‌ای از تاریخ دانشگاه ما مرتبط است و آن مربوط به درهم ریختن کتابخانه دانشکده حقوق است و گواهی است روشتر از آنچه عرض شد از عشق و علاقه دانش‌پژوه به کتابخانه‌ای که در تشکیل و ترتیب آن مدت بیست و چند سال از عمر خود را در آنجا صرف کرد و از همان ذخیره بود که اندوخته‌هایی از فرهنگ غربی فراگرفت.

قضیه از این قرار بود که در سال ۱۳۴۹ مسئول وقت دانشکده حقوق دستوری به تعویض روش کتابخانه داد؛ ولی عجلانه ترتیب کتابخانه‌ای را که به تدریج با خون دل و اعتبارات اندک و با دشواریهای روزگاران از سال ۱۳۲۳ به بعد تهیه شده بود (و تعداد کتبش با مزارتها نزدیک به نود هزار جلد رسانیده شده بود و کتابخانه‌ای بود که مجموعه کتب مربوط به ایرانش کم‌نظیر بود و کتابخانه‌هایی نظیر کتابخانه محمدعلی فروغی و علی‌اکبر داور و دیگران در آن نگاهداری می‌شد) درهم ریختند؛ چنان که در ظرف چند روز «تو گویی فرامرز هرگز نبود!»

دانش‌پژوه وقتی خبر شد که چنین شده است مانند آن کسی که شنیده باشد سفینه بیش بهای متاعش در دریا غرق شده است آشفته و هراسان پیش من آمد و گفت: فلانی، چه نشستهای که کتابخانه حقوق را ویران کردند و آنچه رشته بودیم پنبه شد! چندان عصبانی بود و جوش می‌زد که به راستی بر حال مزاجی او نگران بودم.

«من خود به چشم خویشتم دیدم که جانش می‌رود!» چون کمی آرام گرفت، گفتم: پس خبر نداری که شنیده‌ام گفته‌اند کتب خطی به درد دانشکده حقوق نمی‌خورد و از اموالی است که زائد است و می‌توان فروخت! دانش‌پژوه برافروخته‌تر شد و گفت: اگر قصور کنی، تو هم گناهکاری! در آن ایام جار و جنجال دانش‌پژوه میان اغلب دانشگاهیان شهرت گرفت و روزی نبود که جوش نخورد و همکاران را برنیزگیزد، البته بیداردلی دکتر عالیخانی و دکتر احمد ضیایی موجب شد که پس از اطلاع یافتن از آن کار ناصواب موجبات توفیق آن هجوم فراهم آمد و کتابها به همان حال آشفته در انبار ماند تا عاقبت کتابهای غیرمرتبط با دانشکده حقوق به اهتمام مدیران دکتر نهلوندی و لطف اولیای بعدی دانشکده حقوق و همکاری کتابخانه آنجا نجات یافت. مقصود آن که دانش‌پژوه در هر امری که مربوط به کتاب و کتابخانه بوده خود را به

**نکته مهم دیگر تنوع اطلاعات و جامعیت اوست که در میان معاصران کمتر نظیر دارد. مخصوصاً تبحر و تسلط او در زمینه علوم و معارف اسلامی (فلسفه، کلام و عقاید، فقه و علوم) که متکی است به تحصیلات محکم قدیم و نیز استمرار مطالعه در کتب آن علوم موجب شده است که بتواند کتب و متون متعددی در اغلب مواضع و معارف اسلامی به چاپ برساند**

آب و آتش زده است.

نکته مهم دیگر تنوع اطلاعات و جامعیت اوست که در میان معاصران کمتر نظیر دارد. مخصوصاً تبحر و تسلط او در زمینه علوم و معارف اسلامی (فلسفه، کلام و عقاید، فقه و علوم) که متکی است به تحصیلات محکم قدیم و نیز استمرار مطالعه در کتب آن علوم موجب شده است که بتواند کتب و متون متعددی در اغلب مواضع و معارف اسلامی به چاپ برساند. فهرست آثارش که همراه سرگذشتش به طبع رسیده است دلیل قدر بلند و پایگاه عالی مراتب علمی و تحقیقاتی اوست که به عرض رسید.

خصوصیت دیگر دانش‌پژوه قدرت و بردباری عجیب اوست در کار و مداومت در آن. چندان که با وجود سختیها و گرفتاریهایی که در زندگی داشت و ضمن آنکه توانست چهار فرزند برومند خود را چنان بیابد که هرچهار به مراحل عالی علمی برسند، تاکنون بیش از ده هزار صفحه متن قدیم و بیست هزار صفحه فهرست و پنج هزار صفحه مقاله به چاپ رسانیده است یعنی رقمی نزدیک به چهل هزار صفحه، و به حساب دیگر صد جلد کتاب چهارصد صفحه‌ای.

یکی از خدماتهای بزرگ دانش‌پژوه که نباید فراموش شود اهمتامی است که در تشکیل مجموعه میکروفیلمهای کتابخانه مرکزی کرده است. اعم از انتخاب نسخی که اصل آنها در خارج ایران است و عکس بسیاری از آنها به سفارش و سلیقه او تهیه شده است یا نسخی که از مجموعه‌های خصوصی و کتابخانه‌های شهرستانها

عکسبرداری گردیده است. جز این برای این میکروفیلمها که تعداد آنها نزدیک به پنج هزار است تاکنون دو جلد فهرست منتشر کرده است.

باید پذیرفت که سرانجام دادن این همه کار منحصرأ مربوط به ادای وظیفه اداری و تعهد نسبت به قرارداد و کسب وسایل معیشت نبوده است. فقط عشق و شوق باطنی است که چنین توفیقی را عاید دانش‌پژوه کرده است.

دانش‌پژوه برخلاف اغلب بزرگان فضل و ادب که حال و حوصله کار مشترک ندارند دارای روح همکاری علمی است و از وقتی که با هم‌دوره‌های معقول و منقول خود به نگارش و نشر مجله جلوه آغاز کرد (سال ۱۳۲۳) و بعداً آن رویه را در انتشار نشریه دانشنامه ادامه داد، همیشه در انتشار مجلات تحقیقی دلبستگی نشان داده است. او یکی از پنج نفری است که مجله فرهنگ ایران زمین را به مدت بیست و یک سال بی‌توقف انتشار داده‌اند و همکاری دانش‌پژوه در آن میان بسیار ارزنده بوده است. همچنین از همکاران پایمرد و استوار در ادامه انتشار راهنمای کتاب بوده است.

یکی از نمونه‌های عالی همکاری دانش‌پژوه که ضمناً از فعالیت‌های مهم و سودمند او باید شمرده شود تأسیس و اهتمام در انتشار نشریه‌ای است که هر دو سه سال یکبار به نام نسخه‌های خطی در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران به چاپ می‌رسد و حاوی فهرست نسخ خطی مربوط به کتابخانه‌های شهرستانها و مجموعه‌های خصوصی است.

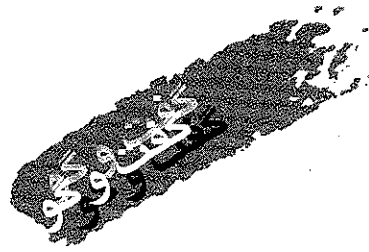
همچنین سزاوار است که از اقدام و اهتمام دیگرش یاد کرد و آن نشر سه مجلد فهرستی است که برای کتابخانه شهرهای مشهد و همدان و رشت و اصفهان زیر نظر او و به کمک مالی انجمن آثار ملی به چاپ رسیده است.

بنده بیش از این مصدع نمی‌شوم. شرمندهام از دانش‌پژوه که مطالبی خودمانی از زمره آنچه غالباً در مجالس دوستانه میان ما می‌گذرد در حق او گفتم، نه آنچه مرسوم مجالس تجلیل دانشگاهی است و شاید حضار محترم این مجلس هم چنان می‌پسندند! خودم خوب می‌دانم که حق مطلب درباره فضایل او ادا نشده است.

پانویس:

۱- راهنمای کتاب، سال ۱۸ (۱۳۵۴) شماره ۹-۷

۲- به فهرست کارهای مربوط به فهرست نویسی او مندرج در مجله راهنمای کتاب، سال هجدهم مراجعه شود.



## گفت و گو با نوش آفرین انصاری



### دانش پژوه، نخستین بنیانگذار دوره نسخ خطی در ایران

○ گفت و گو: فریبا افکاری

جمعه ۳۰ فروردین ماه ۸۱ زمانی است برای آشنایی بیشتر و شنیدن از زندگی و آثار یکی از بزرگ مردان کتابشناسی و نسخه‌شناسی ایران، از زبان یکی از اولین زنان کتابدار ایرانی که بعدها یکی از همکاران و دوستان نزدیک وی گردید. در منزل خانم انصاری نشستیم و از مردی که عمری را در شناخت و تحقیق و تفحص در نسخ خطی و کتابداری گذرانید و از علوم گوناگون زمان خود بهره فراوان برد سخن می‌گوئیم، او کسی نیست جز «محمدتقی دانش‌پژوه»، زاده خطه شمال با نیاکانی که از آمل و «تاندل» و «درکا» که همگی خوشنویس بوده‌اند و «در کودکی با سیاهی زغال بر روی تخته‌سنگ‌های کوهستان «درکا» مشق می‌کرده‌اند. ۱ همو که مقدمات ادبی و قرآن و حافظ و نصاب فراهی و دیگر کتاب‌های فارسی آن روزگاران را نزد پدر و مادر و مکتب آموخت و علوم صرف و نحو و منطق و بلاغت و شروح آن را در آمل و قم و تهران نزد اساتید معروف عصر. شیفته منطق بود و ورد زبانش «نحن ابناء الدلیل». وی به محضر اساتید فراوانی شتافت و علوم مختلفی را فراگرفت. در مدرسه سپهسالار، مرحوم میرزاهمدی آشتیانی به او فلسفه و شفاء و اسفار و مکاسب آموخت و بدو مهربانیهای فراوان نمود. در قم طلبگی نمود و به محضر اساتیدی شتافت که توشه علمی فراوان گرد آورد. از آموختن خلاصه الحساب و مقامات حریری نزد آیه‌الله مرعشی نجفی گرفته تا تلمذ عرفان شیعی نزد میرزا هاشم آملی و... بسیار با پشتکار بود و بسیاری از متون فلسفی را از میرداماد و ملاصدرا و لاهیجی را خود مطالعه کرد و آموخت.

از علوم جدید نیز غافل نماند و نزد پسرخاله‌اش، میرسید یحیی خان حکیمی لاریجانی، زبان فرانسه آموخت و حتی در آن زمان که در قم اقامت داشت، در نزد آقای ابوالمکارم کرمانشاهی به ادامه آن پرداخت. و راه ترجمه متون منطقی فرانسه در پیش گرفت و با ترجمه‌های متون فرانسه روزگار خویش و از جمله «فروغی» آشنا شد. به‌ویژه هنگامی که در کتابخانه دانشکده حقوق مشغول به کار شد، با دریچه گشوده زبان خارجی، با «تاریخ تحول اندیشه شبری» آشنا شد. زبان انگلیسی را که ضروری می‌نمود نیز در تابستانی، نزد دوستی آموخت و وی نیز در مقابل به او فرانسه تعلیم داد. در ۱۳۱۹ به دانشکده حقوق دانشگاه تهران رفت و همزمان در دبیرستانهای تهران تدریس می‌کرد. به دانشگاه راه یافت، از ریاست کتابخانه مرکزی گرفته تا مشاورت فنی کتابخانه و عضویت کمیته کتابخانه و دانشیاری دانشکده الهیات و تدریس در گروه تاریخ. در کنگره‌ها و انجمن‌های فراوانی شرکت کرد و مهمترین فعالیت

در مقدمه و سرآغاز فراوانی  
شرکت کرده و مهمترین فعالیت خود را  
که تدوین و نشر فهرست‌های  
کتابخانه‌های دانشگاهی بود آغاز نمود.  
به شهرهای مختلف ایران سفر کرد و از  
برخی مخطوطات کتابخانه‌های مهم  
آنها یادداشت برداشت و گزارشهای  
سفرهای خود را در نشریه کتابخانه  
مرکزی به چاپ رساند

خود را که تدوین و نشر فهرست‌های کتابخانه‌های دانشگاهی بود آغاز نمود. به شهرهای مختلف ایران سفر کرد و از برخی مخطوطات کتابخانه‌های مهم آنها یادداشت برداشت و گزارشهای سفرهای خود را در نشریه کتابخانه مرکزی به چاپ رساند. به منظور کسب اطلاعات کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی، از سوی دانشگاه تهران به شهرهای مختلف عراق و عربستان سفر کرد و به شهرهای دور و نزدیک روسیه رفت و پس از آن راهی فرانسه و آلمان و هلند و امریکا گردید و به مدت یکسال به سفر پرداخت.

همواره از سفرهای فراوانی که می‌کرد نکات تازه و ارزشمندی به ارمغان می‌آورد و یادداشتهای مهمی از نسخ خطی آن دیار برمی‌گرفت و به گنجینه نسخ خطی کتابخانه مرکزی می‌افزود و روز به روز به آن غنای بیشتری می‌بخشید.

وی یکی از بنیانگذاران مجله فرهنگ ایران زمین بود و مقالات فراوانی در آن نگاشت. تعدادی از نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس سنا را فهرست نمود و از کتابخانه‌های آستان قدس و ملک بهره فراوان برد و سرانجام بار فهرست‌نویسی ۱۸ جلد فهرست نسخ خطی دانشگاه تهران را که بالغ بر ۱۰/۰۰۰ جلدی می‌باشد یک تنه به دوش کشید.

کسی نیست که نام او را در عالم کتابشناسی نشنیده باشد و او را شناسد. در هر کتابخانه مهم خارجی که وارد می‌شوی و اثری از نسخه خطی در آن می‌یابی، ردپایی از وی می‌توان یافت و این مرهون پشتکار، علاقه و تلاش‌های علمی وی بود که این‌گونه خود را به جهانیان شناساند و ما به برکت وجود و همت او در کلاس‌های نسخ خطی که وی در دانشگاه تهران دایر نمود شرکت جستیم و از کلاسش نکته‌ها آموختیم و اکنون پس از گذشت شش سال از خاموشی‌اش به سراغ خانم نوش آفرین انصاری آمده‌ایم تا با برخورد این دو نسل از کتابداری

سنتی و جدید آشنا شده و به استاد دانش‌پژوه از این منظر بنگریم و سخن بگوئیم

● از خانم انصاری، درباره چگونگی و سابقه آشنائی‌اش با مرحوم دانش‌پژوه می‌پرسیم، وی چشم به گوشه‌ای دوخته و آرام آرام خاطرات گذشته را مرور می‌کند و در پاسخ می‌گوید:

○ با نام استاد دانش‌پژوه، زمانی که در سوئیس کتابداری می‌خواندم آشنا شدم. در واقع در منزل استاد محمدعلی جمال‌زاده، فهرست‌ها و تحقیقاتی که آقای دانش‌پژوه و افشار انجام داده بودند دیدم و با این نام مانوس شدم، و پس از آن وقتی که در سال ۱۳۴۲ به ایران بازگشتم از طریق خانم دکتر مهری آهی، با مجله راهنمای کتاب آشنا شدم که اعضای آن را آقای افشار، دانش‌پژوه و خانم دکتر قمرآریان و دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن و دکتر زریاب خویی، دکتر مهدی محقق و دکتر زرین‌کوب تشکیل می‌دادند. در آن زمان مجله در داخل یک کتابخانه عمومی بود روبروی هتل تهران پالاس و همه گروه در دفتر این کتابخانه فعالیت داشتند.

پس از آن در طی سالهای ۴۲ تا ۴۴، در کتابخانه مرکزی مشغول به کار بودم که بخشی از آن در مسجد دانشگاه بود و بخش دیگر، در زیرزمین دانشکده علوم قرار داشت و استاد دانش‌پژوه را در آنجا مکرر ملاقات می‌کردم. ایشان در آن زمان از دانشکده حقوق بدانجا می‌آمدند و برای من جالب

بود که حتی در حالت راه رفتن هم مطالعه می‌کردند. در آن زمان ایشان تعبیر «آقاخان» را برای من بکار می‌بردند که برایم جالب بود.

● در آن زمان شما در کتابخانه مرکزی مشغول چه فعالیتی بودید؟

○ من مسئولیت بخش فنی کتابخانه را داشتم و فهرست‌نویسی آنجا زیر نظر من بود و همچنین مسئولیت تفکیک و طبقه‌بندی بخش عظیمی از مجلات لاتین را که در انبار زیرزمین دانشکده علوم بود عهده‌دار بودم و من چون با زبان‌های مختلفی آشنا بودم به شناسایی این نشریات مشغول شدم. ما در آن زمان در بخشی از مسجد دانشگاه مستقر بودیم و هنوز مسئله ساختمان کتابخانه مرکزی به سرانجام نرسیده بود. در این هنگام من از سال ۴۴ تا ۴۷ به کانادا رفتم. بنابراین در دوران ساخت و انتقال به کتابخانه مرکزی در ایران حضور نداشتم.

● در آن زمان که مرحوم دانش‌پژوه، مسئولیت کتب خطی دانشگاه را عهده‌دار بودند برای انتقال نسخ خطی به کتابخانه مرکزی چه اقداماتی صورت دادند؟

○ بله اولین مجموعه نسخ خطی، مجموعه آقای محمد مشکوه بود که منتقل گردید و پس از آن که من در کتابخانه دانشکده ادبیات مشغول به کار شدم، بحث انتقال کتابها و آثار مرحوم «علی‌اصغر حکمت» مطرح شد و لازم بود تا از داخل یک اتاق خالی شود و آن اتاق تبدیل به بخش مرجع شود. در آن زمان با آقای ایرج افشار این مسئله مطرح شد که دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران بتوانند هرچه نسخه خطی دارند به کتابخانه مرکزی انتقال دهند.

● یعنی تمرکزگرایی نسخ خطی دانشگاه در یک مکان مشخص؟

○ بله استاد دانش‌پژوه، چندان موافق این امر نبودند و در واقع نسبت به انتقال این نسخ به یک مکان، نظر منفی داشتند و به من گفتند که من

نگران تجمع آثار هستیم.

● دلیل این نگرانی چه بود؟

○ ایشان با تجمع آثار مخالف بودند و شاید این اولین بار بود که من و استاد بر سر یک موضوع با هم بحث و صحبت می‌کردیم. ایشان معتقد بودند که انتقال این همه نسخه خطی به یک مکان در تاریخ ایران، هیچگاه سرانجام خوبی نداشته و مثالهای مختلفی برای من بیان می‌کردند و از حمله‌های گوناگون تاریخ و از بین رفتن آنها سخن می‌گفتند.

● و منطق شما در دفاع از این تمرکزگرایی چه بود؟

○ من معتقد بودم امروزه امکانات بیشتری مثل ساختمانهای بتونی، امکان تهیه میکروفیلم یا کپی در یک فضا که مراجعان بتوانند آسانتر و سریعتر استفاده کنند وجود دارد و نیز از نظر مرمت و مسائل مربوط به آن و نیز امکان سرویس دهی بهتر وجود خواهد داشت. اما پس از آن در تمام طول جنگ تحمیلی، من همیشه هشدار ایشان را به یاد داشتم و نگران نسخ خطی در کتابخانه مرکزی بودیم که مبادا مساله‌ای پیش بیاید که این میراث از بین برود.

● تفاوت آرای دیگر شما و استاد در چه مسائلی بود؟

○ بله یاد می‌آید که می‌خواستیم کتابخانه دانشکده ادبیات را رده‌بندی دیوبی کنیم و حدود هشت هزار کتاب را موضوع داده و به تالار طبقه بالا منتقل کنیم. به یاد دارم که با استاد بر سر موضوع، خیلی اختلاف نظر داشتیم. زیرا ایشان با مباحث کتابداری نوین، چندان موافق نبودند، بویژه در آن زمان که وجود مشاوران خارجی در کتابخانه مرکزی و نیز تغییرات آموزش کتابداری بسیار مشهود بود و ایشان نسبت به این موضوع بسیار حساس بودند و معتقد بودند که ما نباید در برابر این هجوم کتابداری سنتی خودمان را از دست بدهیم. در واقع بحث بر سر تواناییهای کتابداری سنتی و برخورد با مسائل نوین بین من و ایشان مطرح شد. ایشان به خوبی می‌دانستند که من به هیچ‌وجه تسلیم بی‌قید و شرط کتابداری غربی نبودم، و اگر بودم اصلاً ایشان با من جرف نمی‌زدند و اگر با من بحث می‌کردند به این علت بود که تواناییها و تمایلاتی به کتابداری سنتی در من مشاهده می‌کردند.

● اختلاف نظر شما بر سر موضوع رده‌بندی بود؟

○ بله، بحث این بود که باید رده‌بندی، منطقی و قانون‌مند شود و ما در کتابداری سنتی این مباحث را نداشتیم، به طور کلی، ایشان به این موضوع با

یادم می‌آید که می‌خواستیم کتابخانه دانشکده ادبیات را رده‌بندی دیوبی کنیم و حدود هشت هزار کتاب را موضوع داده و به تالار طبقه بالا منتقل کنیم. به یاد دارم که با استاد بر سر موضوع، خیلی اختلاف نظر داشتیم. زیرا ایشان با مباحث کتابداری نوین، چندان موافق نبودند، بویژه در آن زمان که وجود مشاوران خارجی در کتابخانه مرکزی و نیز تغییرات آموزش کتابداری بسیار مشهود بود و ایشان نسبت به این موضوع بسیار حساس بودند و معتقد بودند که ما نباید در برابر این هجوم کتابداری سنتی خودمان را از دست بدهیم.

تردید نگاه می‌کردند و ما هم سندی برای اثبات نداشتیم. نه سر عنوان موضوعی فارسی وجود داشته، نه مستند مشاهیر درآمده بود و در واقع فکری بود که باید تبدیل به ابزارهایی می‌شد که هم‌اکنون توانایی کتابداری ما را بسیار بالا برده است. در آن وقت، منابع کتابداری بیشتر به زبان خارجی بود و به هر حال، بحث بر سر این بود که می‌باید این موضوعات را با نیازهای کشور خودمان تطبیق دهیم. این بحث‌ها و گفت و گوها، یکی از مهمترین خاطرات آن دوران یعنی سه سال خدمت من در دانشکده ادبیات با استاد بود. در واقع این مکالمات، موج نو در دریای سنت بود که من مجبور به دفاع از مواضع خود بودم و در عین حال، ناگزیر بودم که سنت هزارساله ایران را نیز درک کنم. البته استاد اساساً شخص عجولی بودند و هیچ‌وقت، وقت زیادی برای بحث نمی‌گذاشتند و در مجموع، ارتباط سهلی با زنان نداشتند.

● به هر حال فکر می‌کنم تفاوت دیدگاه درباره نسخ خطی و کتب چاپی یا کتابداری نوین به ماهیت و مواد هر یک از این دو بازمی‌گردد و تا حدی طبیعی است. اما استاد در تدوین فهرس‌نسخ خطی دانشگاه و جاهای دیگر، فهرس خارجی و غربی بسیاری را اعم از عمومی و اختصاصی مطالعه کرده و بویژه از نظر روش‌شناسی مقایسه کرده و به آنها استناد نموده‌اند که در دیباچه مجلدات فهرست‌های خود بدانها کم و بیش پرداخته‌اند، که این امر خود گام مهمی در شناخت و ترویج روش‌های جدید و علمی است. نظر شما چیست؟

○ بله، من از تحولی که ایشان در دیباچه‌نویسی فهرس، انجام داده بودند بسیار لذت بردم. بویژه در فهرست آستانه حضرت معصومه

(س)، استاد به نکاتی اشاره کردند که کاملاً نو بود به نظر من کل مقدمه‌های ایشان را در تحول زمانی باید بررسی کرد که مشخص شود یک دانشمند از اولین مقدمه‌ای که نوشته تا آخرین مقدمه، چه تغییراتی به عمل آورده است. ایشان همچنین، نگران شناخت نسخ خطی و سر و سامان دادن به مجموعه‌های خطی خصوصی بودند.

بله و به همین دلیل بود که «تشریح نسخه‌های خطی» را با کمک آقای افشار، منتشر کردند، در واقع همین نگرانی باعث انتشار این نشریه شد. چون بسیاری از کتابخانه‌های شخصی یا مجموعه‌های کوچک و ناشناخته در شهرستانها و یا حتی در خارج از کشور، دارای فهرست ملونی نبودند و یا این فهرست به شکل مستقلاً قابل چاپ نبودند و ایشان با علاقه آنها را شناسایی، معرفی و فهرست نمودند. از خانم انصاری درباره نحوه آموزش و فراگیری روش فهرست‌نویسی نسخ خطی استاد می‌پرسم ایشان می‌گویند:

○ من فکر می‌کنم که ایشان، با علاقه خودشان در زمانی که دانشجوی حقوق بودند این کار را یاد گرفته بودند. در واقع عاشق کتب خطی شده بودند و آنقدر پیش رفته بودند که صاحب سبک شده بود.

یادم می‌آید که استاد در مقاله‌ای تحت عنوان «سرگذشت من» که در مجله راهنمای کتاب به چاپ رسید می‌گویند:

● «فراوش نکتم که در دانشکده ادبیات تهران و در دانشسرای عالی از محضر مبارک استاد بزرگوار حضرت سید محمد مشکوة بهره می‌بردیم. تخصصی که ایشان در کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی داشته‌اند سرمشق من بوده است و من به انگیزه حضرت ایشان به فهرست بودن نسخه‌های خطی دانشگاه پرداختم» و حتماً استاد از تجارب و مطالعات باارزش خود در دوران طلبگی در قم و آشنایی با زبان و متون عربی و نیز از سوی دیگر آشنایی با زبانهای خارجی و فهرس غربی و اروپایی، سرمایه ارزشمندی اختیار کرده بودند که در نوع خود کم‌نظیر می‌نمود.

○ بله استاد سفرهای متعددی به غرب داشتند و دستیابی سریع به اطلاعات را دیده بودند و شیوه‌های فهرست‌نویسی نسخ خطی را تجربه کرده بودند و وضعیت کتابخانه را به دقت مطالعه و مشاهده کرده بودند و از طرفی مشکلات جدی کتابخانه مرکزی را در نبود کتابداران متخصص در بخش خطی، یافته بودند، ایشان بسیار گله داشتند که

چرا علاقه‌مند به نسخ خطی، در نظام کتابداری جدید، تربیت نشده است و من نیز متقابلاً کله کردم که شما هیچ وقت برای متاعی به این مهمی، هیچگاه تبلیغ کافی نکرده‌اید.

به همین دلیل، در سال ۱۳۶۸، دربارهٔ تأسیس کارشناسی ارشد نسخ خطی با من یک صحبت جدی کردند و در سال ۶۹ این دوره در دانشگاه تهران شکل گرفت.

● برپایی، اولین دوره خاص، کارشناسی ارشد نسخ خطی که به پیشنهاد استاد صورت گرفت، در واقع اولین تجربه‌های جدی عملی برای پاسخگویی به دغدغهٔ همیشگی عدم وجود و تربیت نیروی متخصص در این زمینه بود، شما که خود از دست‌اندرکاران شکل‌گیری این دوره بودید، بفرمائید اولین طرح‌ها و الگوها چگونه شکل گرفت و پیشنهاد کردید؟

○ استاد از سال ۶۸، تلاش‌های بسیاری کردند و می‌گفتند آیا گروه کتابداری می‌تواند مسئولیت برعهده بگیرد یا خیر؟ و من معتقد بودم که این مسئله باید در دانشگاه حل شود و در شورای عالی انقلاب فرهنگی، چنین مصوبه‌ای نداشتیم. اما دانشگاه تهران می‌تواند چنین دوره‌ای را با عنوان معادل تشکیل داده و برگزار کند. در آن زمان معاون کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جناب آقای صادق‌لو، این قضیه را به شدت دنبال کردند و علاقه‌مند بودند تا یک دورهٔ تربیت متخصص نسخ خطی بوجود آید. اما اینکه این دوره، به چه شکل باشد، هیچکدام، برنامه‌ای نداشتند.

● من که خود از فارغ‌التحصیلان این دوره خاص هستم، این سؤال برایم مطرح می‌شود که چرا اولین دوره رسمی کارشناسی ارشد نسخ خطی می‌بایست به شکل معادل برگزار شود؟

○ چون شورای عالی انقلاب فرهنگی تمایلی به داشتن این دوره نشان نمی‌دادند زیرا آنها برنامه‌ای را در قالب خاصی تعیین کرده و دستور اجرای آن را می‌دهند. نگاه آنها به رشته نسخ خطی با نگاه پیشنهاددهندگان آن، بسیار متفاوت بود.

● نظر استاد دربارهٔ دروس و مدرسان دوره چه بود؟

○ استاد می‌خواستند که یک فراخوان داده شود و کتابدار نسخ خطی برای کتابخانه مرکزی تربیت و استخدام شود که همینطور هم شد. ایشان در آن زمان با معاون اداری و مالی وقت دانشگاه آقای مهندس هاشمی، ملاقات کردند و مشکل را با ایشان طرح کردند، این دیدار، معاون جوان و بسیار



استاد سفرهای متعددی به غرب داشتند و دستیابی سریع به اطلاعات را دیده بودند و شیوه‌های فهرست‌نویسی نسخ خطی را تجربه کرده بودند و وضعیت کتابخانه را به دقت مطالعه و مشاهده کرده بودند و از طرفی مشکلات جدی کتابخانه مرکزی را در نبود کتابداران متخصص در بخش خطی، یافته بودند

علاقه‌مند دانشگاه را سخت تحت تأثیر قرار داد، تا حدی که یک روز ایشان با من تماس گرفتند و خواستار ملاقات با من شدند من نیز که در آن زمان مدیر گروه کتابداری بودم، به دیدار ایشان رفتم و به من گفتند این نامه‌ای که آقای دانش‌پژوه نوشته‌اند و پیشنهاد ۳۰۰۰ ساعت آموزش نسخ خطی کرده‌اند چیست؟ این یک سندی است که از روی عشق و علاقه نوشته شده است اما برنامهٔ ملونی نیست و شما باید این را به برنامه تبدیل کنید. من نیز با آقای دکتر حرّی و دوستان مشورت کردیم و نتیجه گرفتیم که باید آن را به یک برنامه کارشناسی‌ارشد نسخ خطی، تبدیل کنیم و فرض کنیم که بنیان‌ها در دوران کارشناسی آماده شده است. آقای قزلباش رئیس بودجه و تشکیلات وقت دانشگاه و آقای صادق‌لو نیز بسیار کمک کردند، البته در گرفتن دانشجو با ما مشورت نکردند.

● بله و داوطلبان مختلفی از رشته‌های مختلف، با تنوع در این رشته وارد شدند و بخاطر دارم که شما هم گزارش مفصلی از آن در سمینار کاملیس ارائه فرمودید،<sup>۱</sup> و ما این شانس بزرگ را یافتیم که آموزش و کار همزمان در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، این امکان را به ما داد نسبت به مجموعه

خود تعهد داشته باشیم و تحت نظر مستقیم اساتید فن یک تجربه علمی و استثنایی کسب کنیم.

○ بله، البته دوره دیگری نیز در مشهد برگزار شد و ما تجارب موفق تهران را در اختیار آنها گذاشتیم و همچنین مشکلات را نیز مطرح کردیم و از آنها خواستیم به گونه‌ای جدید عمل کنند. اما دوره شما در تهران این شانس را به شما داد که در رأس کتب خطی قرار بگیرید و مشاور بزرگترین مجموعه‌های خطی شوید و نیز این شانس را داشتید که افرادی مثل استاد افشار و استاد دانش‌پژوه به شما احترام بگذارند و من براساس این نگرش و احترام است که می‌توانم ارزیابی کنم که این دوره، موفق بوده است. البته انتظار برگزاری دوره مشابه را از مدرسهٔ شهید مطهری داشتیم، اما این اتفاق نیفتاد. همچنین از سوی کتابخانه مجلس نیز اظهارعلاقه‌هایی بود که به نظر من جدی گرفته نشد. من فکر می‌کنم که ابتدا می‌بایست با یک نگاه مثبت به این برنامه نگریست و با برنامه‌ریزی آتی گام‌های مثبت‌تری برداشت، چون به هر حال هر برنامه‌ای دارای مشکلاتی است.

● خاطر من هست که استاد دانش‌پژوه تأکید بسیاری بر یادگیری زبان‌های خارجی داشتند به همین دلیل علاوه بر گنجاندن واحدهای درسی متعدد عربی و انگلیسی در این دوره، از زبانهای فرانسه، آلمانی و ترکی عثمانی نیز به تعداد ۴ واحد از هر زبان گنجانیده شده بود که خود نشانگر ضرورت رجوع و استفاده از منابع و فهارس معتبر خارجی است. حتی پسر ایشان - آقای دکتر دانش‌پژوه - می‌گفتند که پدرم به بیشتر زبانهای دنیا آشنایی داشت و حتی به شخصی پیشنهاد کرده بودند که به او زبان سریانی بیاموزد آن شخص گفته بود از کجا معلمش را پیدا کنم؟ و گویا در سالهای آخر ایشان مشغول یادگیری زبان آلمانی بوده‌اند؟

○ ایشان معتقد بودند که زبان مفتاح ورود به فهرست‌ها است و از اینکه کار یک فهرست‌نویس بزرگ را نتوانند بخوانند رنج می‌بردند. این نظر ایشان، من را به یاد تکنیکی می‌انداخت که در سالهای اول آموزش کتابداری در سوئیس می‌خواندم و آن درس «آشنایی با زبان کتابداری» بود و آن واژه‌های مختلف را که مرتبط پاسخ خطی بود در زبانهای مختلف به دانشجویان آموزش می‌دادند.

● در واقع نوعی زبان تطبیقی مشترک  
○ بله و یادم هست در مورد کتاب‌های زمان چاپ سنگی اروپا، علائم اختصاری آن‌ها را به

زبانهای مختلف می‌آموختند و این بدان علت بود تا دانشجویان زبان را سدی برای خود حس نکنند که نمی‌توانند از آن عبور کنند.

● جای چنین تکنیک‌هایی در آموزش ما خالی است.

○ خیلی، من البته همیشه فکر می‌کردم اگر چنین کتابی به شکل فرهنگ و بصورت تخصصی در جزوات کوچک منتشر شود چقدر مناسب است. حال که صحبت چاپ سنگی شد باید بگویم که یکی از تأکیدهایی که استاد دانش پژوه همیشه داشتند و من سعی کردم در خاطر بسپارم بحث چاپ سنگی است. روزی استاد دو جلد فهرست چاپ سنگی یکی از کتابخانه‌های روسیه که خانم دانشمند روسی آن را تهیه کرده بود به من نشان دادند و گفتند که ما هنوز هم یک فهرست مدون از چاپ‌های سنگی ایران نداریم و زمانی که این دوره شکل گرفت باز هم این تأکید وجود داشت و بسیار مایه خوشحالی بود که برخی از دوستان، در پایان‌نامه‌های خود به چاپ سنگی پرداختند. حتی در چهار جلد کتاب ادبیات کودکان که اخیراً چاپ شده است شما ملاحظه می‌کنید که دوستان، چه استفاده زیبایی از منابع چاپ سنگی کرده‌اند و قطعاً از فهرست‌هایی که اخیراً چاپ شده است به ویژه از کتاب آقای «مارزلف» استفاده کرده‌اند و من معتقدم که مبحث چاپ سنگی، قابلیت برگزاری یک دوره را دارد.

● از خانم انصاری درباره فعالیت‌های سالهای آخر زندگی استاد سؤال می‌کنم و به یاد شب بزرگداشت استاد در فرهنگستان ادب می‌آیم که در خرداد سال ۱۳۷۳ برگزار گردید و با خانم انصاری خاطره آن شب را مرور می‌کنیم و او با لبخندی می‌گوید:

○ استاد خودشان از من خواستند که در آن جمع، گزارش از این دوره بدهم و آنقدر خوشحال بودند که از همه بچه‌های آن دوره خواستند که دور ایشان حلقه بزنند و یک عکس یادگاری بگیرند.

● بله، به یاد دارم و در آن جلسه رسماً خواستار رسیدگی به دوره نسخ خطی و ادامه آن بودند.

○ بله استاد همیشه درباره دوره بعد سؤال می‌کردند و ما معتقد بودیم که این دوره نمی‌تواند یک دوره صرف دانشگاهی باشد بلکه باید دوره خاصی باشد که قرارداد دوجانبه‌ای بین دانشگاه و کتابخانه‌ای که نسخه خطی دارد برقرار شود تا آزمایشگاه دائمی این دوره که اسناد و کتب خطی است در دسترس باشد و اگر چنین نباشد بی‌فایده

است. به هرحال استاد در سالهای ۷۳ و ۷۴، اخبار انعام تحصیل و دفاع از پایان‌نامه دانشجویان این دوره را مرتب جویا می‌شوند، گویی که از هر یک از فرزندان خود، خبر می‌گرفتند و سالی پس از آن و پس از به انجام رسانیدن تعهد بزرگی که به عهده داشتند به دیدار حق شتافتند و از این بابت شاد از دنیا رفتند.

● از چگونگی اهداء کتابخانه استاد به کتابخانه استاد مینوی و پژوهشگاه و مطالعات علوم انسانی می‌پرسم و خانم انصاری در پاسخ می‌گوید:

○ استاد کتابخانه خود را طبق نظر خودشان به کتابخانه مینوی اهداء کردند و محل سکونت خود را از خیابان بخارست به آپارتمانی در زعفرانیه تغییر دادند. وداع با کتاب‌ها خیلی سخت بود. کتاب‌ها از همان‌جا، بسته‌بندی می‌شد و به کتابخانه مینوی فرستاده می‌شد، وقتی دانشمندی به سن بالایی می‌رسد، دیگران برای او تصمیم می‌گیرند و نقش خانواده در این میان خیلی مهم است و به نظر خانواده استاد بسیار خوب بودند. استاد از یک خانه پر از کتاب به یک آپارتمان تقریباً بی‌کتاب منتقل شدند.

● در واقع از این پس، مسئولیت نگهداری آن با جامعه است.

○ بله مسئولیت جامعه است که با کتاب‌های یک دانشمند چه می‌کند و آن بخش از احترام به یک دانشمند است و در اینجا مسئولیت کتابخانه‌ها و مدیرانی که این کتابخانه‌ها را اداره می‌کنند بسیار مهم است که آیا این مدیران، فقط گنجور و کتاب‌بان هستند و کتاب‌ها را حیس می‌کنند و یا اینکه باید تولید دانش و پژوهش کنند و از افرادی که علاقه‌مند هستند دعوت کنند تا پژوهش‌های مورد علاقه خود را به چاپ برسانند. به هرحال فکر می‌کنم که بحث مدیریت سازمان‌های فرهنگی بسیار مهم است. مدیر خوب خودش، سفارش پژوهش می‌دهد، شبکه‌های وسیع کاری ایجاد می‌کند و در این راه از نسل جوان استفاده می‌کند.

● آنگونه که از آقای پیشنهادزاده شنیدم، گویا پژوهشگاه طبقه بالای کتابخانه مینوی را به کتابهای استاد دانش پژوه اختصاص داده است و هم‌اکنون مشغول ساماندهی و ترتیب کتابها پس از ثبت می‌باشند. امیدواریم که این کار با ارزش بزودی انجام پذیرد و مهمتر از آن، یادداشت‌ها و جواشی استاد بر کتب و موضوعات مختلف به ویژه در بازده نسخ خطی گردآوری و چاپ گردد.

○ البته، ولی چه کسانی باید این کار را انجام

دهند؟ باید افرادی تربیت شوند و در طول این تربیت است که برخی از این تجربه‌ها را می‌توان آموخت، و این تجربه تبدیل به عشق می‌شود. اگر تاریخ را جزء امروز بدانیم و امروز خود را جزء تاریخ بدانیم، آن وقت شوق فراوانی نسبت به کتب و اسناد خواهیم یافت.

● بله، دقیقاً توجه به این نگرش که همه ما روزی قسمتی از تاریخ خواهیم بود، نوع نگاه امروزمان را نیز تغییر می‌دهد و به آن عمق و بینش می‌بخشد. وقت زیادی از گفت و گوی ما گذشته است و هنوز ناگفته‌های بسیاری باقی مانده است اما در پایان بحث از خانم انصاری درباره خاطراتش از استاد می‌پرسم و او به نکات جالبی اشاره می‌کند، از جمله در شباهت‌های فراوان فکری آقای ایرج افشار و دانش پژوه و محبت آنها به یکدیگر سخن می‌گوید از اینکه استاد تا آخر عمر هم می‌توانست بر سر موضوعی عصبانی شود و مثلاً با آقای عبدالله نورانی مانند دو طلبه بر سر مسئله‌ای منطقی یا علمی مشاجره کنند و بحث نمایند و از همه جالب‌تر آنکه گفتند:

○ به لحاظ ارتباط مستمر و نزدیک من با خانواده و همسر آقای دانش پژوه، بعد از اولین سکنه مغزی استاد، روزی همسر ایشان به من تلفن کردند و گفتند نوشین خانم بیا بین استاد چه می‌گوید؟ زمانی که من بالای بستر استاد رسیدم، دیدم ایشان فقط فرانسسه صحبت می‌کنند، وقتی خوب گوش دادم دیدم ایشان درباره مابعدالطبیعه این رشد به زبان فرانسسه توضیح می‌دهند. من بر بالین ایشان نشستم و آنچه می‌گفتند نوشتم. و به خانم اطمینان دادم که همه چیز به حالت قبل بازمی‌گردد و همین‌طور هم شد.

● سرکار خانم انصاری، از اینکه ما را با گوشه‌های دیگری از زندگی و خاطرات استاد دانش پژوه آشنا کردید و از این طریق، به ظرایف زندگی استاد نزدیک‌تر ساختید سپاسگزارم.

○ من نیز از شما متشکرم.

پانویس:

۱- محمد تقی دانش پژوه، «سرگذشت من»،

راهنمای کتاب، ۱۸: ۶۵۹.

۲- نوش آفرین انصاری، «آموزش ساماندهی

نسخ خطی در ایران»، در اجلاس کاملیس ۴، (۲۹-۳۱

خرداد ۱۳۷۴)، مجموعه مقالات کاملیس ۴ (تهران:

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، [۱۳۷۶]،

ص ۲۳۶.

گفت و گو با نجیب مایل هروی محقق، مصحح و نسخه شناس

## استاد دانش پژوه یکی از پرکارترین فهرست نگاران و محققان متون در دوره معاصر بود

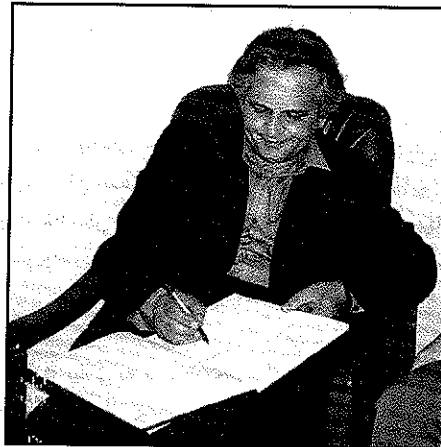
در حوزه ادب و تفکر فارسی، ما با این مشکل روبه‌رو هستیم که استادان ما گاه از تخصصشان به در می‌روند و در حوزه تخصصی که مربوط به آنها نیست، کار می‌کنند. زمانی که مرحوم استاد دانش پژوه کار می‌کردند، همچنان امروز، دامنه را پر از خلأ می‌دیدند و در نتیجه، در اکثر این خلأها دست یازیدند. به همین جهت یک بی‌نظمی در کار ایشان رؤیت می‌شود که طبیعی است و درخور ایراد و رد و طرد نیست. این پدیده طبیعی باید اصلاح شود و اگر مجموعه مقالاتی که از مرحوم دانش پژوه به طور پراکنده در مجلات عذیده چاپ شده است، در موضوعات عذیده طبقه‌بندی شود و با کشف جدی و علمی به چاپ برسد، هم این بی‌نظمی مرتفع می‌شود و هم سنت تحقیقات همچنان استمرار خواهد داشت.

● بنابراین یکی از خدماتی که می‌تواند درخصوص کارهای مرحوم دانش پژوه به ویژه مجموعه مقالات ایشان صورت گیرد، این است که آنها جمع‌آوری و سپس تفکیک و مدون شوند و با عنوان مقالات استاد دانش پژوه به چاپ برسد و در اختیار پژوهشگران قرار بگیرد. سؤال بعدی من این است که استاد دانش پژوه در سه حوزه فهرست‌نگاری و نسخه‌شناسی و تصحیح متون کار کردند، شما ایشان را در کدام حوزه موفق‌تر دیده‌اید.

فهرست‌نگاری و نسخه‌شناسی از هم جدا نیست. عموماً کسانی که این فرصت در اختیارشان قرار گرفته است که بتوانند فهرست‌نسخ خطی بنویسند، نسخه‌شناس هم شده‌اند. ولی این به آن معنا نیست که اگر کسانی فهرست‌نسخ خطی نوشتند، نمی‌توانند نسخه‌شناس باشند.

کما اینکه امروزه بعضی از بزرگواران معاصر مثلاً آقای دکتر شفیع کدکنی فهرست‌نسخ خطی نوشته‌اند ولی نسخه‌شناس‌اند. آقای دکتر امین ریاحی، آقای استاد مینویی و همچنین بسیاری از دیگر بزرگواران معاصر با اینکه فهرست‌نویسی‌نسخ خطی نکرده‌اند ولی نسخه‌شناس هستند.

اما استاد دانش پژوه چون فهرست‌نسخ خطی نوشته‌اند، نسخ بسیار زیادی رؤیت کرده‌اند و این رؤیت‌نسخ فراوان، شم نسخه‌شناسی را در ایشان بسیار تقویت کرده بود. مرحوم دانش پژوه در نسخه‌شناسی و فهرست‌نویسی موفق جدی داشتند. اما در تصحیح متون هم گرچه اهتمام فراوانی کردند ولیکن این به آن مفهوم نیست که ما بتوانیم ایشان را در حوزه تصحیح متون با شخصیت دیگری مثل علامه قزوینی بسنجیم.



○ گفت و گو:

حسین فعال عراقی نژاد

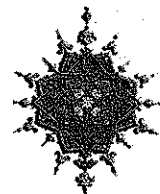
● بفرمایید فعالیت‌های علمی و فرهنگی مرحوم

دانش پژوه چه زمینه‌هایی را دربر می‌گرفت؟

ایشان یکی از پرکارترین فهرست‌نگاران و محققان متون در دوره معاصر بودند. کاری که ایشان انجام داده‌اند اعم از تهیه فهرست‌نسخ خطی یا تصحیح متون در مجموع، کلان و گسترده است و کاری در خور قدر و تجلیل و بسیار آموزنده و راهگشا در حوزه‌های نسخه‌شناسی و متن‌شناسی است. ولی این مجموعه کلان بسیار بی‌نظم به جای مانده است و ضرورت تکامل فرهنگی اقتضا می‌کند که امروز برخی از این مراکز فرهنگی که اختصاصاً در زمینه‌های نسخ خطی یا تصحیح متون اهتمام می‌ورزند، قسمتهایی از کارهای پراکنده آن مرحوم را با نظم و نسق و روش معاصر همراه با کلید واژه‌ها و نمایه‌های مناسب و کشف‌های جدی تجدید چاپ کنند.

● علت این بی‌نظمی را در چه چیز می‌بینید؟

چون این کار گسترده بوده، طبیعتاً مقداری بی‌نظم شد. کارهای زیادی در حوزه فرهنگ ما بر جای مانده است. کسی که وارد طیف‌های این فرهنگ در ادوار گوناگون می‌شود جایی قرار می‌گیرد که می‌بیند زیر پایش خالی مانده است. یک فرهنگی محقق فهمیم در چنین حالتی احساس می‌کند که اگر این مجموعه را پر نکند و خشت نگذارد خود نیز می‌افتد. در نتیجه، مجبور است که به کارهای عذیده و متکثر دست بزند. این موضوع گاه تخصص را به معنای دقیق کلمه از انسان می‌گیرد. امروز جامعه ما کم ندارد فضایی را که وقتی به نوک قله می‌رسند، دامنه کوه را می‌بینند که خالی مانده است. این خلأها آزاردهنده است و باید به نوعی این خلأها را پر کنند. در نتیجه تکرر پیش می‌آید و همین تکرر هم تخصص را نرم‌نرم از انسان می‌گیرد.



## محمد تقی دانش پژوه آن گونه که بود پسر از پدر می گوید

گفت و گو: محمد رضایی

طبقه هشتم یک ساختمان بلند مرتبه در بزرگترین خیابان پایتخت جایی است که فرزند استاد محمد تقی دانش پژوه هر روز بیمارانی را طبابت می کند که گاهی از شهرهای دور به تهران آمده اند. گفت و گویی با ایشان ترتیب دادیم که علی رغم مشغله فراوان، به احترام پدر، پذیرفتند. دکتر محمد دانش پژوه، متخصص قلب و فرزند استاد دانش پژوه یکی از چهار فرزند ایشان و تنها فرزند استاد است که در ایران زندگی می کند و سرپرستی مادر، مریضش، همسر استاد دانش پژوه، را نیز بر عهده دارد.

می کردند. در دانشکده ادبیات و دانشکده الهیات نیز بودند؛ از این کتابخانه به آن کتابخانه، بررسی این نسخه خطی و آن نسخه چاپی. همیشه با کتاب بود، الا زمانی که می خوابید.

● ارتزاقشان از کار کتاب بود یا فعالیت دیگری هم داشتند؟

خیر، فعالیت دیگری نداشتند. قانع بودند. قدیمها مثل امروزها نبودند که ماشین بخواهند و خانه رنگارنگ بخواهند. آدمهای گذشته، آدمهای ساده ای بودند و با حقوقی که دولت به آنها می داد می ساختند و زندگی می کردند. مسائل مالی به این شکل که الان مطرح است، لاقلاً برای پدر مطرح نبود.

● آیا استاد دانش پژوه که این قدر با کتاب محشور بودند، کتابخانه شخصی نداشتند؟

چرا کتابخانه شخصی داشتند که کتابهای هم بیشتر کتابهای مرجع بود و چون به مرحوم مینوی بسیار علاقه مند بودند، کتابهایشان را به کتابخانه مینوی که در خانه شخصی ایشان است اهدا کردند که این کتابخانه جزء پژوهشگاه علوم انسانی است.

● آثارشان چه تعداد است؟

زیاد است، ۲۰۰، ۳۰۰ کتاب و مقاله و نشریه داشتند. قبل از انقلاب مجله ای بود به نام «فرهنگ ایران زمین» که ایشان و آقای افشار و دو سه نفر دیگر از دوستانشان آن را منتشر می کردند. بعد از انقلاب هم در مجله ای که آقای افشار منتشر می کردند، مقاله می نوشتند.

● سفرهای علمی به خارج از کشور هم می رفتند؟

به آمل می آمدند و در بیلاق به ما ملحق می شدند. ● چه مدت در تهران ماندند و تحصیلات عالی را از کجا آغاز کردند؟

ایشان از آغاز دهه بیست که وارد تهران شدند برای همیشه ماندگار شدند. در ابتدا، مدتی در تهران و سپس قم بودند و پس از آن در دانشکده الهیات (منقول و معقول) شروع به تحصیل در سطح عالی کردند. در واقع درس منظم را تا همان مقطع کارشناسی خواندند؛ و پس از اخذ لیسانس در کتابخانه دانشکده حقوق مشغول به کار شدند. سپس ما هم از آمل به تهران نقل مکان کردیم.

● تا کی در کتابخانه دانشکده حقوق ماندند و فعالیت کردند؟

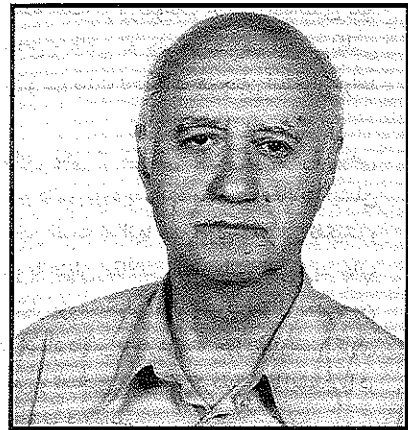
چون ایشان به کار کتاب و کتابت و تحقیق در ادبیات فارسی و متون قدیمی علاقه داشتند پس از فارغ التحصیلی نیز در همان کتابخانه تا سال ۵۵ - ۵۶ ماندند و بعد به دانشکده ادبیات در گروه تاریخ رفتند.

● آیا فرزندان ایشان را تشویق نمی کردند که کار ایشان را دنبال کنند؟

نه، هیچ وقت به ما نگفتند که دنباله رو کار من باشید. فقط یک بار که در کلاس سوم یا چهارم ابتدایی بودم، به من گفتند: دوست دارم پزشک شوی. فقط همان موقع چنین خصوصی با من حرف زدند.

● آقای دکتر، مرحوم دانش پژوه، اواخر عمرشان چه فعالیتی می کردند؟

این اواخر در خانه بودند؛ چون مقدار زیادی کتاب تهیه کرده بودند و مدارکی را که به درد کارشان می خورد، در خانه داشتند و با آنها کار



● آقای دکتر، از زندگی خصوصی پدرتان،

مرحوم دانش پژوه بگویید؟

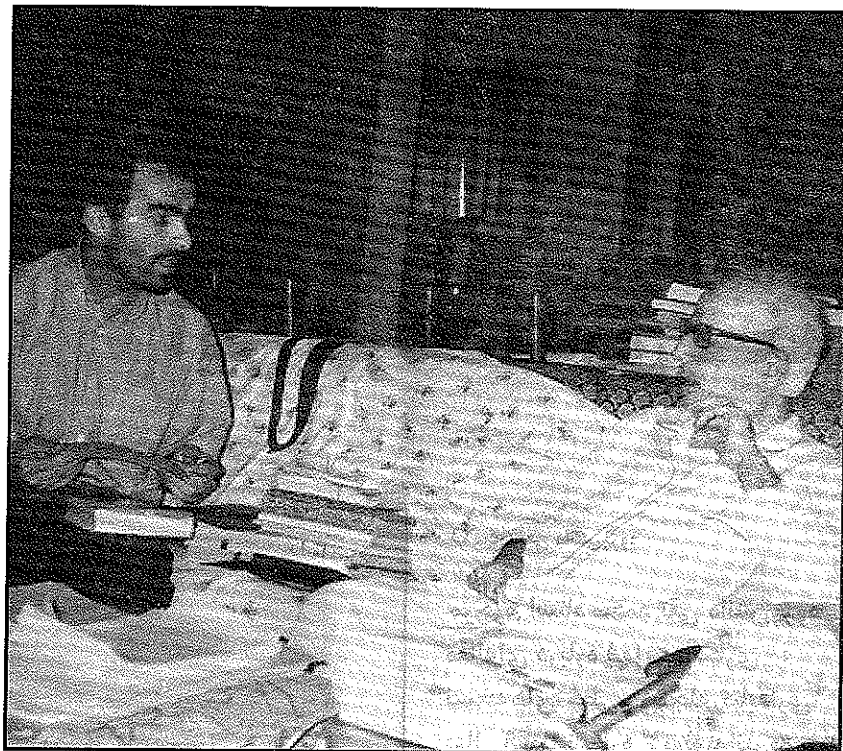
تا آنجایی که یادم هست، پدرم ابتدا نزد پدربزرگمان که روحانی و مجتهد بود، درس خواند و طبق رسم خانواده، او هم می خواست روحانی بشود. با توجه به اینکه پدربزرگم زود فوت کرد، پدرم در سنین نسبتاً پایین، در هجده سالگی مسئول خانواده شد. آن موقع که پدربزرگم درگذشت، من تنها بچه خانواده بودم. بنابراین، پدرم مجبور بود هم از من و مادر بزرگ و مادرم نگهداری کند و هم تا حدود امکاناتی که در آمل وجود داشت، درس بخواند. بعد از مدتی با مشکلاتی که در حکومت رضاشاه از نظر نحوه درس خواندن پیدا شد، پدرم مجبور شد درس خواندن را به گونه ای دیگر پی بگیرد. در این مقطع بود که به تهران عزیمت کرد و در مدرسه صدر مشغول تحصیل شد. ایشان قبل از سفر به تهران، بیشتر در آمل بودند و هنگامی که عازم تهران شدند، دیگر ایشان را کمتر می دیدیم، جز اینکه در ایام عید



مرحوم دانش پژوه به خاطر علاقه مندی فراوانی که به مرحوم مینوی داشتند کتابخانه شخصی خود را که بیشتر کتابهای مرجع بود، به کتابخانه مینوی که در خانه ایشان واقع شده است اهدا کردند

استاد دانش پژوه خطاب به کتابداران یکی از کتابخانه‌های هندوستان در پایان ساعت اداری: در را ببندید و بروید. من چیزی نمی‌خواهم بخورم. شب همین جا می‌مانم و صبح که شماها آمدید، می‌روم بیرون و صبحانه می‌خورم

دکتر محمد دانش پژوه، فرزند مرحوم دانش پژوه: زندگی پدرم کتاب بود. از این کتابخانه به آن کتابخانه، از این نسخه خطی به آن نسخه چاپی، همیشه دستش کتاب بود، الا زمانی که می‌خوابید



بله، او را دعوت می‌کردند، دو سه بار رفته بودند بوستون و هاروارد. این سفرها برای کتابشناسی و کتاب بود. فرانسه، آلمان، هند و عربستان هم رفته بودند. بعد از انقلاب هم چون دیگر توانی نداشتند، فقط یک بار با آقای ایرج افشار به پکن رفتند. ایشان به هر جا که آثار خطی ایران وجود داشت و نتوانش اجازه می‌داد سر می‌زد.

● آقای دکتر، دوستان مرحوم دانش پژوه، خاطره‌ای از ایشان و دوران فعالیتشان برای شما تعریف نکرده‌اند؟

چرا، آقای دکتر محقق همیشه خاطره‌ای از ایشان تعریف می‌کند که جالب است. ایشان می‌گوید: با همدیگر رفته بودیم هندوستان و در آنجا رفتیم به یک کتابخانه.

ایشان که به کتابخانه رسیده، انگار که غرق شد. ساعت به شش بعدازظهر نزدیک شد و مسئولان کتابخانه می‌خواستند کتابخانه را تعطیل کنند که من به مرحوم دانش پژوه گفتم: بیا، برویم. بلافاصله گفت: به اینها بگو در را ببندند و بروند. من چیزی نمی‌خواهم بخورم. شب همین جا می‌مانم و صبح که شماها آمدید، بیرون می‌روم و صبحانه می‌خورم.

● آقای دکتر، باز هم می‌خواهیم برگردیم به زندگی و خصوصیات اخلاقی مرحوم دانش پژوه؛ بارزترین خصوصیات اخلاقی ایشان چه بود؟

همان‌طور که گفتم و باز هم می‌خواهم تکرار کنم، ایشان آن قدر عاشق کتاب بود که برایش مسافرت و تفریح معنا نداشت. شما شاید باور نکنید که این آدم در طول عمرش، هرگز آن چیزی را که شما به آن می‌گویید تفریح مثل سینما، پارک و همه

آن چیزی که تفنن است، نداشت. این اواخر یادم می‌آید که چون خیلی به ارسطو علاقه داشت دایم در حال خواندن کتابها و آثار او بود.

یکی دیگر از خصوصیات اخلاقی ایشان این بود که هم تربیت روحانی داشت و هم بسیار روشنفکر بود. افکار مختلف را به راحتی می‌پذیرفت. من با آن تربیتی که مادر بزرگم برایم ایجاد کرده بود خیلی یک بعدی فکر می‌کردم. اما پدرم خیلی «باز» فکر می‌کرد. یک روز به من گفت: این کتابها را خواندی، چیزهای دیگری هم هست که می‌شود خواند؛ و بلافاصله رفت و روح‌القوانین مونته‌سکیو را که تازه درآمده بود و یکی از کتابهای ژان ژاک روسو و چند کتاب دیگر که نامشان را فراموش کرده‌ام آورد و جلو من گذاشت و گفت: اینها را بخوان.

لذت‌بخش‌ترین خاطره تربیتی که از او دارم این بود که اجبار نمی‌کرد؛ بلکه می‌گفت: این کتاب را بخوان و بعد قضاوت کن.

● مادر بزرگ شما چه تربیتی در شما پروراند که می‌گویید یک بعدی فکر می‌کردم. آیا منظور، مادر استاد دانش پژوه است؟

بله، منظورم مادر بزرگ پدری‌ام است. مادر بزرگم یعنی مادر استاد دانش پژوه آدم باسوادی بود. تحصیلات قدیمی خیلی خوبی هم داشت. با اینکه در آن زمان برای زن امکان سوادآموزی خیلی کم بود، مادر بزرگم می‌نوشت. عربی هم بلد بود. فارسی هم خوب بلد بود. اشعار حافظ و مولوی را برای ما می‌خواند. خیلی هم مؤمن بود. در حقیقت، معنن اطلاعات ما مادر بزرگمان بود. در ابتدا همه چیز را از او یاد گرفتیم. ولی خیلی سنتی و مذهبی بود.

● مادر خودتان چطور، ایشان در جایگاه همسر استاد دانش پژوه چه فعالیتی داشتند؟

مادر من زن ساده‌ای بود. آن موقع دخترها مدرسه نمی‌رفتند؛ اما خانواده مادرم باسواد بودند. پدر مادرم طیب بود. اما در قبال دخترانش خیلی تعصب نشان می‌داد و می‌گفت اینها اگر مدرسه بروند و خواندن و نوشتن یاد بگیرند ممکن است برای کسان نابابی نامه بنویسند. این شد که مادر ما جز سواد قرآن و دعا خواندن سواد دیگری نداشت. ایشان آن قدر خط یاد نگرفت تا وقتی که خواهرم برای تحصیل به خارج رفت، چون دلش می‌خواست برایش نامه بنویسد آن موقع نوشتن را یاد گرفت.

● آقای دکتر، مرحوم دانش پژوه چند فرزند داشتند؟

چهار فرزند، من و دو برادرم و یک خواهرم که یکی از برادرانم مهندس راه و ساختمان شد و سالها اینجا کار کرد و بعد به آمریکا عزیمت کرد و الان سالهاست که در آمریکا زندگی می‌کند. برادر دیگرم هم اینجا لیسانس ریاضی گرفت و رفت فرانسه و کارهایش را تکمیل کرد و دکترای آمار گرفت و همانجا ماند. خواهرم هم در آلمان درس خواند و پزشک شد و همان‌جا ماند.

● در پایان سخن، بفرمایید استاد دانش پژوه وصیت خاصی نکردند؟

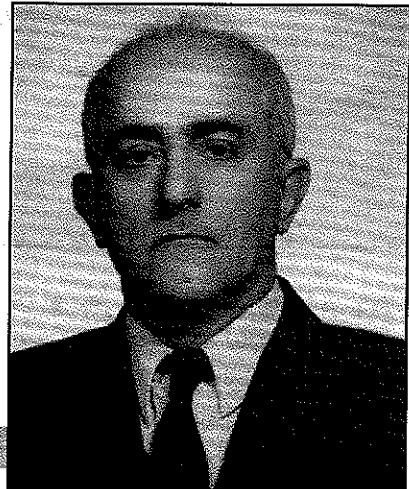
پدرم اصلاً وصیت‌نامه نداشت. چیزی نداشت که وصیت کند. کتابهایش را که در زمان حیاتش به کتابخانه مینوی اهدا کرد؛ بنابراین چیزی نداشت.

● سپاسگزارم از اینکه با مشغله فراوان در این گفت‌وگو شرکت کردید.

# آیین فهرست نگاری نسخه های خطی

○ محمدتقی دانش پژوه

مرحوم استاد محمد تقی دانش پژوه  
مقاله ای درباره فهرست نگاری  
نسخه های خطی در مجله کتابداری،  
سال ۱۳۴۹ شماره ۳ نوشته اند که با  
توجه به اهمیت موضوع و نیز نزدیکی  
مقاله با هدف مجله کتاب ماه کلیات،  
در اینجا درج می شود.



اصفهان آنچه که به چاپ رسیده بدین گونه است:  
قم دو مجلد، مشهد هفت مجلد، دانشگاه تهران  
بیست و سه مجلد، نشریه یا بولتن کتابخانه مرکزی  
دانشگاه شش مجلد که در آن چندین کتابخانه  
خصوصی و عمومی فهرست شده است. از کتابخانه  
مجلس شورای ملی مجلد هفدهم فهرست آن زیر  
چاپ است. کتابخانه ملی چهار مجلد، فهرست  
کتابهای خطی کتابخانه های رشت و یزد و آستانه قم  
و کتابخانه های مدارس و مساجد مشهد هم تهیه  
شده و زیر چاپ است. فهرست کتابخانه ملی تبریز  
نیز یک جلد چاپ شده است.  
اینک به قواعدی که فهرست نگار، به خصوص  
در فهرست مستدل و توصیفی باید در نظر بگیرد  
می پردازیم:

کتابشناسی یا وصف کتاب به طور کلی  
۱. کتاب هر گونه نوشته ای است که مقصودی  
را برساند یا از موضوعی در آن بحث شود، یعنی  
اوراق مجلد یا مابین الدفتین یا یک طومار و کتیبه و  
سنگ نوشته و سند و وقف نامه و قبالة و نامه ها و  
مکاتیب دوستانه و درباری و دیوانی و عارفانه را باید  
به طور توسع کتاب بنامیم و مشمول قانون  
فهرست نگاری بدانیم.

۲. کتاب یا متن است یا شرح یا حاشیه یا گزیده  
و تلخیص یا بسط و ذیل و مقدمه؛ باز هم کتاب یا  
تصنیف است یا املا یا تألیف یا جمع و گردآوری و  
تدوین یادداشتها و یادگارا و خطوط (به شکل مربع  
و اجازات) و رسایل و مطالب پراکنده در یک جنگ  
یا مجموعه و بیاض و کشکول و سفینه.

۳. هر کتاب را نامی خواهد بود و این نام یا به  
نص مؤلف در خود کتاب یا به نقل گفته او به روایت  
شاگردان یا کاتبان معین می شود، یا از آثار دیگر  
مؤلف یا آثار دیگران مشخص می گردد و شاگرد و  
مورخ نام کتاب را معین می سازد. در بسیاری از  
نسخه ها در آغاز یا صفحه عنوان یا انجام و  
خاتمة الکتایه یا در میانه نسخه یا در کراسه شماری  
گوشه های بالای صفحه ها به کتاب نام داده

و حیاض الفضلاء مولی عبدالله اصفهانی آفندی به  
نگارش درآمد که ببلیوگرافی (فهرست) بسیار  
خوبی است و مؤلف آن گذشته از کتابهایی که در  
اصفهان دیده به شهرهای دیگر ایران هم رفته و  
نسخی را که در آنجاها دیده است به یاد سپرده و  
وصف آنها را در کتاب خود آورده است.

مقدمه دو کتاب بحارالانوار مجلسی و  
عوامل العلوم مولی عبدالله بحرانی هم کتابشناسی  
خوبی است و این دو از سده یازدهم است.

در سده سیزده دانشمندی یزدی مثنوی  
هدایة الاسماء را نوشت که متن آن را در مجلد ششم  
در نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه به چاپ  
رسانده ام. در سده چهارده میرزا محمد حسین نوری  
در مستدرک الوسائل (مجلد دوم) درباره برخی از  
کتابهای شیعی به تفصیل سخن گفته است.  
دانشمند کنونی، آقا بزرگ تهرانی الذریعه و خان بابا  
مشار فهرست کتابهای فارسی و عربی و مؤلفان  
فارسی و عربی چاپ ایران و آقای ایرج افشار  
کتابشناسی سالانه و دهساله را نوشته اند و کتابخانه  
ملی نیز چندین جزوه در این زمینه نشر داده است.

اما فهرست کتب خطی در مشهد و تهران و

فهرست یا برشمردن و شناساندن کتابها بر دو  
نوع است:

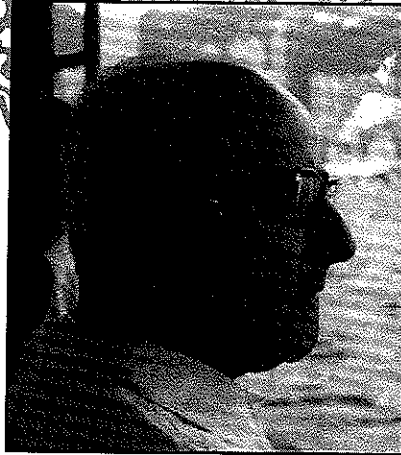
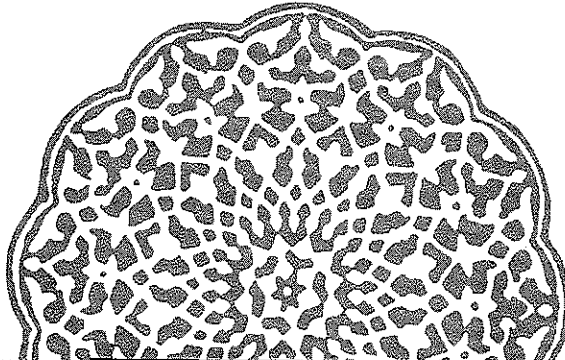
۱. برشمردن و توصیف کتابهایی که متعلق به  
کسی یا کتابخانه ای نباشد و به طور کلی در نظر  
گرفته شود، همانکه کتابشناسی یا ببلیوگرافی  
می نامند.

۲. برشمردن و توصیف کتابهای متعلق به  
موضوع خاص که نسخه شناسی و کاتالوگ  
می نامند.

به طور کلی فهرست، خواه کتاب شناسی یا  
نسخه شناسی باشد، بر دو نوع است:

۱. فهرست دستی و مختصر یا سیاه برداری  
۲. فهرست مدلل توصیفی که در آن وصف  
کتاب یا نسخه می آید.

فهرست نگاری در ایران یا در دیگر دیار اسلامی  
سابقه ممتدی دارد و با فهرست ابن الندیم و فهرست  
شیخ طوسی و رجال نجاشی و معالم العلماء  
ابن شهر آشوب و فهرست منتجب الدین رازی و رجال  
ابن داود حلی و الفهرسة اشبیلی آشنا هستیم.  
در روزگار اخیر، در زمان صفویان، ریاض العلماء



می‌شود. گواهی و نامگذاری فهرست‌نگار هم یکی از مدارک در این زمینه خواهد بود. صحت و اصالت و اعتماد به این مدارک بستگی به نظر محقق و مرتب‌کننده دارد.

اگر کتاب را نامی نباشد، باید بر حسب موضوع بحث به آن نامی داد. اگر کتاب به نام دیگری مشهور شود، باید نامی را که مؤلف بدان داده است ملاک قرار داد و نام مشهور را به آن بازگرداند.

۴. مؤلف کتاب هم یا از نص و تصریح خود او در کتاب معلوم می‌شود یا اینکه شاگرد و راوی و مستملى و مجاز و مورخ و سرگذشت‌نگار آن را معین می‌کند یا اینکه در نسخه از مؤلف نام برده می‌شود. گرفتاری فهرست‌نگار هنگامی است که کتاب در دو نسخه به دو نفر منسوب شود؛ اینجا باید قراین تاریخی حاکم گردد. در تعیین مؤلف، گذشته از قواعدی که محققان جدید به دست داده‌اند می‌توان از مطالبی که علمای درایة الحدیث مانند نووی و ابن حجر و شهید ثانی یاد کرده‌اند بهره برد. ۵. تاریخ تألیف یا به نص مؤلف یا راوی و مستملى و کاتب نسخه معلوم می‌شود یا اینکه از روی قراین تاریخی مندرج در کتاب یا سبک نثر و نظم مؤلف و شواهد تاریخی دیگر معین می‌گردد.

۶. کتاب گاهی برای یکی از پادشاهان و بزرگان و وزیران و امیران و استادان و شاگردان و دوستان مؤلف نگاشته می‌شود. این نکته هم باید در فهرست قید شود.

۷. منابع کتاب را هم خوب است که فهرست‌نگار محقق معلوم سازد و از خواندن و دقت در کتاب و سنجش آن با متون دیگر و از روی قرائن تاریخی آنها را برشمرد.

۸. فصول و ابواب کتاب را باید فهرست‌نگار به دست دهد و اگر مطالب آن تجزیه نشده است باید گفت که چه مباحثی در آن هست. این امر در تشخیص کتاب در درجه اول است و بسیاری از کتابهای ناشناخته و ناقص را به آن شناخته‌ایم.

۹. در فهرستها باید آغاز و انجام خود کتاب و نه نسخه تنها یاد شود و بهتر است عکسی از آغاز و

۲. نویسنده نسخه که نامش در پایان یا جاهای دیگر آمده است یا این که از روی قراین مانند تطبیق یا گواهی دیگران معلوم می‌شود و به ویژه تعیین می‌گردد که خط مؤلف است یا نیست و اگر هم در نسخه نوشته شده که از خود مؤلف است باید دقت شود که کاتب نقل قول مؤلف نکرده باشد. صورت خط مؤلف یا نویسنده و کاتب مشهور ناگزیر باید در فهرست کلیشه شود.

۳. تاریخ نوشته شدن نسخه که گاهی مصرح است در آغاز یا میانه یا انجام نسخه و در این مورد باید از تاریخ روز و ماه و سال - اگر در نسخه باشد - به طور کامل یاد کرد. یکی از فواید آن این است که در تدوین تقویم قهقرایی سودمند است. اگر تاریخی در نسخه نباشد، به قراین تاریخی و نشانه‌های نوع خط باید متوسل شد.

۴. جایی را که نسخه در آن نوشته شده است، اگر در آن معین شده باشد، باید یاد کرد.

۵. کسی را که نسخه برای او نوشته شده است یاد کردن ناگزیر است و همین اهمیت آن کس یا کتاب را خواهد رساند.

۶. نشانه‌ها و آرایشها و تصویرها که در نسخه هست باید در فهرست یاد گردد، مانند رنگهای مشکی و سفید آب و شنگرف و زنگار و زعفران در عنوانها و فصلها و بابها و آغاز مطالب و سرلوح و پیشانی و سرفصل و خاتمه و جدول و ستون‌بندی و کمند و نشانه‌های سجاوندی و نقطه‌گذاری با «ه»، «ن» و جز اینها. همچنین حاشیه‌سازی و آرایش میانه سطور و مجالس تصویر نسخه اگر با کلیشه رنگین چاپ شود بهتر است.

۷. حواشی کتاب که از خود مؤلف است یا دیگری و لغوی است یا برای توضیح و نقد مطالب کتاب با ذکر امضاهای صریح یا رموز آخر آنها.

۸. یادداشتهای آغاز و انجام نسخه یا میانه آن درباره حوادث تاریخی مانند زلزله و سفر و حکومت و زاد و مرگ اشخاص یا آمار جمعیت شهرها و نکات ادبی و شعرها یا فهرست کتابخانه‌ها و کتابها یا حل رموز برخی از کتابها یا سرگذشت دانشمندان و

انجام کتاب و جاهای دیگر که تاریخ یا نکات جالبی دارد در فهرست به چاپ برسد.

۱۰. زبان کتاب را باید فهرست‌نگار درج کند و اگر هم دو زبانه است قید کند.

۱۱. تعیین موضوع کتاب بسیار مهم است و بهتر است در کتابهای جدید روش تقسیم‌بندی جهانی را پیش گرفت و برای کتابهای کهن تقسیم‌بندی علمی - فرهنگی که این کتاب به آن متعلق است یعنی همان تقسیم‌بندی را که دانشمندان آن فرهنگ آن را معتبر می‌دانند ملاک دانست؛ مثلاً ما باید ببینیم که کندی و فارابی و مشکویه رازی و ابن سینا و طوسی و قطب شیرازی و شمس‌الدین محمد آملی و دیگر دانشمندان ما چه گفته‌اند و به روش آنان پی ببریم وگرنه کتاب را در درست نشناخته‌ایم.

۱۲. در فهرست بجا است که ارزش معنوی کتاب و درجه سودمندی آن معین شود تا خواننده دریابد که برای مقصود علمی او مفید است یا نه.

#### نسخه‌شناسی

در شناساندن نسخه‌ها باید نکات زیر را به یاد داشت:

۱. خط نسخه که به کدامیک از کوفی و نسخ شرقی و نسخ مغربی و تعلیق و نستعلیق و شکسته و جز اینها است.

سلسله‌ها یا تاریخ شروع و ختم کتاب که همه اینها باید در فهرست بیاید.

۹. اجازه‌ها و سماعها و روایت کتاب از مولف و طریق آن و بلاغ مؤلف یا استاد مشهور که کتاب را نزد او خوانده‌اند با یاد کردن تاریخ آنها و نکات تاریخی که در این اجازه‌ها و سماعها هست. همچنین کسانی که کتاب را در این نسخه خوانده‌اند یا از روی آن نسخه برداشته‌اند که باید در فهرست به‌طور مشروح یاد شود.

۱۰. مقابله و عراض نسخه با نسخه‌های دیگر یا نسخه مؤلف که در بسیاری از نسخ مورخ است و نشان داده می‌شود که نسخه از کی و چگونه تهیه شده است.

۱۱. تملک و خرید و فروش و بخشیدن و وقف نسخه با تاریخ آن اگر داشته باشد و وصف مهرها و سجل آنها؛ و از اینجا دانسته می‌شود که نسخه از کجا تهیه شده و به کجاها سفر کرده است و برای چه مدرسه یا مزار یا کسانی وقف یا اختصاص داده شده است. گاهی هم مخارج تهیه نسخه به سیاق یا به رقم و وصف نسخه از رهگذر کتابداری و نسخه‌شناسی با نشان دادن اصطلاحات کتابداری زمان از این گونه یادداشتها به دست می‌آید یا معین می‌شود که در چه تاریخ‌هایی نسخه دیده شده و در کتابخانه‌ای که بوده است بازرسی شده است.

۱۲. نوع کاغذ از سمرقندی و بخارایی و بغدادی و استانبولی و اصفهانی و فرنگی و همچنین آهن و چوب و پوست آهو و وصف کاغذ از ترمه و فستقی و آهار مهره و متن و حاشیه و جز اینها که در این مورد فهرست‌نگار باید از کاغذشناس بپرسد اگر خود نداند.

۱۳. نوع جلد از ساغری و تیماج و میشن و روغنی و سربی و سوخته و رنگها و آرایشها و نوشته‌های آن و بودن آن بالولا و پوشه و محفظه و شیرازه و جز اینها.

۱۴. اندازه نسخه با تعیین عرض و طول نوشته درونی درازا و پهنا و ستبرای بیرونی و شماره سطور و آیات و کلمات در هر سطری درباره کتابها و رساله‌های مهم.

همچنین اندازه مشهور از رحلی و وزیری و خشتی و رقعی و ربع و ثمن و بغلی و جیبی و طومار و بیاضی.

۱۵. شماره نسخه در کتابخانه که نشان‌دهنده جایگاه کتاب در گنجینه است. ولی باید کوشید که

شماره کتاب ساده‌تر باشد و در کتابخانه به آن یک شماره بیشتر ندهند تا نسخه کمتر آلودگی پیدا کند.

#### وظایف فهرست‌نگار

۱. نسخه را به دقت بخواند و بررسی کند.

۲. به مدارک تاریخی بنگرد.

۳. به فهرست دیگران رجوع کند تا ببیند چه گفته‌اند تا خود در اشتباه نیفتد و اشتباه آنها را رفع کند.

۴. به مقالاتی که درباره یک یا چند کتاب نوشته‌اند باید نگریست و دانست که دیگران درباره آن چه گفته‌اند و این خود راهنمای خوبی است و رنج فهرست‌نگار را کم می‌کند. در این مورد باید فهرست مقالات فارسی آقای ایرج افشار و ایندکس اسلامی‌کوس همیشه پیش چشم فهرست‌نگار باشد.

#### مجموعه‌ها و جنگها و سفینه‌ها و بیاضها و کتکسولها

در این موارد باید محتویات آنها را به دقت نگریست و همه آنها را در فهرست به تفصیل یاد کرد. در مجموعه‌ها باید هر یک از رساله‌های آنها را جداگانه از دو رهگذر کتابشناسی و نسخه‌شناسی بررسی کرد، خواه یکجا و با آوردن نام هر یک از رساله‌ها دوباره به ترتیب تهجی در جای خود یا تجزیه کردن رساله‌های مجموعه و درآوردن هر یک در جای خود. ولی روش نخستین بهتر است و مجموعه را به‌طور کامل در یکجا نشان می‌دهد.

#### کتابهای گمنام و بی‌نام و با افتادگی و ناقص

در این موارد پس از نگاه به خود نسخه و بیرون کشیدن قرآینی که در آن هست موجب تشخیص آن می‌گردد، به‌خصوص فصول و ابوابی که در نسخه هست، باید گمانه زد و به فهرستها و مقالات رجوع کرد تا شاید مشابه یا عین آن را کامل یا ناقص یافت. اگر هم این سنجش و بررسی به جایی نرسید باید آن را به‌طور کامل وصف کرد تا اگر فهرست‌نگار دیگری نسخه کامل دیگری از آن پیدا کرد بتواند دریابد که این دو یکی هستند.

در اینجا به مثل گفته می‌شود که در فهرست بادلیان از یک رساله منثور کیمیایی و یک رساله منظوم آن هم کیمیایی و در فهرست تاشکند از

رساله‌ای در زراعت و در فهرست منچستر از رساله‌های فارابی و در فهرست بهار هند از رساله‌هایی در منطق یاد شده است. ولی با پیدا شدن نسخه‌های تجارب شهریاری و کنزالحکمة کوفی و ارشاد الزراعة و تلخیص منطق ارسطو از ابن رشد و اغراض ارسطاطالیس المنطقیه از ابن زرعه در ایران و سنجیدن مشخصات آنها با آنچه که نگارندگان این فهرست نوشته‌اند به دست آمده که در کتابخانه‌های مربوط به این فهرستها یا جای دیگر هم نسخی از این رساله‌ها هست و پاره‌ای از اشتباهها هم رفع شده است. تقسیم‌بندی کتاب در این مورد بهترین راهنما خواهد بود.

#### فهرست مشترک

در دانشگاه تهران با همکاری بنیاد فرهنگ ایران در نظر گرفته شد که خلاصه همه فهرستهای کتاب فارسی در یک کتاب به نگارش درآید تا بدانیم از هر کتاب چند نسخه هست و در کجاست و با چه تاریخ؛ چنانکه بروکلن و سرگین برای کتابهای عربی این کار را کرده‌اند و استوری هم برای چندبخشی از علوم درباره کتابهای فارسی چنین فهرستی نوشته است. اکنون دانشمندان انگلیسی می‌خواهند آن را کامل کنند و دانشمندان روس می‌خواهند آن را به نحو کاملتری به روسی برگردانند. چنین فهرستی هم برای کتاب‌های ترکی در جریان است.

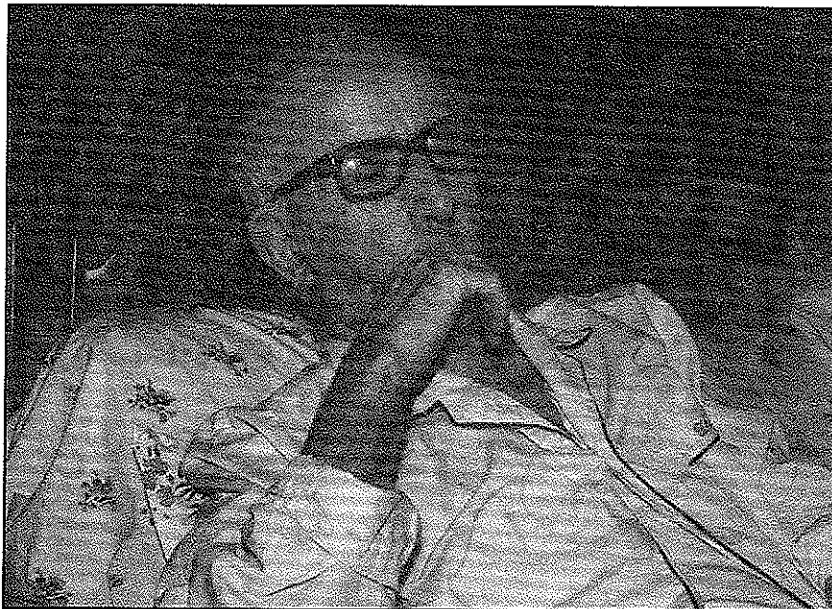
فهرستی مشترک به زبان فارسی برای نسخ ایرانی فارسی توسط احمد منزوی و با همکاری مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای زیر چاپ است و مجلد نخستین آن نشر شده است و دنباله آن هم ادامه دارد. امید است که فهرست نسخه‌های فارسی اروپایی هم هر چه زودتر سرو صورتی به خود گیرد. برای نسخ ایرانی کتابهای عربی نیز یکی از فهرست‌نگاران ایرانی (دکتر محمد باقر حجتی) فهرست مشترک می‌نویسد.

این بود آنچه که به منزله شالوده و طرح برای این مبحث مهم در اینجا آورده‌ام و می‌دانم که نقص فراوان در آن هست. امیدوارم که فهرست‌نگاران و کتابشناسان آن را بخوانند و به نکات دیگری برخوردند و افادات خویش را به اطلاع خواستاران برسانند.

# فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه تهران و نشریه نسخه‌های خطی از آثار ماندگار استاد محمدتقی دانش‌پژوه است

○ فریبا افکاری

کارشناس ارشد نسخ خطی و کتابداری کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران



گنجینه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، یکی از بزرگترین و مهمترین مجموعه‌های نسخ خطی در کشور است که بیش از ۱۵ هزار جلد کتاب خطی را دربرمی‌گیرد. مجموعه اهدایی سیدمحمد مشکوة، استاد دانشگاه تهران، شامل ۱۳۲۰ جلد کتاب خطی، در سال ۱۳۲۹، هسته اصلی کتابخانه مرکزی و بخش خطی آن را تشکیل داد. سیدمحمد مشکوة مجموعه بسیار نفیس خود را که با همت خود و پدرش نزدیک به سی سال گردآوری شده بود به دانشگاه تهران اهدا کرد و از آن پس، دانشگاه تهران بودجه‌ای برای خرید کتابهای خطی اختصاص داد که به تدریج بر مبلغ آن افزوده شد. به این ترتیب، چندین مجموعه ارزشمند خطی نیز از مجموعه‌های شخصی برای کتابخانه خریداری شد و علاوه بر آن مجموعه‌های خطی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، الهیات و معارف اسلامی، حقوق و علوم سیاسی و مجموعه‌های وقفی دیگر نیز به کتابخانه مرکزی افزوده گردید. استاد محمدتقی دانش‌پژوه، نیز «از همان زمان که دانشگاه تهران با قبول نسخ خطی اهدایی استاد محمد مشکوة بنیادگرفته، مسئولیت تنظیم کتابخانه و تهیه فهرست و خرید نسخ خطی را عهده‌دار گردید و مخصوصاً در معرفی نسخه‌های خطی قابل خریداری و مشارکت در گروه ارزشیابی و تعیین نسخه‌هایی که باید از مجموعه‌های دیگر عکسبرداری شود اهتمام مخصوص و غیرقابل توصیفی مبذول داشتند.»

بدین ترتیب، فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی مجموعه مشکوة آغاز گردید و آقای علی‌نقی منزوی به تدوین جلد اول و دوم فهرست همت گمارد و استاد محمدتقی دانش‌پژوه از آن پس فهرست‌نویسی مجلدات سوم تا هجدهم دانشگاه

تهران را یک تنه به انجام رسانید.

روش کار ایشان در فهرست‌نویسی مجموعه مرحوم سیدمحمد مشکوة، «روش موضوعی» است و شماره نسخ مبنای کار قرار نگرفته است. براین اساس، هر جلد به موضوعاتی مشخص اختصاص یافته و اطلاعات نسخ در دو بخش کتابشناسی (معرفی نگارنده کتاب و بحث درباره موضوع و تاریخچه آن و مؤلف نسخه) و نسخه‌شناسی (معرفی خصوصیات نسخه و ویژگیهای ظاهری آن) مدون گردیده است. در مجلدات ۱-۷، ابتدا اطلاعات کتابشناسی و سپس اطلاعات نسخه‌شناسی و شماره نسخه آمده است. نسخه‌ها و رسالات، نسبتاً مفصل و جامع معرفی شده و گاه معرفی و توضیحات یک کتاب و مؤلف چندین صفحه است.

مجلدات ۱-۷، سه جلد در هفت مجلد است و جلد سوم خود دارای ۵ بخش است که هر جلد مفصلاً معرفی خواهد گردید. این مجلدات مربوط به کتابهای اهدایی سیدمحمد مشکوة است و آقای محمد شیروانی، فهرستواره‌ای برای آن تنظیم کردند که شامل فهرستی از اسامی نام کتاب‌ها، مؤلفان و نسخ خطی به ترتیب شماره ۷ جلد است این فهرستواره که در سال ۱۳۵۵ به چاپ رسیده، برای استفاده محققان بسیار سودمند است فهرست نام کتابها و مؤلفان نیز در پایان مجلدات ۴، ۶ و ۷ موجود است.

اما مجلدات ۸ به بعد، دارای روشی متفاوت است. بدین معنا که نسخه‌های خطی براساس شماره نسخه در قفسه، فهرست گردیده‌اند و نه موضوع آنها. استاد خود در باب این تغییر روش

چنین می‌گوید: «در این مجلدات کنونی و آینده چون نسخ رو به فزونی است. با مشاوره با کتابشناسان صلاح در آن دیده شده است که روش شماره‌ای پیش گرفته شود و برای هر چند جلدی فهرست نامها تنظیم گردد.»<sup>۱</sup>

در این مجلدات از فهرست که برحسب شماره است، نخست اطلاعات نسخه‌شناسی و شماره نسخه و مشخصات ظاهری نسخه درج شده است و سپس اطلاعات کتابشناسی درپی می‌آید. برعکس مجلدات پیشین که ابتدا اطلاعات کتابشناسی و سپس نسخه‌شناسی آورده شده بود.

استاد دانش‌پژوه رسالات متعدد یک مجموعه را تفکیک و به خوبی شناسایی کرده‌اند. هر رساله تحت عنوان شماره اصلی، خود با یک رقم اعشار جدا می‌گردد و مانند یک کتاب دارای آغاز و انجام و شماره صفحه است. چنگها و منشآت نیز به دقت معرفی و محتویات آنها معضلاً با ذکر جزئیات بیان

همانند این نسخه در کتابخانه دیده شد تا یقین گردد که کتاب چیست.»

ماخذ اصلی که مرحوم دانش‌پژوه از آنها بهره جسته است شامل سه دسته از فهراس عمومی مانند کشف‌الظنون، کشف‌الحجب، الذریعه، فهرست ابن‌ندیم، فهرست طوس و... و دیگر فهرستهای عمومی اروپایی مانند فهرست استوری، بروکلان و... و سوم فهرستهای خصوصی کتابخانه‌های جهان است که با دقت و پشتکار فراوان از آنها نقل کرده و در دیباچه برخی مجلدات فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه به معرفی و توصیف آنها پرداخته است.

درباره بیان اطلاعات نسخه‌شناسی کتابها، بر آنچه مالکان پیشین در پشت نسخه‌ها نوشته‌اند اکتفا نکرده است؛ بلکه یادداشتهای مالکان را مطالعه کرده و با بررسیهای خود آنها را سنجیده و در صورت صحت به نقل آنها پرداخته است.



مجلدات ارائه داده است خود درس روش تحقیق و اصول کتابشناسی و نسخه‌شناسی برای اسفادت کنندگان از فهرست و محققان نسخ خطی است.

در اینجا برای آشنایی هرچه بیشتر علاقه‌مندان نسخ خطی، اطلاعات هر مجلد از فهرستهای نسخ خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران به تفصیل ذکر می‌گردد. باشد که مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

(۱) فهرست کتابخانه اهدایی آقای سیدمحمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران. علی‌نقی منزوی. دانشگاه تهران: ۱۳۳۰ (کتاب راجع به قرآن و دعا).

این جلد شامل ۲۷۵ صفحه است که در آن ۱۵۶ نسخه خطی معرفی شده است و ۱۸۵ رساله را دربرمی‌گیرد. موضوع آن درباره قرآن، تجوید، تفسیرهای فارسی و عربی و کتابهای ادعیه و زیارات و استخاره است. مقدمه این جلد را سیدمحمد مشکوة، مالک نسخ خطی، نگاشته و در آن به چگونگی اهدا و انتقال کتابخانه خود پرداخته است. در پایان کتاب نیز فهرستی از نام کتابها و اسامی مؤلفان با نظم الفبایی تهیه شده است.

(۲) فهرست کتابخانه اهدایی آقای سیدمحمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران. علی‌نقی منزوی جلد دوم. دانشگاه تهران: ۱۳۳۰ (کتاب ادبی). جلد دوم در ۸۶۰ صفحه تنظیم شده است که در آن ۹۷ نسخه از متون ادبی به فارسی و عربی شامل ۱۱۰ رساله، ۶۹ نسخه از علوم ادبی فارسی و عربی در ۷۴ رساله، ۷۳ نسخه تاریخ و رجال و فهرست کتابها در ۷۸ رساله، ۱۷ نسخه از کتابهای مختلف شامل ۲۲ رساله شناسانده شده است.

در آغاز جلد دوم، چگونگی تحویل کتابخانه سیدمحمدمشکوة به دانشگاه تهران به همراه متن کامل سخنرانی ریاست وقت دانشگاه تهران، آقای دکتر سیاسی و نیز متن کامل سخنرانی دکتر مشکوة به چاپ رسیده است.

(۳) فهرست کتابخانه اهدایی آقای سیدمحمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران. محمدتقی دانش‌پژوه، جلد سوم، بخش یکم. دانشگاه تهران: ۱۳۳۲ (کتابهای فلسفی، عرفانی، کلامی).

جلد سوم، بخش نخستین در ۶۹۰ صفحه است که در آن ۴۴ نسخه منطبق در ۵۰ رساله، ۳۶۵ نسخه فلسفه طبیعی و الهی در ۴۶۹ رساله، ۱۷۵ نسخه عرفان در ۱۹۸ رساله، ۱۲۵ نسخه کلام در ۱۳۹ رساله و ۵۶ نسخه فلسفه عملی در ۶۴ رساله شناسانده شده است.

در آغاز این مجلد، استاد دانش‌پژوه، دیباچه‌ای

جلد پانزدهم، درواقع، فهرستواره مجلدات ۸-۱۴ و جلد هجدهم فهرستواره مجلدات ۱۵-۱۷ را شامل می‌شود. توضیحات کتابشناسی در مجلدات ۱۵-۱۷ مختصرتر و موجزتر است و درباره کتابهای شناخته شده و معروف، فقط به ذکر نام کتاب و مؤلف اکتفا گردیده است. اما روش به کار رفته همان روشی است که در مجلدات قبل نیز استفاده شده است. استاد دانش‌پژوه، برای آشنایی هرچه بیشتر علاقه‌مندان و محققان نسخ خطی، در هر جلد، برای نمونه کلیشه و عکسهایی از خطوط و امضای علما و دانشمندان، صفحات آغاز و انجام و میانه کتابها، نمونه‌ای از یادداشتهای و حواشی نسخه را چاپ کرده است که بسیار جالب و مفید است. علاوه بر آن، توضیحات و نکاتی که استاد درباب معرفی فهراس، کتابشناسی یا برخی نسخ خطی در دیباچه برخی

شده است. تلاش استاد بر آن بوده است تا اگر در جایی نسخه‌های شناسانده یا کاملاً معرفی شده است در توصیف نمونه‌های دیگری از آن نسخه، مدرک آن یاد شود و شرح و توصیف کتاب و مؤلف جهت جلوگیری از تکرار و اطاله کلام بازگو نگردد.

فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه تهران نیز مانند دیگر فهرستهای مهم، به روش علمی کتابشناسی تنظیم شده و توصیفی و مستدل است. تدوین اطلاعات نسخه‌شناسی آن همان‌گونه است که استاد دانش‌پژوه می‌گوید: «برای نسخه‌شناسی، دست‌کم دوبار خود نسخه دیده شده و طبق اصول فنی وصف شده است. برای کتابشناسی، کوشش شده که اگر در ماخذ دیگری نام کتاب یاد شده باشد آن ماخذ نام برده شده بلکه در برخی از موارد به کتابخانه‌های تهران سری زده شد و نسخه‌های

جامع و مفصل در ۲۹ صفحه درباره فهرست‌نگاری سخن گفته است که بسیار مفید و قابل استفاده است. وی ضمن بررسی ریشه‌شناسی «فهرست» به سرگذشت کاغذ و اندازه‌های آن، قطع و اندازه کتاب و انواع آن، رنگها و آرایش در کاغذ، مرکب رده‌بندی و شماره‌گذاری کتاب، چیدن کتابها در روزگار پیشین، کتابهای گنجینه‌ای، تاریخ فهرست‌نگاری و نمونه‌هایی از دقت دانشمندان درباره استناد به کتابها و معرفی کوتاهی از فهرست عمومی و فهرست کتابخانه‌های ایران (معرفی ۱۰ کتابخانه) پرداخته است.

۴) فهرست کتابخانه اهدایی آقای سیدمحمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران. محمدتقی دانش‌پژوه، جلد سوم، بخش دوم (مجلد چهارم) دانشگاه تهران: ۱۳۳۲ (کتابهای تاریخ، فلسفه، پزشکی، ریاضی و هنرهای شگفت‌انگیز و افزارهای علمی).

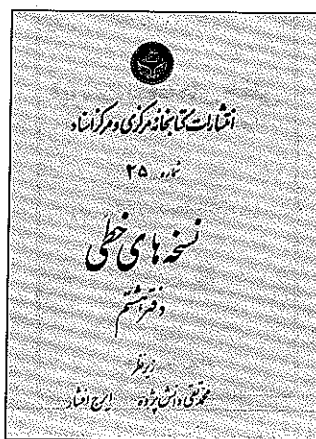
بخش دوم در ۴۴۰ صفحه است که در آن ۱۷ نسخه تاریخ فلسفه در ۱۸ رساله و ۸۲ نسخه پزشکی در ۹۰ رساله، ۱۲۶ نسخه ریاضی در ۱۳۳ رساله، ۱۱۹ نسخه هنرهای شگفت‌انگیز یا علوم غریبه در ۱۱۹ رساله و هفت شماره از افزارهای علمی شناسانده شده است. استاد دانش‌پژوه در دیباچه این جلد نیز در ادامه مبحث فهرست‌نگاری، به معرفی فهرستهای جابربن حیان، رازی، فهرست کتابخانه دولتی تبریز و نیز فهرستهای دیگری که وی در نگارش فهرست دانشگاه تهران از آنها بهره برده است می‌پردازد.

در پایان این جلد نیز فهرستی الفبایی از نام کتابها و رسالات و نیز نام مؤلفان با ذکر شماره صفحات آورده شده و پس از آن، فهرستی از نسخه‌های خطی براساس شماره و نام کتاب که دربرگیرنده دو بخش اول و دوم جلد سوم است برای مراجعه آسانتر محققان فراهم گردیده است. بخش بعدی این مجلد، «بازبینی سخن درباره پاره‌ای از کتابها و نسخه‌ها که در دو بخش این دفتر شناسایی شده است» عنوان دارد و توضیحات و ارجاعات مفیدی با ذکر شماره صفحه و سطر بیان شده است. غلط‌نامه این جلد نیز در پی این مبحث دیده می‌شود و مجلد چهارم با «خاتمه الطبع جلد سوم» که به قلم سیدمحمد مشکوة است و توضیحاتی درباره چاپ فهرستهای منتشر شده دانشگاه تهران است پایان می‌گیرد. وی در بخشی از این توضیحات می‌نویسد: «مقرر شد که فهرست این کتابخانه زیرنظر مستقیم این ضعیف بزودی تألیف و طبع و نشر شود. برای این کار دو نفر از شاگردان سابق حقیر که اکنون از دوستان فاضلم به شمار می‌آیند یعنی آقای محمدتقی دانش‌پژوه و آقای علی‌تقی منزوی را برگزیدم».

۵) فهرست کتابخانه اهدایی آقای سیدمحمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران. محمدتقی دانش‌پژوه، جلد سوم، بخش سوم (مجلد پنجم). دانشگاه تهران: ۱۳۳۵ (کتابهای اخبار و اصول و فقه).

در آغاز این مجلد مقدمه‌ای به قلم محمد مشکوة (پسر) وجود دارد که در آن به اهمیت و چگونگی اهدای کتابخانه پدر خود به دانشگاه تهران می‌پردازد. این دفتر، بخش سوم از جلد سوم و شامل سه گفتار است:

گفتار یازدهم شامل ۲۲۳ نسخه در موضوع اخبار و احادیث در ۲۹۲ رساله است. گفتار دوازدهم شامل ۸۰ نسخه در موضوع اصول فقه در ۸۵ رساله است. گفتار سیزدهم شامل ۱۹۷ نسخه در موضوع فقه در ۲۵۰ رساله است. این سه گفتار روی هم ۵۰۰۰ نسخه و ۶۲۷ رساله را شامل می‌شود. در دیباچه این جلد نیز همچون مجلدات قبل، استاد دانش‌پژوه درباره کتابشناسی و فهرست‌نگاری، به‌ویژه در موضوع استناد کتاب به نگارنده توضیحاتی ارائه می‌دهد.



۶) فهرست کتابخانه اهدایی آقای سیدمحمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران. محمدتقی دانش‌پژوه، جلد سوم، بخش چهارم (مجلد ششم). دانشگاه تهران: ۱۳۳۵. این دفتر، بخش چهارم از جلد سوم است. این بخش گفتار چهاردهم و پانزدهم را دربرمی‌گیرد و دنباله سه بخش پیش است و در آن کتابهای گوناگون دیگری که از قلم افتاده یا آقای سیدمحمد مشکوة، پس از این برای کتابخانه فراهم ساخته‌اند معرفی گردیده است. گفتار چهاردهم این جلد شامل ۳۱۲ نسخه خطی است که ۳۳۳ رساله را دربرمی‌گیرد. در گفتار پانزدهم نیز از ۷۴ نامه و رساله که از ابن سینا دانسته شده یاد شده است. از صفحه ۲۴۶۱ تا ۲۵۵۹ نیز کلیشه‌هایی از چند نسخه ارزنده این مجموعه معرفی گردیده است. در بخش

یادداشتها که از صفحه ۲۵۶۰ تا ۲۶۰۰ را شامل می‌شود، یادداشتها و توضیحات با ارزش استاد دانش‌پژوه درباره بعضی از نسخ و مؤلفان آنها وجود دارد که نشان‌دهنده تحقیق و تدقیق ایشان در کتاب‌شناسی‌های اسلامی و فهرس نسخ خطی است. در بخش دیگری از کتاب، فهرست نام کتابها، مؤلفان و نسخ خطی به ترتیب شماره، به قلم استاد دانش‌پژوه تهیه شده است تا مورد استفاده بیشتر محققان قرار گیرد و پس از آن، فهرست کاملی از نام کتابها، مؤلفان، دانشمندان، جایها و کسانی که در چهار بخش این مجلد از آنها یاد شده است به قلم آقای علی‌تقی منزوی گردآوری شده است.

۷) فهرست کتابخانه اهدایی آقای سیدمحمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران. محمدتقی دانش‌پژوه، جلد سوم، بخش پنجم، دومین ذیل (مجلد هفتم). دانشگاه تهران: ۱۳۳۸. این دفتر، بخش پنجم از جلد سوم و مجلد هفتم کتابهای مجموعه‌های سیدمحمد مشکوة است. این جلد گفتار شانزدهم را شامل می‌شود و دنباله چهار بخش پیش است و در آن از کتابهای دیگری که مرحوم محمد مشکوة، پس از آن به کتابخانه بخشیده است و تعدادی از نسخی که از قلم افتاده بود سخن رفته است. در این گفتار ۱۶۰ نسخه خطی شامل ۱۶۳ رساله در موضوعات مختلف معرفی و فهرست شده است.

استاد دانش‌پژوه، همچون مجلدات قبل، در دیباچه این جلد نیز درباره فهرست‌نویسی و کتابشناسی، به‌ویژه یاد کردن آغاز و انجام نسخ خطی جهت شناساندن کتاب سخن گفته است و مثالهایی از فهرس علمای پیشین، برای نمونه ذکر کرده که در نوع خود مفید و قابل استفاده است. در پایان این بخش، فهرست نام کتابها، مؤلفان و نسخ خطی به ترتیب شماره و همچنین نمایه‌ای موضوعی از مجلد هفتم با نظم الفبایی تهیه شده است.

۸) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. محمدتقی دانش‌پژوه، جلد هشتم، دانشگاه تهران: ۱۳۳۹.

استاد دانش‌پژوه در دیباچه جلد هشتم به معرفی کتابخانه مرکزی و موجودی آن پرداخته است و چگونگی تحصیل نسخ را از دو طریق اهدا و خریداری امکان‌پذیر می‌داند و سپس به نسخ خریداری دانشگاه تهران از آقای فخرالدین نصیری امینی با ۵۵۰ نسخه می‌پردازد. این نسخ از شماره ۱۷۶۳ تا ۲۳۱۲ فهرست را شامل می‌شود و در تاریخ ۱۳۳۶/۶/۲۷ خریداری گردیده است. مجموعه دیگری که بدان اشاره شده است، نسخ خطی آقای حسین‌علی باستانی راد است که

بالغ بر ۲۴۵۹ جلد است و از شماره ۲۳۸۷ تا ۴۸۴۵ را شامل می‌شود و بیشتر شامل متون نظم و نثر فارسی است و در تاریخ ۱۳۳۷/۱۰/۸ خریداری شده است. مجلد هشتم فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه تهران به بعد از این پس بر اساس شماره نسخه تنظیم شده و این جلد شامل شماره ۱۳۲۱ تا ۲۱۲۰ است و از صفحه ۱-۷۶۰ را دربرمی‌گیرد.

۹) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، جلد نهم، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰. شامل نسخ خطی شماره ۲۱۲۱ تا ۲۶۲۹ است و از صفحه ۷۶۱ تا ۱۵۰۴ را دربرمی‌گیرد.

۱۰) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، جلد دهم، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰. شامل نسخ خطی شماره ۲۶۳۰ تا ۳۰۶۲ است و از صفحه ۱۵۰۵ تا ۲۰۰۰ را دربرمی‌گیرد.

۱۱) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، جلد یازدهم، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰. شامل نسخ خطی شماره ۳۰۶۳ تا ۳۴۹۶ است و از صفحه ۲۰۰۱ تا ۲۵۰۴ را دربرمی‌گیرد.

۱۲) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، جلد دوازدهم، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰. شامل نسخ خطی شماره ۳۴۹۷ تا ۴۰۱۳ است و از صفحه ۲۵۰۵ تا ۳۰۰۸ را دربرمی‌گیرد.

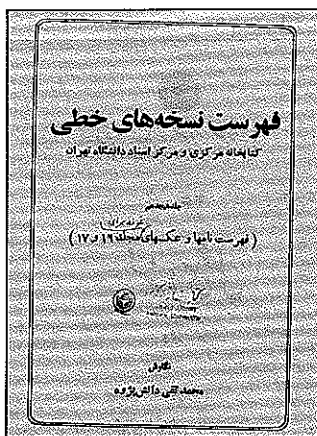
۱۳) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، جلد سیزدهم، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰. شامل نسخ خطی شماره ۴۰۱۴ تا ۴۵۷۹ است و از صفحه ۳۰۰۹ تا ۳۵۱۲ را دربرمی‌گیرد.

۱۴) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، جلد چهاردهم، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰. شامل نسخ خطی شماره ۴۵۸۰ تا ۴۹۴۴ است و از صفحه ۳۵۱۳ تا ۴۰۶۴ را دربرمی‌گیرد.

۱۵) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، جلد پانزدهم، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵. شامل نسخ خطی ۴۹۴۵ تا ۵۴۰۰ است و از صفحه ۴۰۶۵ تا ۴۲۴۴ را دربرمی‌گیرد. بخشی از این مجلد (۲۸۰ صفحه) به فهرست نام کتابها و مؤلفان نسخه‌های وصف شده در مجلد ۸ تا ۱۵ اختصاص یافته است که در این فهرست در میان نسخه‌های خریداری شده چندجلدی از مجموعه آقای سیدمحمد مشکوة وجود دارد.

۱۶) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، جلد شانزدهم، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷. شامل نسخ خطی شماره ۵۴۰۱ تا ۸۰۰۰ است و از صفحه ۱-۷۶۸ را دربرمی‌گیرد. این جلد به دلیل گرفتاریهای چاپخانه به تعویق افتاد و نزدیک به ده سال چاپ آن به طول انجامید.

در دیباچه این جلد فهرستی از نام اهداکنندگان نسخه‌های خطی به مجموعه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، جلد شانزدهم، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷. شامل نسخ خطی شماره ۵۴۰۱ تا ۸۰۰۰ است و از صفحه ۱-۷۶۸ را دربرمی‌گیرد. این جلد به دلیل گرفتاریهای چاپخانه به تعویق افتاد و نزدیک به ده سال چاپ آن به طول انجامید.



نسخه‌های خطی به مجموعه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران با ذکر تعداد و شماره نسخه‌ها در فهرست و سال اهدا وجود دارد که بالغ بر سی نفر هستند از آن میان، سیدمحمد مشکوة، با ۱۳۲۹ جلد شهرداری گرگان (به وسیله فاضل فقید مسیح ذبیحی) با ۲۲۱ جلد، الیس، مستشرق انگلیسی که وزارت آموزش و پرورش کتابهای وی را که آقای تقی‌زاده خریده و به ایران فرستاده بود و در انبار مانده بود به دانشگاه تهران داد با ۱۱۳ جلد، بیشترین تعداد نسخ خطی را به دانشگاه تهران اهدا کرده‌اند، پس از آن، مشخصات مجموعه‌های مهم خریداری شده که بالغ بر ۱۶ مجموعه است ذکر گردیده که از آن جمله می‌توان به مجموعه نصیری امین، باستانی‌راه، سعید نفیسی، فروزانفر، خاندان علوی یزدی و... اشاره کرد.

۱۷) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، جلد هفدهم، دانشگاه تهران، ۱۳۶۲. شامل نسخ خطی شماره ۸۰۰۱ تا ۱۰۰۵۰ است.

در دیباچه این مجلد استاد دانش‌پژوه ضمن خشنودی از به پایان رسانیدن معرفی و فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، یادداشتهای چندی درباره برخی از نسخه‌های خطی جلدهای ۱۶ و ۱۷ نگاشته است که توضیحاتی درباره ارجاعات لازم یا مأخذ مربوط به این نسخ است.

۱۸) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، جلد هجدهم، دانشگاه تهران. این مجلد در واقع فهرستی است از نام کتابها و مؤلفان و عکسهای نمونه برای مجلدات ۱۶ و ۱۷. این فهرست شامل فهرست نام نگارندگان و نام کتابها (با نظم الفبایی) و ذکر شماره نسخه خطی و کلیشه تعدادی عکس از چند نسخه خطی است که از صفحات آغاز، انجام، میانه یا صفحه عنوان آنها تهیه شده است و برای نمونه ۶۵۲ صفحه عکس از ۲۲۲ نسخه خطی تهیه شده است.

#### معرفی فهرست میکروفیلم‌ها:

۱) فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، جلد اول، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.

مجموعه میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، بالغ بر ۸۰۰۰ حلقه تهیه شده از کتابخانه‌های ایران و جهان، یکی از غنی‌ترین مجموعه‌های با ارزش دانشگاه تهران محسوب می‌شود.

این مجموعه میکروفیلم‌ها شامل نسخه‌های خطی، فرمانها و قباله‌ها و مکاتیب تاریخی، عکسهای قدیمی از رجال و مناظر ایران، کتب چاپی نادر، جراید و مجلات قدیمی است. بخش مهمی از این میکروفیلم‌ها مربوط به کتابخانه‌های انگلستان، فرانسه، ترکیه است که به گفته استاد افشار بسیاری از آنها به تشخیص و همت و مراقبت علمی دکتر مجتبی مینوی تهیه شده است.

استاد محمدتقی دانش‌پژوه از دو راه در توسعه این مجموعه کوشیده است: اول انتخاب از فهرس منتشر شده کتابخانه‌های اروپایی و دوم تجسس و سنجش در کتابخانه‌های شهرهای مختلف ایران مانند مشهد، اصفهان، یزد، همدان و رشت و... بخش دیگر این میکروفیلم‌ها از کتب خطی



مجموعه‌های خصوصی تهیه شده است مانند کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، مجتبی مینوی، سیدعلی محمد وزیری، خسعلی غفاری (معاون‌الدوله)، اصغر مهدوی، محمود فرخ، تقی مشیری یزدی، دکتر حشمت مؤیدی، حاج‌باقر ترقی (رقت) و دیگران. در نهایت، بخش دیگری از این مجموعه با ارزش، با همکاری رایزنیهای فرهنگی ایران از کشورهای هندوستان، پاکستان، روسیه و... تهیه شده است.

فهرست جلد اول میکروفیلم‌ها، مشتمل بر معرفی دو هزار و اندی مجلد کتاب است که براساس نام کتاب به ترتیب حروف تهجی منظم شده است. پس از نام کتاب، نام مؤلف ذکر گردیده و توضیحات مختصری درباره کتاب و نیز مجلدات و فصول و ابواب و موضوع آن درجی می‌آید. چنانچه از یک کتاب چندین میکروفیلم وجود داشته باشد براساس شماره میکروفیلم از کوچک به بزرگ تنظیم شده است. ماخذ و کتابشناسی‌های مفیدی نیز جهت استفاده بیشتر محققان آورده شده است مانند فهرس کتابخانه‌های داخل و خارج، بادلیان، استوری، ریو، بروکلان، نشریه نسخ خطی، فهرست مشهد مجلس و... و چنانچه نسخه تصحیح یا چاپ شده باشد ذکری از مشخصات چاپی آن نیز آمده است.

پس از اطلاعات کتابشناسی، توصیفات نسخه‌شناسی میکروفیلم‌ها ذکر می‌گردد که شامل شماره میکروفیلم (ها)، نام کتابخانه‌ای که نسخه در آن نگهداری می‌شود، شماره نسخه در آن کتابخانه، نوع خط، نام کتاب و تاریخ کتابت، تعداد برگها و تعداد سطور است.

بخش دوم جلد اول، شامل جنگها و مجموعه‌هاست. در این بخش، تعداد ۵۸۵ جنگ و مجموعه که هر یک دارای رسالات متعددی است مورد شناسایی و معرفی مفصل قرار گرفته است. بدین ترتیب رسالات مختلف هر مجموعه با ذکر شماره صفحه، عنوان و موضوع تفکیک گردیده و مشخصات نسخه‌شناسی هر یک در صورت تفاوت بیان شده است.

در بخش پایانی این جلد، فهرست نام کتابها و مؤلفان، با ارجاع شماره صفحه آمده است تا محقق بتواند با یافتن شماره مورد نظر نام کتاب یا رساله را پیدا کند و شماره میکروفیلم مورد نظر را در ذیل آن نیابد. این مجلد به مناسبت برگزاری مراسمی علمی و تحقیقاتی، از ۱۱ تا ۱۶ آبان ۱۳۴۸ در دانشگاه تهران، درباره احوال و آثار رشیدالدین فضل‌الله همدانی، منتشر گردیده است.

۲) فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، جلد دوم، دانشگاه تهران: ۱۳۵۳.

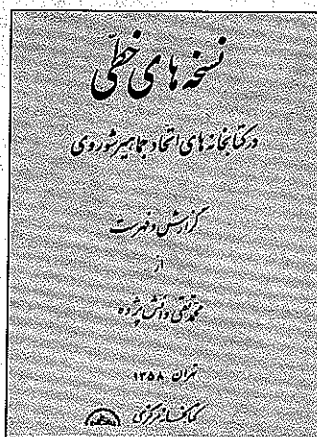
این جلد از فهرست میکروفیلم‌ها حاوی مشخصات آن تعداد از میکروفیلم‌های شماره ۳۰۰۱-۴۰۰۰ است.

بخش نخستین این جلد شامل آن تعداد از میکروفیلم‌هایی است که در جلد اول فهرست قید نشده است و شامل ۱۲۷ حلقه است (افتادگیهای جلد اول). بخش دوم، توصیف میکروفیلم‌های شماره ۳۰۰۰ به بعد است. در این میان برخی شماره‌ها شامل میکروفیلم‌های مجلات علمی است که عموماً از دانشگاه توکیو ژاپن تهیه شده است و به زبان‌های خارجی است؛ مثلاً شماره‌های ۳۹۰۱-۳۹۱۲ و برخی دیگر. فهرست‌نویسی میکروفیلم‌های آثار اروپایی را آقای پات مارتینز، مشاور کتابخانه مرکزی در آن زمان به عهده داشته است.

در بخش پایانی، فهرستی از نام کتابها و مؤلفان به فارسی و لاتین جهت استفاده بیشتر محققان تهیه شده است.

این مجلد به مناسبت چهل‌مین سال تأسیس دانشگاه تهران به چاپ رسیده است.

۳) فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی



دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، جلد سوم، دانشگاه تهران: ۱۳۴۳.

این مجلد شامل دو بخش است: بخش اول درباره میکروفیلم‌های شماره ۴۰۰۱-۶۲۲۵ است که از نسخه‌های خطی چندین کتابخانه تهیه شده است یا متعلق به روزنامه‌ها و مجلات است و بخش دیگر عکسها است که به ترتیب شماره از کوچک به بزرگ منظم گردیده است. سپس از صفحه ۲۸۰-۲۸۶ یادداشتهایی درباره برخی نسخه‌ها نوشته شده است. میکروفیلم‌های مربوط به روزنامه‌ها و مجلات شامل ۲۵۷ عنوان است که از قدیمی‌ترین نشریات (دوره مشروطیت) تا دوره معاصر را دربرمی‌گیرد و اطلاعاتی شامل نام روزنامه، نام صاحب امتیاز، سال تأسیس و مکان انتشار، نوع انتشار (ماهانه، هفتگی، هفته‌ای دوبار و...) را دربرمی‌گیرد. روزنامه‌ها

بخش مهمی از مجموعه میکروفیلم‌ها به شمار می‌رود که مراجعان فراوانی نیز دارد.

شایان ذکر است که کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران علاوه بر میکروفیلم‌های معرفی شده در سه مجلد مذکور، دارای تعدادی میکروفیلم از نسخ خطی کتابخانه و میکروفیلم‌های اهدایی یا مبادله از داخل و خارج کشور است که در دفاتر ثبت کتابخانه قابل دسترسی است و در طول این سالیان به مجموعه کتابخانه افزوده شده است و امید می‌رود به زودی فهرست جدیدی از آن منتشر گردد و در اختیار محققان قرار گیرد.

نشریه نسخه‌های خطی، نخستین گام در فهرست‌نگاری و کتابشناسی

نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، عنوان نشریه‌ای است درباره نسخه‌های خطی اسلامی که برای اولین بار در ایران از طرف دانشگاه تهران به چاپ رسیده است. موضوع آن تنظیم فهرست و معرفی نسخه‌هایی است که در کتابخانه‌های مختلف ایران و نیز در مجموعه‌های خصوصی اشخاص وجود دارد. به همین منظور، این نشریه از سوی کتابخانه مرکزی دانشگاه، هر چند یکبار منتشر شد تا محققان ایرانی و خارجی از کیفیت نسخ و محل وجود آنها مطلع شوند و در تحقیقات خود و انتشار متون قدیم، نسخ اصیل و کهن را مورد استفاده قرار دهند.

این نشریه در دوازده دفتر و زیر نظر آقایان محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار با مقالاتی از ایشان در موضوع نسخه‌های خطی و با همکاری محققان و اساتید این فن منتشر گردید. استاد دانش‌پژوه قصد خود را از انتشار این نشریه چنین بیان می‌کند:

«قصد ما این بود که با این دفترها، آنچه از میراث فرهنگی و دینی که در کتابخانه‌های دیگر ما و درجهان هست یادی بکنیم تا بدانیم در کجا است و بتوانیم هرگاه بخواهیم و بتوانیم به سراغ آنها برویم یا تصویری از آنها به دست آوریم و همان کاری را که ملت‌های متمدن و پیشرفته جهان در مجلات علمی و سفرنامه‌ها کرده‌اند دنبال کنیم.»

بدین منظور به جهت آشنایی هرچه بیشتر محققان و علاقه‌مندان نسخ خطی با آثار و تحقیقات استاد محمدتقی دانش‌پژوه و مقالات نشریه نسخه‌های خطی نگارنده کوشیده است تا به معرفی مجلدات دوازده‌گانه نشریه نسخه‌های خطی بپردازد. شاید گام کوچکی باشد در شناسایی و معرفی مقالات و تهیه کتابشناسی آثار استاد دانش‌پژوه.

دکتر این نکته ضروری است که در معرفی دفاتر نشریه، مقالاتی که موضوع آنها فهرستهای نسخ

خطی است در اولویت قرار گرفته است و کوشش بر آن بوده تا در ابتدا مقالات دانش پژوه و سپس به لحاظ اهمیت فهارس، فهرستی از نسخ خطی مجموعه‌های داخل و خارج منتشره در نشریه معرفی گردد.

امید است تا با مطالعه آن، به کوششهای خستگی‌ناپذیر استاد دانش پژوه در جست‌وجو، شناسایی و فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور آگاه‌تر شویم و عطش سیری‌ناپذیر وی در معرفی رسایل گوناگون را بهتر ارج نهیم.

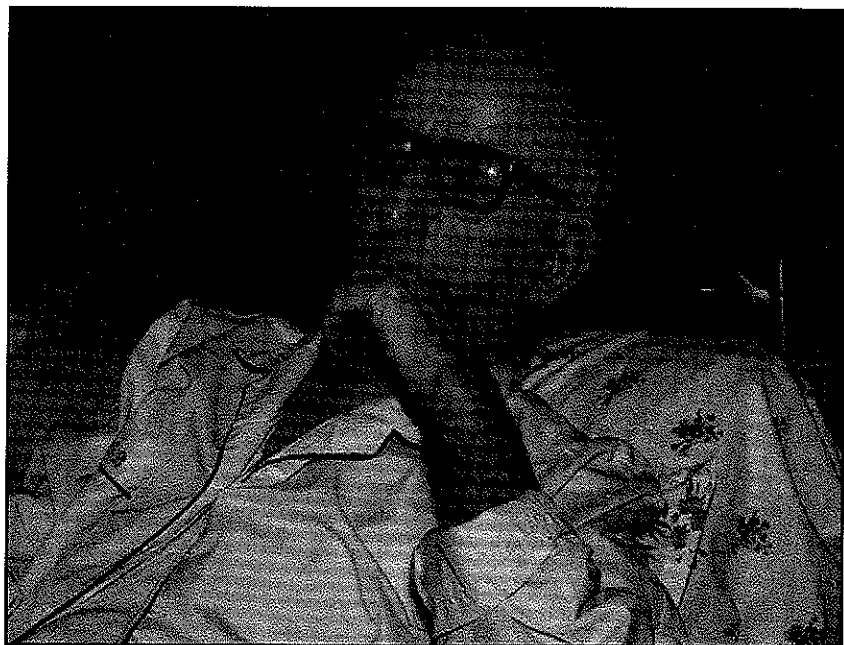
۱) نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. دفتر اول، زیر نظر محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار، تهران: ۱۳۳۹. (دارای ۱۰ مقاله و ۲۷۲ صفحه).

وصف نسخی مفید از کتابخانه گلستان: عباس اقبال، به کوشش دانش پژوه.

در یادداشت‌های مرحوم عباس اقبال که پاره‌ای از آنها به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران رسیده بود، وصفی از چند نسخه خطی به خط اقبال و بسیاری نیز با امضای وی دیده می‌شود که از نظر کتابشناسی و نسخه‌شناسی سودمند است و جهت آشنایی خوانندگان بانکاتی در باب کتابشناسی مفید است. یک نسخه نفیس به خط خواجه نصیرالدین طوسی و امضای الخ بیگ و سلطان احمد جلایر: عباس اقبال، به کوشش دانش پژوه.

فهرست پاره‌ای از کتابهای اخلاق و سیاست: دانش پژوه.

وی در این مقاله، تعداد ۱۶۴ نسخه خطی فارسی را در موضوع اخلاق و سیاست با ذکر نام مؤلف و شماره نسخه در کتابخانه‌های داخل و خارج



نسخه‌شناسی مختصری آورده شده است. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه موزه ایران باستان: دانش پژوه

در این فهرست تعداد ۸۱ مجلد از کتاب و مجموعه‌های نسخه‌های خطی معرفی شده است. در موزه ایران باستان گذشته از آثار عتیق و کهن، کتابهایی نیز از آستانه شیخ صفی اردبیلی، و تربت شیخ جام جمع آمده است. یا از عتیقه‌فروشان خریداری شده است. در دفتر بزرگ اموال موزه، آثار کهن و کتب و قرآن‌ها با شماره ثبت شده است. استاد دانش پژوه در این مقاله، به وصف مختصری از آنها پرداخته است.

فهرست کتابخانه مجلس سنا: دانش پژوه  
در کتابخانه مجلس سنا تعداد ۷۶ مجلد نسخه خطی موجود است که فهرست این نسخ و رسالات در این مقاله معرفی شده است. این فهرست برحسب حروف تهجی نام کتاب منظم شده و کتابها و رساله‌های مندرج در مجموعه‌ها نیز هر یک در جای خود نام برده شده است تا به آسانی بتوان به آنها پی برد.

از دیگر فهارس نسخ خطی در این شماره نشریه می‌توان به فهرست نسخه‌های خطی فارسی یوگسلاوی از آقای ایرج افشار و فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه ملی اشاره کرد.

۳) نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. دفتر سوم، درباره نسخه‌های خطی، زیر نظر محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار، تهران: ۱۳۴۲ (دارای ۱۳ مقاله و ۴۸۸ صفحه).

در این شماره نشریه، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های مختلفی به وسیله استاد دانش پژوه معرفی گردیده که عبارت است از: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه سازمان لغتنامه دهخدا (۱)

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آستانه امامزاده عبدالعظیم حسنی در شهر ری (۱)  
فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه سازمان لغتنامه دهخدا (۲)

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آستانه امامزاده عبدالعظیم حسنی در شهرری (۲)  
اطلاعاتی درباره برخی از نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده پزشکی

آشنایی با چند نسخه دیگر از کتابخانه دکتر اصغر مهدوی

همچنین، در این شماره معرفی ادامه فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه ملی و فهرست اسناد قاچاری در کتابخانه وزارت امور خارجه و فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه موزه ایران باستان از آقای ایرج افشار وجود دارد و نیز فهرست‌های دیگری نیز منتشر گشته است که عبارت است از:

ادبیات فارسی، تألیف استوری: عباس اقبال، به کوشش دانش پژوه. این مقاله که اصل آن به قلم عباس اقبال نگارش یافته است، به کوشش مرحوم استاد دانش پژوه در مجلد اول نشریه نسخه‌های خطی به چاپ رسیده است. وی به لحاظ اهمیت آن می‌گوید:

«کتاب مشهور Persian Literature تألیف خاورشناس مشهور، استوری که تاکنون از جلد نخستین آن دو جزء و از جلد دوم، جزء مربوط به ریاضیات نشر شده، از آثاری است که مرحوم عباس اقبال به ترجمه آنها دست زده بوده است و خوشبختانه در میان اوراق و نوشته‌های بازمانده از آن مرحوم ترجمه نخستین دفتر از کتاب مذکور که مربوط به علوم قرآنی است در دست می‌باشد و عیناً به چاپ می‌رسد.»

از کشور ذکر می‌کند.

۲) نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. دفتر دوم، زیر نظر محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار، تهران: ۱۳۴۱ (دارای ۱۲ مقاله و ۲۸۶ صفحه).

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه خصوصی دکتر اصغر مهدوی: دانش پژوه

این مجموعه نفیس که دکتر اصغر مهدوی طی سالهایتمادی در جمع‌آوری نسخه‌های خوب و ممتاز و نفیس سعی و جد کرده است، شامل ۸۶۹ نسخه خطی است. در این فهرست، اطلاعاتی درباره نام کتاب، مؤلف، تاریخ کتابت، نوع خط، نام کاتب، نوع کاغذ و... و نیز تعداد نسخ موجود از آن در کتابخانه‌ها و سایر اطلاعات کتابشناسی و

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه فرخ در مشهد: تقی بینش  
 فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های هنرهای زیبای کشور: یحیی ذکاء با همکاری دانش پژوه  
 فهرست کتابخانه محمود فرهادمعمد:  
 غلامرضا فرزانه پور با همکاری دانش پژوه  
 روش: فهرست نگاری استاد دانش پژوه در معرفی این کتابخانه‌ها، همان روشی است که ایشان در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه در پیش گرفته‌اند که شامل دو قسمت اطلاعات تفکیک شده کتابشناسی و نسخه‌شناسی است.

۴) نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. دفتر چهارم، زیر نظر محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار، تهران: ۱۳۴۴. (دارای ۹ مقاله و ۶۹۴ صفحه).

در این شماره، ۱۶۶۴ نسخه خطی مربوط به ۸ کتابخانه عمومی و خصوصی معرفی می‌شود.  
 فهرست کتابخانه‌های شهرستانها (تبریز - کاشان - یزد - اصفهان): دانش پژوه  
 آشنایی با اثری از مظفر بن ارضبیر عبادی: دانش پژوه

اسناد آستانه درویش تاج‌الدین حسن ولی: دانش پژوه  
 مقالات و فهرس مفید دیگری نیز در این شماره از کتابخانه‌های خارج از کشور به قلم ایرج افشار موجود است از جمله:

فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه هاروارد  
 فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های عمومی فرانسه  
 فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه بریتانیا به نقل از مردیت اونس  
 فهرست قسمتی از کتابهای خطی فارسی کتابخانه ملی تهران از دکتر مهدی بیانی.

۵) نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. دفتر پنجم، زیر نظر محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار، تهران: ۱۳۴۶. (دارای ۲۸ مقاله و ۷۶۷ صفحه).

در این شماره، فهرست تعداد بسیاری از مجموعه‌های نسخ خطی عمومی و خصوصی کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور به قلم استاد دانش پژوه و ایرج افشار تهیه شده است که به تفصیل عبارت است از:

فهرست کتابخانه‌های عمومی و خصوصی شیراز:  
 شامل اداره اوقاف، کتابخانه خدای خانه

مسجدجامع عتیق شیراز، کتابخانه خانقاه احمدیه، کتابخانه دانشکده ادبیات، کتابخانه آستانه یا مزار شاه چراغ یا احمدین موسی، کتابخانه ملی پارس، موزه معارف شیراز، کتیبه مزار ابوذر ع اردبیلی، کتیبه مدخل مسجد وکیل، نسخ خطی آقای حاج محمد خلیلی، کتابخانه دکتر خاوری موزه شایسته، کتابخانه‌های آقای صدرالدین محلاتی، کتابخانه آقای دکتر حسینی، نسخه‌های آقای فروردین، نسخه‌های آقای سیدامین الله کوثر، اسناد آقای عبدالکریم مکاری، کتابخانه آقای دکتر میر، نسخه‌های آقای واجد، کتابخانه خاندان حاج سیدنورالدین هاشمی حسینی، کتابخانه آقای دکتر وصال.

فهرست کتابخانه‌های عمومی و خصوصی اصفهان:  
 شامل کتابخانه دانشکده ادبیات اصفهان، شهرداری اصفهان، رضویه مدرسه صدر، کتابخانه فرهنگ اصفهان، موزه کلیسای ارمنیان جلفا، کتابخانه آقای دکتر کارول میناسیان، کتابخانه آقای کتایی.

فهرست کتابخانه‌های عمومی و خصوصی همدان:

شامل فهرست کتابخانه آرامگاه بوعلی (پرویز اذکایی)، کتابخانه مزار استرو مردخای، کتابخانه اعتمادالدوله، کتابخانه دبیرستان امیرکبیر، اداره اوقاف، کتابخانه اوقاف، کتابخانه مدرسه دامغانی، کتابخانه مدرسه زنگنه، کتابخانه مدرسه غرب همدان، کتابخانه آقای حاجی ایزدی، کتابخانه آقای محمود ایزدی، کتابخانه آقای بحرالفضایل، کتابخانه آقای قاسم برتا، نسخه‌های آقای حاج سیدنصرالله بنی صدر، نسخه‌های آقای حسن پنبه‌چی، نسخه‌های آقای دکتر جلالی، نسخه‌های آقای دامغانی، نسخه‌های آقای سیدمحمد نجفی عرب‌زاده، کتابخانه آقای کمالی، نسخه‌های آقای تقی یوسفی.

فهرست کتابخانه‌های عمومی و خصوصی رشت:

شامل کتابخانه ملی، فرمانهای کتابخانه ملی رشت، کتابخانه مدرسه مهدویه رشت، کتابخانه آقای شاد قزوینی.

فهرست کتابخانه‌های قم:

شامل کتابخانه آستانه قم، کتابخانه مدرسه فیضیه، کتابخانه مسجداعظم.

فهرست کتابخانه آقای میرزا ابوالحسن پیشنماز آملی در آمل

فهرست کتابخانه‌های عراق و عربستان سعودی

شامل المکتبه المركزيه فی جامع بغداد، مکتبه المعهدالدراسات الاسلامیه، العلیا فی جامعه بغداد، المکتبه القاریه فی الحضرة الکیلانیة فی بغداد،

مکتبه الخلالی العامة فی بغداد، کتابخانه آقای دکتر حسین علی محفوظ در بغداد، کتابخانه توفیق وهبی در بغداد، مکتبه الامام امیرالمؤمنین العامه (نجف)، کتابخانه آقای حکیم در نجف در مدرسه هندی، کتابخانه مدرسه بروجردی در نجف، کتابخانه تکیه شوشتریها در نجف، مکتبه جامعه النجف، کتابخانه جعفریه در مدرسه هندی، در کربلا، کتابخانه مدرسه بادکوبه در کربلا، کتابخانه خصوصی آقای عبدالرضای شهرستانی در کربلا، کتابخانه جامع الامام ابی‌یوسف در کاظمین، مکتبه شیخ الاسلام عارف حکمت در مدینه، مکتبه المدینه المنوره العامة، المکتبه المحمودیه فی الحرم النبوی، مکتبه الحرم النبوی، مکتب مظهر فی رباط مظهر (مدینه)، مکتبه الحرم المکی، مکتبه مکه المکرمة.

فهرست کتابخانه بهار  
 فهرست نسخه‌های آقای مسعود مختسمی علاوه بر فهرس مذکور، فهرست کتابخانه‌های ذیل نیز به قلم استاد ایرج افشار نگاشته شده است که به دلیل اهمیت و آشنایی با آن کتابخانه‌ها بیان می‌گردد:

نسخه‌های فارسی در کتابخانه ملی و دانشگاهی اورشلیم

سی و چهار نسخه خطی از چند نسخه خصوصی

نسخه‌های خطی آقای تامنی

نسخه‌های خطی آقای ابراهیم دهگان

نسخه آقای باقرزاده

نسخه‌های خطی حسن علی غفاری،

معاون‌الدوله

نسخه‌های آقای امیرتوکل کامبوزیا گرد

زعفرانلو (زاهدان)

نسخه‌های احمدخان ملک ساسانی

نسخه‌های خطی تازه در کتابخانه ملی پاریس

نسخه‌های خطی انجمن پادشاهی آسیایی

(لندن) مجموعه السیس

نسخ خطی فارسی در کتابخانه دانشگاه اوترخت

نسخ خطی فارسی در کتابخانه ملی اسکاتلند

(ادنبورگ)

نسخ خطی فارسی در کتابخانه دانشگاه

ادنبورگ، مجموعه نیوکالج اهدایی به دانشگاه

نسخ خطی کتابخانه سلطنتی کپنهاک

نسخ خطی فارسی در کتابخانه دانشگاه

استکلهم

بعضی از نسخ خطی دانشگاه میشیگان

مجموعه کتب خطی و چاپی و اسناد و عکس

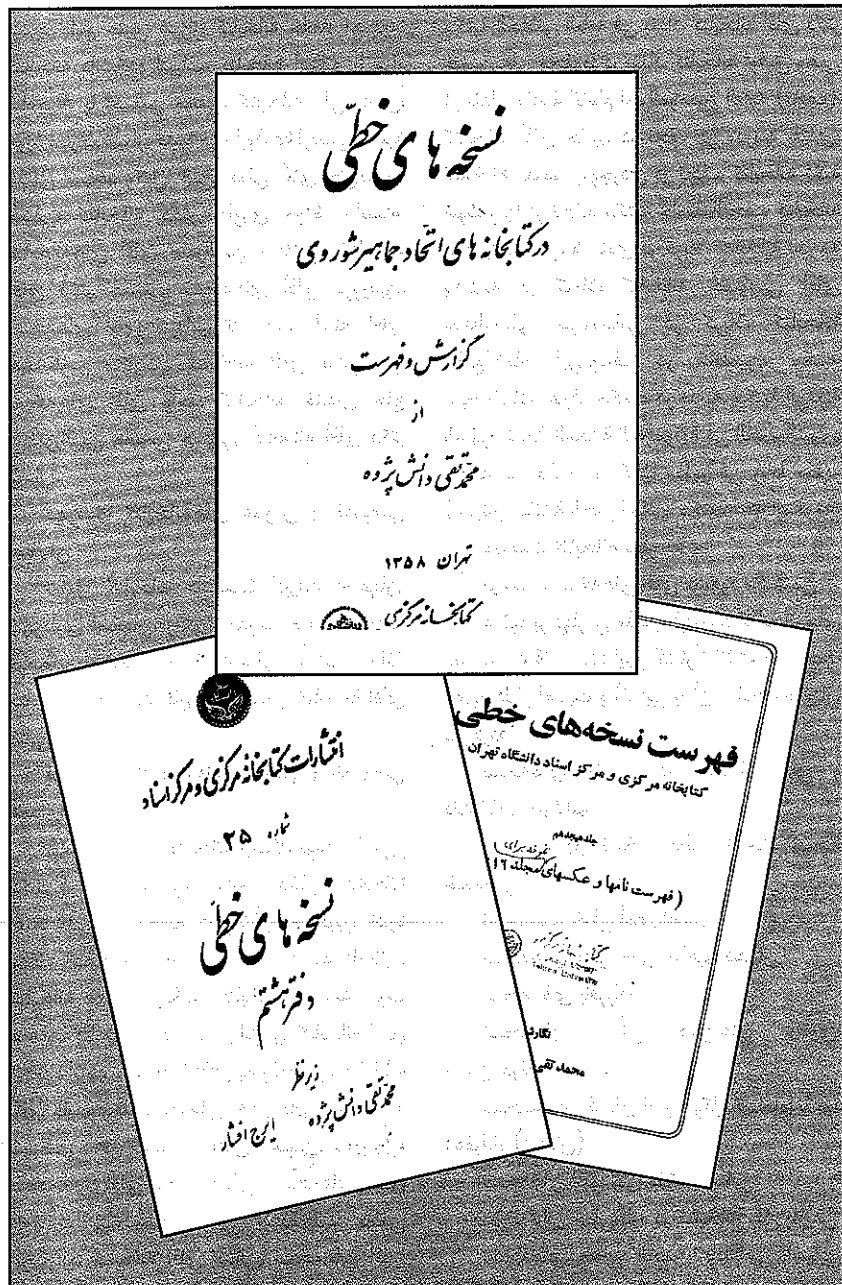
حسن علی غفاری، معاون‌الدوله، اهدایی به دانشگاه

تهران

همچنین علاوه بر موارد فوق، فهرستهای

پراکنده دیگری نیز به قلم برخی دیگر از محققان و

فهرست‌نویسان نگاشته شده که عبارت است از:



فهرست نسخ وقفی علی اصغر حکمت به آستان قدس و نیز فهرست نسخ عبدالمجید مولوی: مهدی ولایی  
فهرست چند مجموعه کتابخانه مجلس شورای ملی: احمد گلچین معانی  
فهرست کتابخانه کاظم مدیرشانه چی: مدیر شانه چی  
تتمه فهرست کتابخانه فرخ: تقی بینش  
فهرست نسخه های خطی حاج سیدعلی اصغر اصغرزاده: به قلم خود ایشان.

(۶) نشریه نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. دفتر ششم، زیر نظر محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار، تهران: ۱۳۴۸ (دارای ۱۵ مقاله و ۶۹۸ صفحه).

این شماره نشریه، با عنوان دفتر ششم، به یادگار انعقاد مجلس علمی و تحقیقاتی، از ۱۱ تا ۱۶ آبان ۱۳۴۸، درباره احوال و آثار رشیدالدین فضل الله همدانی است و ۱۵ مقاله دارد.

فهارسی که به قلم محمدتقی دانش پژوه تهیه شده عبارت است از:

- فهرست نسخه های خطی کتابخانه آقای میرحسینای قزوینی
- نسخ خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
- فهرست نسخ خطی کتابخانه سنا
- فهرست نسخه های خطی کتابخانه آقای مجتبی مینوی
- چند نسخه از مرحوم دکتر بیانی
- نسخه های خطی آقای دکتر حسن سادات ناصری

علاوه بر آن قسمتی از فهرس نیز به قلم آقای ایرج افشار به شرح ذیل نگارش یافته است:  
فهرست کتابهایی که به دستور شاهزاده محمدولی میرزا در یزد ترجمه و تألیف شده است  
نسخه های خطی ابراهیم دهگان  
نسخه های خطی اصفهان (شیخ حسن جابری انصاری)

همچنین فهرست نسخه های خطی شهاب طاهری به قلم خود وی و فهرست قسمتی از کتب خطی کتابخانه مرحوم عبدالحسین بیات، از احمد گلچین معانی در این نشریه موجود است.

(۷) نشریه نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. دفتر هفتم، زیر نظر محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار، تهران: ۱۳۵۳ (دارای ۲۸ مقاله و ۸۱۱ صفحه).

این شماره نشریه که حاوی ۲۸ مقاله است به معرفی فهرست نسخه های خطی کتابخانه هایی چند از ایران و خارج از کشور پرداخته است که به قلم آقایان دانش پژوه و افشار، منزوی، و دیگران است: محمدتقی دانش پژوه:

- کتابخانه آیت الله رضوی در کاشان
- کتابخانه دکتر حسین مفتاح در تهران
- فهرست نسخه های خطی دکتر حافظ فرمانفرمایان
- فهرست نسخه های خطی مرحوم دکتر رضا صحت
- فهرست چند نسخه خطی از افغانستان
- فهرست نسخه های خطی خاندان مرحوم اسدالله خاکپور
- فهرست نسخه های کتابخانه مجلس سنا (دنباله)

#### ایرج افشار

نسخ خطی کتابخانه انجمن آثار ملی  
نسخه های خطی مرحوم سعید نفیسی  
نسخه های خطی در کتابخانه سرکنسولگری استانبول

نسخه های خطی همایون صنعتی زاده

سید عبدالعزیز طباطبایی:

- کتابخانه طباطبایی در تبریز
- کتابخانه مزار عبدالقادر گیلانی در بغداد
- نسخه های خطی ثقة الاسلام در تبریز
- نسخ فارسی در کتابخانه های رومانی: سلطان حسین سنندجی

نسخه های خطی مجموعه دکتر علی اکبر فیاض: دانش پژوه و افشار

نسخه هایی در یزد: سیداحمد حسینی

فهرست نسخه های خطی حسن عاطفی:

حسن عاطفی

محمود فاضل:

نسخه‌های خطی محمود فاضل  
نسخه‌های خطی مدرسه حاج حسن در مشهد  
نسخه‌های خطی مدرسه عباسقلی خان در  
مشهد

سماعی حائری:

فهرست کتابهای خطی رامسر  
فهرست کتابخانه شخصی عبدالوهاب  
فهرست تنکابنی در رامسر  
اصغر اصغرزاده:

نسخه‌های خطی خراسان

علینقی منزوی:

نسخه‌های آقای سیدمحمد شوشتری در اهواز

۸) نشریه نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه  
تهران. دفتر هشتم، نسخه‌های خطی در  
کتابخانه‌های اتحاد جماهیر شوروی گزارش و  
فهرست از محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: ۱۳۵۸ (۳۱۰ صفحه).

این شماره نشریه، به گفته آقای ایرج افشار،  
«مدتی درازتر از آنچه در نظر بود انتشار یافت؛ ولی  
دفتری است پربارتر و تازه‌تر از اطلاعات و اخبار  
مربوط به نسخ اسلامی از شوروی (سابق) و مجامع  
علمی و اروپا و آمریکا».

اهمیت کار محمدتقی دانش‌پژوه در تهیه  
فهرست کتابخانه‌های کوچک یا گمنام از آن جهت  
است که برای این‌گونه کتابخانه‌ها فهرستی جداگانه  
و اصولی، مدون نشده بود و وی به واسطه سفرهایی  
که به آمریکا، آسیا و اروپا داشت، آگاهیها و اطلاعات  
فراوانی را دستمایه تدوین این فهرست کرد.

دانش‌پژوه در آغاز این دفتر، شرح گزارش سفر  
خود را که یک سال و هفت روز طول کشیده است از  
۴۲ کتابخانه و موزه در ۲۱ شهر اروپایی و آمریکایی  
بیان کرده است. از نسخه‌های خطی ایرانی و  
اسلامی و از کتابهای ارزنده چاپی و از مقالات  
سودمند مجلات اروپایی و عربی و... یادداشت  
برداشته و نمونه‌های از این یادداشتها را در مجله  
راهنمای کتاب چاپ کرده است و سپس به توصیف  
و فهرست کتابخانه‌های روسیه پرداخته است که  
عبارت است از:

کتابخانه عمومی لنین در شهر مسکو  
نسخه‌های خطی بنیاد خاورشناسی و  
فرهنگستان شوروی شهر لنینگراد  
کتابخانه شچدرین در شهر لنینگراد  
نسخه‌های عربی ترکی گرجستان  
موزه هنری گرجستان در شهر تفلیس  
کتابخانه بنیاد خاورشناسی فرهنگستان تفلیس  
(نسخه‌های فارسی)  
کتابخانه دانشگاه لنینگراد

۹) نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی

دانشگاه تهران. دفتر نهم، نسخه‌های خطی در  
کتابخانه‌های اتحاد جماهیر شوروی و اروپا و آمریکا.  
گزارش و فهرست از محمدتقی دانش‌پژوه، تهران:  
۱۳۵۸ (۴۵۰ صفحه).

این مجلد دنباله دفتر هشتم است و استاد  
دانش‌پژوه در آن به شرح و توصیف نسخه‌هایی چند  
از کتابخانه‌های آسیا، اروپا و آمریکا پرداخته است.

بنیاد خاورشناسی شهر دوشنبه  
کتابخانه جامی دانشکده ادبیات شهر دوشنبه  
کتابخانه رودکی و فردوسی در شهر دوشنبه  
گنجینه بنیاد خاورشناسی فرهنگستان  
ازبکستان به نام بیرونی در شهر تاشکند، موزه نوایی،  
کتابخانه دانشگاه تاشکند، کتابخانه دانشگاه سمرقند  
و کتابخانه مسجد طلاشیخ، کتابخانه ابوعلی سینا در  
دانشگاه دولتی بخارا

گنجینه نسخه‌های خطی و چاپی فرهنگستان  
آذربایجان در شهر باکو و موزه تاریخ ادبیات شهر باکو  
به نام نظامی

کتابخانه مرکز علمی فرهنگستان ترکمنستان  
شوروی در شهر عشق‌آباد  
موزه آرمیتاژ  
کتابخانه ملی پاریس  
کتابخانه شهر مونیخ  
کتابخانه واپنر در دانشگاه هاروارد  
کتابخانه هوتن

موزه ایزابلا استوارت گاردنر و دانشکده پزشکی  
شهر بوستون و کتابخانه عمومی آن شهر و موزه  
هنری فوگ و موزه هنرهای زیبا و موزه فاین‌آرت  
بوستون

در پایان این شماره نشریه، نمونه‌هایی از  
تصاویر نسخ خطی نیز به چاپ رسیده است.

۱۰) نسخه‌های خطی کتابخانه‌های اتحاد  
جماهیر شوروی و اروپا و آمریکا. گزارش و فهرست  
از محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: ۱۳۵۸ (۴۰۷  
صفحه).

در این مجلد نیز که دنباله مجلد پیشین است  
نسخه‌های دیگری از چند بنیاد دیگر آسیا، اروپا و  
آمریکا معرفی می‌گردد که عبارت است از:

نسخه‌های فارسی و ترکی دانشگاه یشمگاگو  
پرینستون (مجموعه یهودا)  
کتابخانه دانشگاه آن آربر میشیگان  
دانشگاه کلمبیا  
موزه بریتانیا  
کتابخانه دانشگاه لیندن  
چند نسخه‌ای از استانبول  
از چند کتابخانه هند و سند  
پراکنده‌ها و یادداشتها درباره نسخه‌های بنیاد  
فرهنگی کشور شوروی

درباره چند نسخه

فهرست عکسهای نسخه‌های تفلیس (شامل  
۳۴ عکس)

۱۱ و ۱۲) نشریه نسخ خطی کتابخانه مرکزی  
دانشگاه تهران. نسخه‌های خطی، دفتر یازده و  
دوازده. زیر نظر محمدتقی دانش‌پژوه و اسماعیل  
حاکمی. تهران: ۱۳۶۲ (۱۰۲۶ صفحه با تصاویر نسخ  
خطی).

دفترهای ۱۱ و ۱۲ که در آن ۸ گفتار گنجانده  
شده است، شامل فهرستی از نسخ فارسی، عربی،  
ترکی ایرانی و اسلامی است که در آمریکا، انگلستان،  
نحف، رومانی، اصفهان، کاشان و چین نگاهداری  
می‌شود و فهرست آن چنین است:

فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه  
لس آنجلس: دانش‌پژوه

فهرست نسخه‌های خطی فارسی و عربی  
کتابخانه کالج وادهان (Wadhan) در آکسفورد از  
آقایان حسین مدرسی طباطبایی و کیکاووس  
جهانداری

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حسینیة  
شوشتریها در نحف: اسدالله اسماعیلیان و رضا  
استادی

فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه اصفهان:  
افشار و دانش‌پژوه

فهرست نسخه‌های خطی تازه‌یاب حسن  
عاطفی در کاشان: نگارش خود او  
فهرست نسخه‌های خطی فارسی  
کتابخانه‌های رومانی: محمدعلی صوتی

فهرست میکروفیلم و عکسها و نسخه‌های  
خطی بنیاد فرهنگ ایران

نگاهی گذرا به پیوند فرهنگی ایران و چین که  
گزارش سفرهای محمدتقی دانش‌پژوه به چین  
است.

استاد در پایان این مجلد آرزو کرده است که  
نمایه‌ای برای ۱۲ جلد نشریه که مطالب سودمندی  
در آنهاست و همواره دانشمندان با آنها سرو کار دارند  
منتشر شود. وی از تاریخ ۹ خرداد تا ۲۴ مرداد سال  
۱۳۵۳ در شهر لس آنجلس به سر برد و در این ۷۵  
روز در کتابخانه‌های کالیفرنیا بازدید کرد و از ۵۰۰۰  
نسخه خطی فارسی، عربی، ترکی و اردو  
یادداشت‌برداری کرد.

یادداشت‌های وی، به‌ویژه درباره نسخ ترکی و با  
استفاده از فهرست اروپایی برای شناسایی نسخ ترکی  
بسیار مفید است.

پانویس:

۱- ایرج افشار. فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه  
تهران. ج ۱۶، ص ۱۰. (دینچه).

# فهرست کتابها و مقالات مرحوم استاد محمدتقی دانش پژوه

از جمله فعالیتهای علمی - فرهنگی مرحوم دانش پژوه نوشتن مقالاتی است که دستاورد سالها تحقیق و پژوهش است. بر آن شدیم تا فهرستی از این مقالات را که به همت آقایان قدرت الله پیشنامزاده و عنایت الله مجیدی جمع آوری شده است به علاقه مندان معرفی کنیم. به آن امید که به زودی مجموعه این مقالات چاپ و منتشر گردد.

۱. فهرست نسخه های خطی  
(۱) ۱۳۳۰ تا ۱۳۶۴ - فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در هجده جلد:  
الف - فهرست کتابخانه اهدایی مرحوم سیدمحمد مشکوة به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که بالغ بر ۱۳۲۰ جلد می شود از شماره ۱ تا ۱۳۲۰.  
جد سوم - جلد سوم بخش یکم - کتابهای فلسفی و عرفانی و کلامی. (۶۹۰ ص. چاپ ۱۳۳۲).  
جد چهارم - جلد سوم بخش دوم - کتابهای تاریخ فلسفه و پزشکی و ریاضی و هنرهای شگفت انگیز و افزارهای علمی. (ص ۶۸۱ تا ۱۰۵۲ + ۷۹. چاپ ۱۳۳۲).  
جد پنجم - جلد سوم بخش سوم - کتابهای اخبار و اصول فقه. (ص ۱۰۵۵ تا ۲۱۰۹. چاپ ۱۳۳۵).  
جد ششم - جلد سوم بخش چهارم. (ص ۲۱۱۰ تا ۲۶۰۰ + ۴۱۱ ص. چاپ ۱۳۳۵).  
جد هفتم - جلد سوم بخش پنجم. (ص ۲۶۰۱ تا ۲۸۰۸ + ۳۱ ص. چاپ ۱۳۳۸).
- ب - فهرست کتابهای خطی خریداری شده و اهدایی دیگران  
جد هشتم - نسخه های خطی شماره های ۱۳۳۱ - ۲۱۲۰ (۷۶۰ + ۹ ص. چاپ ۱۳۳۹).  
جد نهم - نسخه های خطی شماره های ۲۱۲۱ - ۲۶۲۹ (۷۶۱ تا ۱۵۰۴ ص. چاپ ۱۳۴۰).  
جد دهم - نسخه های خطی شماره های ۲۶۳۰ - ۳۰۶۲ (۱۵۰۵ تا ۲۰۰۰ ص. چاپ ۱۳۴۰).  
جد یازدهم - نسخه های خطی شماره های ۳۰۶۳ - ۳۴۹۶ (۲۰۰۱ تا ۲۵۰۴ ص. چاپ ۱۳۴۰).  
جد دوازدهم - نسخه های خطی شماره های ۳۴۹۷ - ۴۰۱۳ (۲۵۰۵ تا ۳۰۰۸ ص. چاپ ۱۳۴۰).  
جد سیزدهم - نسخه های خطی شماره های ۴۰۱۴ - ۴۵۷۹ (۳۰۰۹ تا ۳۵۱۲ ص. چاپ ۱۳۴۰).  
جد چهاردهم - نسخه های خطی شماره های ۴۵۸۰ - ۴۹۴۴ (۳۵۱۳ تا ۴۰۶۴ ص. چاپ ۱۳۴۰).  
جد پانزدهم - نسخه های خطی شماره های ۴۹۴۵ - ۵۴۰۰ (۴۰۶۵ تا ۴۲۴۴ + ۲۸۰ ص. چاپ ۱۳۴۵).  
جد شانزدهم - نسخه های خطی شماره های ۵۴۰۱ - ۸۰۰۰ (۱۴ + ۷۶۸ ص. چاپ ۱۳۵۷).  
جد هفدهم - نسخه های خطی شماره های ۸۰۰۱ - ۱۰۰۵۰ (۵۴۰ ص. چاپ ۱۳۶۴).  
جد هجدهم - فهرست نامها و عکسهای مجلدات ۱۶ و ۱۷. (۲۶۹ + ۱۱ + ۶۵۲ ص. چاپ ۱۳۶۴).  
۱۳۳۹ - فهرست کتابخانه دانشکده حقوق - تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۲ + ۶۰۲ ص.  
۱۳۳۹ تا ۱۳۴۴ - فهرست کتابخانه دانشکده ادبیات (نسخه های خطی):  
(۱) مجموعه اصلی. ۱۳۳۹. ۶۸۲ ص. (ش ۱، ۸ س مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران).
۲. مجموعه وقفی علی اصغر حکمت ۱۳۴۱ (بیوست ص ۱۰ مجله ادبیات دانشگاه تهران).
۳. مجموعه امام جمعه کرمان، تهران. ۱۳۴۴. ۱۰ + ۲۵۰ ص. (ش ۱، س ۳ مجله ادبیات دانشگاه تهران).
۴. ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۰ - فهرست کتابخانه سپهسالار، تهران. انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی. با همکاری علی تقی منزوی. ج ۳ در ۱۹ + ۵۴۸ ص. ۱۳۴۰. ج ۴ در ۵۶ ص. ۱۳۴۶. جلد ۵ در ۷۶۸ ص. ۱۳۵۶.
۵. ۱۳۳۵ - فهرست کتابخانه دانشکده الهیات، با همکاری دکتر سیدمحمدباقر حجتی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۷ + ۱۲۲۴ ص.
۶. ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۸ - فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی. با همکاری ایرج افشار و علی تقی منزوی و احمد منزوی.  
جلد یازدهم. ۱۳۳۵. تهران. ۸ + ۴۶۱ ص.  
جلد دوازدهم. ۱۳۳۶. تهران. ۴۳۹ ص.  
جلد سیزدهم. ۱۳۳۶. تهران. ۴۲۸ ص.  
جلد چهاردهم. ۱۳۳۷. تهران. ۴۶۷ ص.  
جلد پانزدهم. ۱۳۳۷. تهران. ۳۸۷ ص.  
جلد شانزدهم. ۱۳۳۸. تهران. ۴۷۶ ص.



الانسانية تصحيح مجتبی مینوی، راهنمای کتاب ۲: ۵۲-۴۸

۳۹ (۱۳۳۸) - مازندران و استرآباد رابینو ترجمه وحید مازندرانی، راهنمای کتاب ۲: ۲۳۸-۲۴۲.

۴۰ (۱۳۳۸) - مختصر فی ذکرالحکماء اليونانیین و الملیین، فرهنگ ایران زمین ۷: ۲۸۳-۳۳۱.

۴۱ (۱۳۳۹) - عجایب نامه طوسی تصحیح دکتر منوچهر ستوده، راهنمای کتاب ۳: ۲۴-۳۱.

۴۲ (۱۳۳۹) - احوال و آثار عین القضاة همدانی، راهنمای کتاب ۳: ۱۹۶-۲۰۲.

۴۳ (۱۳۳۹) - وصف نسخه‌هایی چند از کتابخانه سلطنتی از عباس اقبال (تلوین دانش‌پژوه)، نشریه کتابخانه مرکزی درباره نسخه‌های خطی ۱: ۱۵۶-۲۰۴.

۴۴ (۱۳۳۹) - فهرست پاره‌ای از کتابهای اخلاق و سیاست، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درباره نسخه‌های خطی ۱: ۲۱۱-۲۲۷.

۴۵ (۱۳۴۰) - مشاعر صدرای شیرازی ترجمه و توضیح غلامحسین آهني، راهنمای کتاب ۴: ۹۲۷-۹۳۱.

۴۶ (۱۳۴۰) - فهرست نگارشهای صدرای شیرازی، یادنامه ملاصدرا، ص ۱۰۷-۱۲۰.

۴۷ (۱۳۴۰) - گوشه‌ای از تاریخ منطق در ایران با متن عربی رساله رشید وطواط و رد افضل‌الدین عمر غیلانی، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۱۳: ۲۸۹-۳۱۰.

۴۸ (۱۳۴۰) - فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه خصوصی دکتر اصغر مهدوی، نشریه کتابخانه مرکزی ۲: ۵۹-۸۱.

۴۹ (۱۳۴۰-۱) - فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه موزه ایران باستان، نشریه کتابخانه مرکزی ۲: ۱۹۹-۲۱۸.

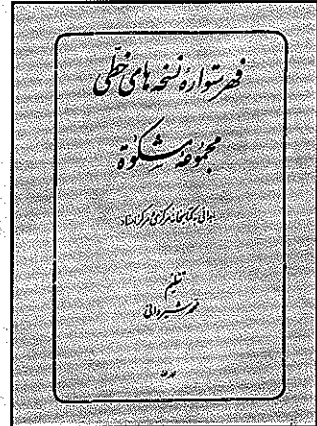
۵۰ (۱۳۴۰-۱) - فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس سنا، نشریه کتابخانه مرکزی ۲: ۲۵۷-۲۱۹.

۵۱ (۱۳۴۱) - مسجد ولی در ذکر عترت نسبی، مجله دانشکده ادبیات تهران ۴۰۹: ۹۰-۱۱۰.

عین القضاة همدانی، دانش ۳: ۳۲۵-۳۳۰.

۲۸ (۱۳۳۵) - گفتاری از خواجه طوسی به روش باطنیان، مجله دانشکده ادبیات تهران سال ۳، ش ۴، ص ۸۲-۸۸.

۲۹ (۱۳۳۵) - گفتاری درباره سیاست یا جمهوری افلاطون، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۸، ۴: ۳۵-۳۶۱.



۳۰ (۱۳۳۵) - شیخ طوسی و کتاب نه‌ایه، فرهنگ ایران زمین ۴: ۴۷-۱۲۱.

۳۱ (۱۳۳۵) - خواجه طوسی و ابن‌میمون اسرائیلی، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۸: ۲۵۸-۲۶۲.

۳۲ (۱۳۳۶) - گفتاری از خواجه طوسی درباره بود و نبود، مجله دانشکده ادبیات تهران ۴: ۱۱-۲۴.

۳۳ (۱۳۳۶) - داوری فیض کاشانی میان پارسا و دانشمند، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۹: ۲۳-۱.

۳۴ (۱۳۳۶) - رساله محاکمة بین‌المتصوفة و غیرهم، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۹: ۱۱۸-۱۲۶.

۳۵ (۱۳۳۶) - پیوستگی منطق و ریاضی نزد خواجه طوسی، یادنامه خواجه نصیر، ص ۱۶۶-۱۷۵.

۳۶ (۱۳۳۷) - ترجمه فرانسوی دانشنامه علایی از محمد آشنا و هانری ماسه (نقد کتاب)، فرهنگ ایران زمین ۶: ۸۴-۸۸.

۳۷ (۱۳۳۷) - چند فهلوی در کتابی عرفانی، فرهنگ ایران زمین ۶: ۳۲۸-۳۳۳.

۳۸ (۱۳۳۸) - السعادة والاسعاد فی السیرة

۱۲ (۱۳۲۵-۲۶) - ابن‌کمنه بغدادی، جلوه ۳۱۰-۳۰۹:۲.

۱۳ (۱۳۲۶) - داستان اصحاب کهف، دانشنامه ۵۸-۳۳:۱.

۱۴ (۱۳۲۶) - نخستین مترجم تورات، دانشنامه ۵۴-۵۰:۲.

۱۵ (۱۳۲۶) - سخنی چند از سوفسطائیان یا دانشمندان شکاک، دانشنامه ۱۳۳:۱-۱۴۶.

۱۶ (۱۳۲۶) - فن شعر از شقایق ابن‌سینا ترجمه با مقدمه، سخن ۳: ۴۹۸، ۵۰۴ و ۵۳۳.

۱۷ (۱۳۲۹) - منطق جدلی بودایی ترجمه از فرانسه، فروغ ۱: ۳، ص ۲۵-۳۰.

۱۸ (۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱) - منطق نزد شیخ رئیس پورسینا، دانش، ۲: ۳۵۳-۳۶۲ و ۲۷۵-۵۳۵-۵۴۶ و ۶۴۱-۶۵۲ و ۲۱:۳ و ۱۵-۱۴۸-۱۵۵.

۱۹ (۱۳۳۱) - شکل چهارم یا شکل جالینوسی، مهر ۸: ۹۷-۱۰۱ و ۱۶۶-۱۶۹ و ۲۹۹-۳۰۴.

۲۰ (۱۳۳۱) - اخوان صفا یا برادران روشن، مهر ۸: ۳۵۳ و ۳۵۷ و ۶۰۵-۶۰۹ و ۷۱۴-۷۰۹.

۲۱ (۱۳۳۱) - علی‌بن موفق بغدادی، مهر ۸: ۳۸۳-۳۸۲.

۲۲ (۱۳۳۱) - نوشته‌های باباافضل کاشانی، مهر ۸: ۴۳۳-۴۳۶ و ۴۹۹-۵۰۲.

۲۳ (۱۳۳۲) - پاسخ ابن‌سینا به شیخ ابوسعید ابی‌الخیر، فرهنگ ایران زمین ۱: ۱۸۹-۲۰۴.

۲۴ (۱۳۳۲) - رساله بعض فاضل الی علماء مدينةالاسلام فی مقولات الشيخ الرئيس ابن‌سینا، فرهنگ ایران زمین ۱: ۱۰۲-۱۱۰.

۲۵ (۱۳۳۳) - نکته‌هایی در سرگذشت ابن‌سینا و داستان «سرگذشت»، فرهنگ ایران زمین ۲: ۴۵-۷۹.

۲۶ (۱۳۳۳) - نظم ابن‌الهباریة از حی بن یقظان، دانش ۳: ۴۰۳-۴۱۵.

۲۷ (۱۳۳۴) - پاسخ خواجه رئیس ابوعلی‌سینا به پرسش ابی‌سعید ابی‌الخیر درباره دین درست با گزارشهای سعدالدین کازرونی و دانشمندی گمنام و



۵۲) ۱۳۴۱ - جامع الخیرات رکن الدین حسینی یزدی (وقفنامه سید رکن الدین حسینی) با همکاری ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین ۹: ۶۸-۲۷۷

۵۳) ۱۳۴۱ - نکته‌هایی درباره آثار ملاصدرا، راهنمای کتاب ۵: ۳۳-۴۰

۵۴) ۱۳۴۱ - اوپانشاد تصحیح محمدرضا جلالی نایینی، راهنمای کتاب ۵: ۳۰۴-۳۱۰

۵۵) ۱۳۴۱ - ترجمه فارسی ششصد ساله تورات، راهنمای کتاب ۵: ۵۸۹-۵۹۴

۵۶) ۱۳۴۱ - نامه‌ای فارسی از ملاصدرا، راهنمای کتاب ۵: ۷۵۷-۷۶۵

۵۷) ۱۳۴۱ - کتابخانه‌های مشهد و معرفی نسخ خطی مهم آنها، راهنمای کتاب ۵: ۹۹۱-۹۹۴

۵۸) ۱۳۴۱ - باب پنجم بیان‌الادیان از ابوالمعالی محمد علوی، فرهنگ ایران زمین ۱۰: ۲۸۲-۳۱۸

۵۹) ۱۳۴۱ - تاریخ کرمان یا سالاربه تصحیح محمدابراهیم باستانی یاریزی، یغما ۱۵: ۱۸۴-۱۸۶

۶۰) ۱۳۴۲ - فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه هنرهای زیبای کشور، با همکاری یحیی ذکا، نشریه کتابخانه مرکزی ۳: ۱۲۷-۱۴۰

۶۱) ۱۳۴۲ - فهرست کتابخانه محمود فرهاد معتمده، نشریه کتابخانه مرکزی ۳: ۱۴۱-۲۷۶

۶۲) ۱۳۴۲ - اطلاعاتی درباره برخی از نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده پزشکی تهران، نشریه کتابخانه مرکزی ۳: ۲۷۹-۲۸۶

۶۳) ۱۳۴۲ - فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه سازمان لغت‌نامه دهخدا، نشریه کتابخانه مرکزی ۳: ۱-۵۹ و ۲۷۹-۴۲۶

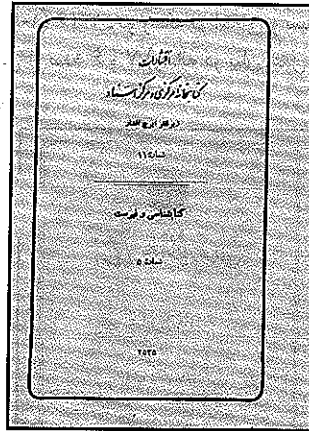
۶۴) ۱۳۴۲ - فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آستانه امامزاده عبدالعظیم حسنی در شهرری، نشریه کتابخانه مرکزی ۳: ۶۱-۸۳ و ۴۲۷-۴۸۰

۶۵) ۱۳۴۲ - آشنایی با چند نسخه دیگر از کتابخانه دکتر اصغر مهدوی، نشریه کتابخانه مرکزی ۳: ۴۱۸-۴۸۵

۶۶) ۱۳۴۲ - آشنایی با دو کتاب ریاضی فارسی (لب‌الباب و لطائف الحساب)، راهنمای کتاب ۵: ۸۱۵-۸۱۸

۶۷) ۱۳۴۲ - فرهنگ کوچک عربی به فارسی از لسان‌الدین افضل سمنانی با دیباچه، مجله دانشکده ادبیات تهران ۱۱: ۸۷-۹۲

۶۸) ۱۳۴۲ - جامع‌الهدایة فی علم‌الرمایة از



نظام‌الدین احمد درودباشی بیهقی، فرهنگ ایران زمین ۱۱: ۲۲۹-۲۷۹

۶۹) ۱۳۴۲ - یادداشت‌هایی درباره جامع‌الهدایة، فرهنگ ایران زمین ۱۱: ۲۷۹

۷۰) ۱۳۴۳ - گفتار ابوالقاسم عبدالواحدین احمد کرمانی درباره هفتاد و سه گروه، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۱۶: ۳۰-۳۸

۷۱) ۱۳۴۳ - طبقات‌الصوفیة یا امالی انصاری تصحیح عبدالحی حبیبی، راهنمای کتاب ۷: ۱۱۰-۱۱۹

۷۲) ۱۳۴۳ - دو فرمان مربوط به شهرری از عهد صفوی، راهنمای کتاب ۷: ۱۴۰-۲۴۵

۷۳) ۱۳۴۳ - کتاب‌المقالات والفرق اشعری، راهنمای کتاب ۷: ۳۰۸-۳۱۸

۷۴) ۱۳۴۳ - ترجمه فارسی منظوم خطبة‌البیان از شاهپور کاشانی، مجله دانشکده ادبیات تهران ۱۱: ۳۸۵-۴۱۰

۷۵) ۱۳۴۳ - کتابشناسی فرق و ادیان، فرهنگ ایران زمین ۱۲: ۱۹۸-۱۲۱

۷۶) ۱۳۴۳ - سه فیلسوف ایرانی (ابن ابی

جمهور احسائی، غیاث‌الدین منصور دشتکی، عبدالرزاق لاهیجی)، مهر ۱۰: ۸۲-۸۷ (ابن سرگذشت در دایرة‌المعارف اردو هم نشر شده است).

۷۷) ۱۳۴۴ - آشنایی با آثاری از مظفرین اردشیر عیادی، نشریه کتابخانه مرکزی درباره نسخه‌های خطی ۴: ۱۲۵-۱۲۷

۷۸) ۱۳۴۴ - رساله در موسیقی از محمدبن محمود نیشابوری، هفتاد سالگی فرخ، ص ۹۹-۱۰۳

۷۹) ۱۳۴۴ - تحفة‌الملوک امام ابوحامد محمد غزالی، مجله دانشکده ادبیات مشهد ۱: ۲۴۶-۳۰۰

۸۰) ۱۳۴۴ - کتابی مهم از عبدالقاهر اهری تألیف ۶۲۹ و اشعار خیام در آن، با همکاری ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین ۱۳: ۳۱۱-۳۲۲

۸۱) ۱۳۴۴ - کشف‌الحقایق عزیز نسفی تصحیح دکتر احمد مهدوی دامغانی، فرهنگ ایران زمین ۱۳: ۲۹۸-۳۱۰

۸۲) ۱۳۴۴ - دو نامه فارسی صدرای شیرازی، فرهنگ ایران زمین ۱۳: ۸۴-۱۰۰

۸۳) ۱۳۴۴ - تاریخ مشاهیر امامیه از رضی‌الدین محمد قزوینی، مجله دانشکده ادبیات تهران ۱۳: ۱۵۱-۱۵۵

۸۴) ۱۳۴۴ - کتاب شویان، راهنمای کتاب ۸: ۷۲

۸۵) ۱۳۴۴ - ذیلی بر تاریخ اسماعیلیه یا سندی چند درباره اصل تعلیم و تاریخ اسماعیلیان، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۱۷: ۲۸۹-۳۳۰ و ۴۴۰-۴۶۵

۸۶) ۱۳۴۴ - اسناد آستانه درویش حسن‌ولی در نیاک لاریجان، نشریه کتابخانه مرکزی درباره نسخه‌های خطی ۴: ۴۸۱-۴۸۸

۸۷) ۱۳۴۴ - فهرست کتابخانه‌های شهرستانهای تبریز و کاشان و یزد و اصفهان، نشریه کتابخانه مرکزی درباره نسخه‌های خطی ۴: ۲۸۳-۴۸۰

۸۸) ۱۳۴۴ - جواب المسائل الاربع از غزالی، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۱۷: ۲۹۱-۲۹۸

۸۹) ۱۳۴۵ - ذیلی بر تاریخ اسماعیلیه، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۱۸: ۱۸-۳۲ (دستورالمنجمین) و ۲۲۱-۲۲۸ (بندی از مجموعه

قدیمی و تاریخ کبیر). نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۱۷: ۴۷-۲۵۹.

(۹۰) ۱۳۴۵ - دو رساله درباره هفتاد و دو گروه، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۱۷: ۴۷-۲۵۹.

(۹۱) ۱۳۴۵ - رساله فی بیان المذاهب والفرق، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۱۸: ۳۸۷-۳۹۳.

(۹۲) ۱۳۴۵ - الرسالة البهائية، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۱۸: ۲۹۳.

(۹۳) ۱۳۴۵ - الايئة عن حقایق الادوية، راهنمای کتاب ۹: ۴۹-۴۹۳.

(۹۴) ۱۳۴۵ - رساله فی التوحید از یعقوب بن موسی مطیب، نشریه دانشکده الهیات تهران ۱: ۱۶۷-۹۱.

(۹۵) ۱۳۴۵ - طومار آستانه های مازندران، معارف اسلامی ۱: ۵۶-۶۵.

(۹۶) ۱۳۴۵ - سرگذشت نامه عارفان بهر فرهنگ ایران زمین ۱۴: ۲۸۹-۲۹۷.

(۹۷) ۱۳۴۵-۶ - مجموعه رسایل فلسفی، فرهنگ ایران زمین ۱۴: ۲۹۷-۳۰۶.

(۹۸) ۱۳۴۵-۶ - مجموعه رسایل خجندی، فرهنگ ایران زمین ۱۴: ۳۰۷-۳۱۲.

(۹۹) ۱۳۴۵-۷ - آشنایی با چند نسخه خطی، وحید ۴: ۱۸۴-۱۸۶ (۱) ۲۵۱-۲۵۷ (۲) ۴۳۳-۴۳۶ (۳) ۶۴۸-۶۴۴ (۴) ۸۵۷-۸۶۱ (۵) ۹۶۰-۹۶۳ (۶) ۱۰۵۸-۱۰۵۵ (۷) و ۲۹۷-۲۹۹ (۸) ۴۸۳-۴۸۶ (۹).

(۱۰۰) ۱۳۴۶ - قضیة نونیه عنوان الحکم بستی با دو ترجمه منظوم فارسی، مجله دانشکده ادبیات ۱۴: ۶۲۹-۶۳۹ (ش ۵۷ و ۵۸).

(۱۰۱) ۱۳۴۶ - نسخه های خطی مسعود محتشمی، نشریه کتابخانه مرکزی ۵: ۶۷۲-۶۷۳.

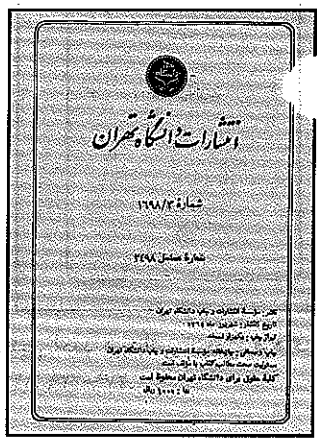
(۱۰۲) ۱۳۴۶ - فهرست کتابخانه محمدتقی بهار، نشریه کتابخانه مرکزی ۵: ۳۵۸-۶۷۱.

(۱۰۳) ۱۳۴۶ - فهرست کتابخانه عبدالعظیم خان قریب، نشریه کتابخانه مرکزی ۵: ۶۱۸-۶۵۷.

(۱۰۴) ۱۳۴۶ - فهرست کتابخانه های شهرهای عراق و عربستان سعودی، نشریه کتابخانه مرکزی ۵: ۴۰۵-۵۸۳.

(۱۰۵) ۱۳۴۶ - فهرست کتابخانه های عمومی و خصوصی شیراز و اصفهان و همدان و رشت و قم و آمل، نشریه کتابخانه مرکزی ۵: ۲۰۵-۴۰۳.

(۱۰۶) ۱۳۴۶ - دو رساله در اخلاق و سیاست به فارسی از سده ۶ و ۷ (رساله در بیان عدل الهی و آیین



پادشاهی و خلافت نامه الهی)، معارف اسلامی ۳: ۸۹-۶۱.

(۱۰۷) ۱۳۴۶ - وقفنامه امیرچقماق، معارف اسلامی ۴: ۱۰۵-۱۰۷.

(۱۰۸) ۱۳۴۶ - حقائق الحقائق کیدری، نامه آستان قدس، ش ۲۵: ۱۱-۱۸.

(۱۰۹) ۱۳۴۶ - داعی الدعاة تاج الدین شهرستانه، نامه آستان قدس، ش ۲۶ و ۲۷: ۷۱-۸۰ و ۲۸-۶۱-۷۱.

(۱۱۰) ۱۳۴۶ - تاریخ واقعه تبریز، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۸۳: ۳۶۲-۳۶۳.

(۱۱۱) ۱۳۴۶ - دو رساله درباره دانشمندان شیعی، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۱۹: ۳ و ۴ ص ۴۰۴-۳۲۰ و ۳۰۹-۴۱۲.

(۱۱۲) ۱۳۴۶ - روح الارواح سمعانی، مجله دانشکده ادبیات تهران سال ۱۵، ش ۴: ۳-۳۱.

(۱۱۳) ۱۳۴۶ - چند نسخه خطی از کتابخانه های

افغانستان، راهنمای کتاب ۱۰: ۵۲-۵۲۹ و ۶۲۷-۶۳۷.

(۱۱۴) ۱۳۴۶ - درباره شیخ نجم و آثار او، راهنمای کتاب ۱۰: ۳۹۴-۳۹۸.

(۱۱۵) ۱۳۴۷ - معرفی دو رساله: الکف عن مناهج اصناف الخوارج صاحب بن عباد و ترجمه الممال والنحل رازی، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، ش ۷۶ و ۷۷، ص ۲۰: ۱۴۳-۱۵۸ و ۳۱۷-۳۲۷.

(۱۱۶) ۱۳۴۷ - دو رساله در شناخت عطر (اصول الطیب ابن مندوبه - عطرنامة علائی)، فرهنگ ایران زمین ۱۵: ۱۶۱-۲۷۶.

(۱۱۷) ۱۳۴۷ - بنایع العلوم، راهنمای کتاب ۱۱: ۳۷۳-۳۷۸ و ۴۷۴.

(۱۱۸) ۱۳۴۷ - دستورالملوک میرزارفیعاً، تحقیق درباره این کتاب و تذکرة الملوک میرزا سمیعاً، مجله دانشکده ادبیات، ش ۶۳ تا ۷۰ سال ۱۶: ۵۰۴-۵۷۵.

(۱۱۹) ۱۳۴۷ - نامه فتح علی شاه قاجار به میرزا ابوالقاسم محقق گیلانی، وحید ۵: ۴۱۱-۴۱۲.

(۱۲۰) ۱۳۴۷ - چهار فرمان، وحید ۵: ۷۸۶-۷۸۷ و ۴۹: ۵۳.

(۱۲۱) ۱۳۴۷ - فروش نامه روستای الاروق و کشتزار کوسویه در سال ۹۴۷ به آستانه شیخ صفی الدین اردبیلی، معارف اسلامی، ش ۶: ۱۰۹-۱۱۹.

(۱۲۲) ۱۳۴۸ - فهرست نسخه های خطی کتابخانه آقامیر حسینی قزوینی، نشریه کتابخانه مرکزی ۶: ۳۵۵-۳۵۳.

(۱۲۳) ۱۳۴۸ - فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، نشریه کتابخانه مرکزی ۶: ۳۵۵-۴۲۵.

(۱۲۴) ۱۳۴۸ - فهرست کتابخانه مجلس سنا، نشریه کتابخانه مرکزی ۶: ۴۲۷-۵۸۷.

(۱۲۵) ۱۳۴۸ - فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجتبی مینوی، نشریه کتابخانه مرکزی ۶: ۶۳۷-۶۹۰.

۱۲۶ (۱۳۴۸) - چند نسخه از مرحوم دکتر مهدی بیانی، نشریه کتابخانه مرکزی ۶: ۶۹۱-۶۹۵.

۱۲۷ (۱۳۴۸) - نسخه‌های خطی دکتر حسن سادات ناصری، نشریه کتابخانه مرکزی ۶: ۶۹۶-۶۹۸.

۱۲۸ (۱۳۴۸) - اسناد آستانه نورالدین علی غازی اردکانی، نامه آستان قدس، ش ۳۱: ۱۱-۱۳۹.

۱۲۹ (۱۳۴۸) - اسب نوبتی بر در کاخ ابومسلم، راهنمای کتاب ۱۲: ۲۲۵-۲۲۸.

۱۳۰ (۱۳۴۸) - طب جمالی، راهنمای کتاب ۱۲: ۱۹۹.

۱۳۱ (۱۳۴۸) - دو وقفنامه مازندران، معارف اسلامی ش ۸: ۶۸-۷۵.

۱۳۲ (۱۳۴۸) - وقفنامه بارگاه محمود کیا، معارف اسلامی، ش ۱۰: ۵۱-۵۴.

۱۳۳ (۱۳۴۸) - سرگذشتنامه‌های خوشنویسان و رساله‌های خط، هنر و مردم، ش ۸۶ و ۸۷: ۳۱-۴۳.

۱۳۴ (۱۳۴۸) - سوانح الافکار یا مکاتیب رشیدی، یادنامه رشیدالدین فضل‌الله، ص ۱۰۱-۱۰۹.

۱۳۵ (۱۳۴۸) - هدایة الصدیق الی حکایت الحریق از روزبهان خنجی، یادنامه ایرانی مینورسکی، تهران ص ۷۷-۱۱۳.

۱۳۶ (۱۳۴۸) - بیهقی فیلسوف، یادنامه ابوالفضل بیهقی، مشهد، ص ۱۷۴-۱۸۱.

۱۳۷ (۱۳۴۸) - قانون‌الصور صادقی کتاب‌دار، هنر و مردم، ش ۹۰: ۱۱-۲۰.

۱۳۸ (۱۳۴۸) - چهار فرهنگنامه کلامی و الحدود و الخقایق سیدمرتضی و اجماع‌ات الطوسی از شهید ثانی، یادنامه شیخ طوسی، ص ۱۲۲-۱۳۰ (نیز جداگانه دانشگاه مشهد، دانشکده الهیات).

۱۳۹ (۱۳۴۸-۹) - آثار و سخنان شیخ جام، فرهنگ ایران زمین ۱۶: ۲۴۰-۳۲۵.

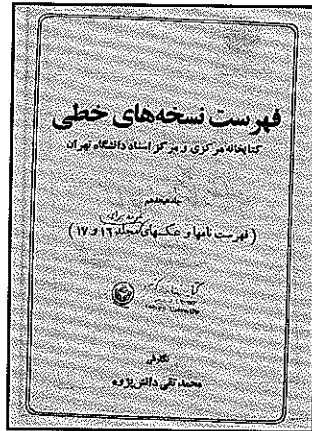
۱۴۰ (۱۳۴۹) - نامه آفته‌ها، راهنمای کتاب ۱۳: ۶۴۳-۶۴۲.

۱۴۱ (۱۳۴۹) - قول الحسن بن شمع‌بن غالب

فی‌الآخبار التي یخبر بها كثیرون، مقالات و بررسیها ۳ و ۴: ۲۳۹، ۲۵۷.

۱۴۲ (۱۳۴۹) - آیین فهرست‌نگاری، کتابداری ۳: ۱۹۲-۲۰۰.

۱۴۳ (۱۳۴۹) - دو رساله در منطق، مجله دانشکده ادبیات تهران، ش ۷۲، ۷۳: ص ۴۵۷-۴۹۴.



۱۴۴ (۱۳۴۹) - فیلسوفان چهار قرن اخیر ایران، مقالات و بررسیها دفتر یکم بهار، ص ۱۰۴-۱۱۷ (این مقاله به عربی هم درآمده و در معارف اسلامی سازمان اوقاف ش ۱۴: ج ۱: ۲۲-۳۰ چاپ شده است).

۱۴۵ (۱۳۴۹) - گلزار صفای صبرفی، هنر و مردم، ش ۹۳: ۳۰-۴۲.

۱۴۶ (۱۳۴۹) - صدوسی‌واند اثر فارسی در موسیقی، هنر و مردم، ش ۹۴-۱۰۰، (در مجله موسیقی در دوره ۳، ش ۱۳۵ (۱۳۵۱): ۷۲-۹۲ و ش ۱۳۶: ۱۳-۳۲ و ش ۱۳۷: ۵۱-۶۶ و ش ۱۳۸: ۴۳-۵۹ و ش ۱۳۹: ۵۳-۶۹ هم چاپ شده است).

۱۴۷ (۱۳۴۹) - خرقة هزار میخی، مجموعه سخنرانیها و مقاله‌ها، مجموعه مک‌گیل و دانشگاه تهران، ص ۱۴۷-۱۷۸.

۱۴۸ (۱۳۵۰) - انیس الناس، راهنمای کتاب ۱۴: ۷۶۳-۷۶۶.

۱۴۹ (۱۳۵۰) - اسناد وقف خاندان خلیفه سلطان، نامه آستان قدس، ش ۳۳ و ۳۴: ۹۷-۱۱۷.

۱۵۰ (۱۳۵۰) - یک پرده از زندگی شاه طهماسب، مجله دانشکده ادبیات مشهد، سال ۷، ش ۴: ۹۱۵-۹۹۷.

۱۵۱ (۱۳۵۰) - دو مشیخه زیدی، نامه مینوی، تهران، ص ۱۶۳-۱۸۸.

۱۵۲ (۱۳۵۰) - وحدت وجود و عشق و تجلی، یادنامه انجمن جهانی حافظ و سعدی، شیراز، ص ۱۰۰-۱۰۱.

۱۵۳ (۱۳۵۰) - چند نکته درباره حافظ و سعدی، یادنامه انجمن جهانی حافظ و سعدی، شیراز، ص ۱۹۳-۲۰۴.

۱۵۴ (۱۳۵۰) - عشق‌نامه‌ها، کارنامه انجمن ایران‌شناسی مشهد.

۱۵۵ (۱۳۵۰) - جامع ناصری و قانون ناصری، دومین کنگره تحقیقات ایرانی ۲: ۵۰۳-۵۲۵.

۱۵۶ (۱۳۵۰) - نزهة‌المجالس، راهنمای کتاب ۵: ۵۶۹-۵۸۲.

۱۵۷ (۱۳۵۱) - اصفهان و طاووس‌خانه آن، فرهنگ ایران زمین ۸: ۱۵۷-۲۴۳.

۱۵۸ (۱۳۵۱) - گفت و گوی شهرستانی و ایلاقی، نامه آستان قدس، ش ۳۵: ۹۷-۱۰۴.

۱۵۹ (۱۳۵۱) - آیین نامه شاه طهماسب، بررسیهای تاریخی، سال ۷، ش ۱: ۱۲۱-۱۴۲.

۱۶۰ (۱۳۵۱) - گنجور و برنامه او، هنر و مردم، ش ۱۱۹/۱۲ و ص ۲۵-۲۷ ش ۱۲۱: ۵۸-۶۱ و ش ۱۲۲: ۳۰-۳۴ و ش ۱۲۳: ۳۲-۳۵ و ش ۱۲۴: ۳۱-۴۷ و ش ۱۲۶: ۹۲-۹۴ و ش ۱۲۷: ۹۰-۹۲ و ش ۱۲۸: ۴۹-۵۱ و ش ۱۳۳: ۵۳-۵۸ و ش ۱۳۴: ۵۵-۵۸ و ش ۱۳۵: ۴۵-۴۷.

۱۶۱ (۱۳۵۱) - نوادرتبادر لنتحفة البهادر (از محمود دنیسیری تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار) یغما ۲۵: ۲۷۲-۳۷۴.

۱۶۲ (۱۳۵۲) - کتابشناسی ایران، یغما ۲۹۷: ۱۷۷-۱۷۹.

۱۶۳ (۱۳۵۲) - گلستان هنر و آستان قدس رضوی، نامه آستان قدس، ش ۳۶: ۱۱۶-۱۲۷.

(۱۶۴) ۱۳۵۲- چند اثر فارسی در اخلاق، فرهنگ ایران زمین ۱۹: ۲۶۱- ۲۸۴.

(۱۶۵) ۱۳۵۲- چند نامه درباره نسخه‌های خطی، راهنمای کتاب ۱۶: ۱۵۹- ۱۶۵ و ۳۱۱- ۳۱۷.

(۱۶۶) ۱۳۵۲- پنجمین سرگذشتنامه شاه نعمت‌الله ولی کرمانی از سیدالدین نصرالله طوسی، راهنمای کتاب ۱۶: ۲۸۵- ۲۸۷.

(۱۶۷) ۱۳۵۲- دو منبع برای تاریخ جوانمردی و فتوت، راهنمای کتاب ۱۶: ۴۰۶- ۴۱۳.

(۱۶۸) ۱۳۵۲- رسایل عشقی، دومین کنگره تحقیقات ایرانی، ۲: ۵۲۶- ۵۴۷.

(۱۶۹) ۱۳۵۲- صحایف لطایف، راهنمای کتاب ۱۶: ۴۱۳- ۴۱۴.

(۱۷۰) ۱۳۵۲- لطایف الحکمة العزیزة، راهنمای کتاب ۱۶: ۵۳۶- ۵۳۷.

(۱۷۱) ۱۳۵۲- فتوای تاج‌الدین، راهنمای کتاب ۱۶: ۷۴۶- ۶۴۸.

(۱۷۲) ۱۳۵۲- دو منظومه فارسی فلسفی، راهنمای کتاب ۱۶: ۶۴۹- ۶۵۷.

(۱۷۳) ۱۳۵۲- الجواهر بیرونی و تأثیر آن در جواهرنامه‌های دیگر، کارنامه کنگره بیرونی، تهران، ص ۱۱۵- ۱۲۷.

(۱۷۴) ۱۳۵۲- تسامح دینی عند بیرونی به عربی، خطابه در کنگره بیرونی کراچی، در مجله دانشکده ادبیات ۲۲ ش ۱، ۱۸۸- ۱۹۷ چاپ شده است.

(۱۷۵) ۱۳۵۲- دبیری و نویسندگی، هنر و مردم، ش ۱۱۴: ۶۸- ۷۳ و ش ۱۱۵: ۳۵- ۳۷ و ش ۱۱۶: ۴۰- ۴۸ و ش ۱۱۷: ۴۹- ۵۳ ش ۱۱۸: ۲۸- ۳۲.

(۱۷۶) ۱۳۵۲- منطق فطری و نظری، مجله دانشکده ادبیات تهران، ش ۸۱ و ۸۲: ۳۷- ۶۲ (این مقاله برنده جایزه دانشگاهی شد).

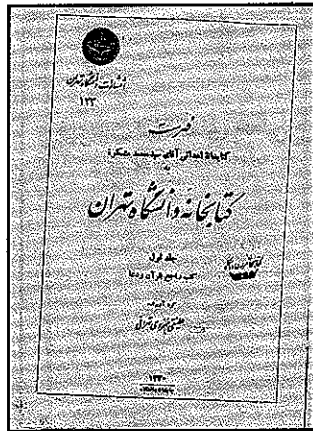
(۱۷۷) ۱۳۵۳- چهار کتاب ارزنده شیعی، راهنمای کتاب ۱۷: ۷۰۶- ۷۱۳.

(۱۷۸) ۱۳۵۳- آمار مالی و نظامی ایران در سال ۱۱۲۸، فرهنگ ایران زمین، ۲۰: ۳۹۶- ۴۲۳.

(۱۷۹) ۱۳۵۳- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله رضوی در کاشان، نشریه کتابخانه مرکزی ۷: ۲۹- ۹۴.

(۱۸۰) ۱۳۵۳- فهرست نسخه‌های خطی دکتر حسین مفتاح، نشریه کتابخانه مرکزی ۷: ۹۵- ۵۱۱.

(۱۸۱) ۱۳۵۳- فهرست نسخه‌های خطی دکتر حافظ فرمانفرمایان، نشریه کتابخانه مرکزی ۷: ۵۴۴- ۵۵۵.



(۱۸۲) ۱۳۵۳- فهرست نسخه‌های خطی دکتر رضا صحت، نشریه کتابخانه مرکزی ۷: ۵۵۶- ۵۶۱.

(۱۸۳) ۱۳۵۳- چند نسخه خطی از افغانستان، نشریه کتابخانه مرکزی ۷: ۵۶۲- ۵۶۳ و ۷۰۶- ۷۱۲.

(۱۸۴) ۱۳۵۳- نسخه‌های خطی خاندان اسدالله خاک‌پور، نشریه کتابخانه مرکزی ۷: ۵۶۴- ۵۶۸.

(۱۸۵) ۱۳۵۳- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس سنا، نشریه کتابخانه مرکزی ۷: ۵۱۶- ۶۶۹.

(۱۸۶) ۱۳۵۳- نسخه‌های خطی مجموعه دکتر علی‌اکبر فیاض، با همکاری ایرج افشار، نشریه کتابخانه مرکزی ۷: ۶۹۵- ۷۰۱.

(۱۸۷) ۱۳۵۳- یادگار سفر قم، عامری نامه، ص ۲۴۸- ۲۶۳.

(۱۸۹) ۱۳۵۳- چند اثر در موسیقی و شطرنج، راهنمای کتاب ۱۷: ۵۵- ۷۱.

(۱۹۰) ۱۳۵۳- نامه‌ای از آمریکا از سفر دوم، راهنمای کتاب ۱۷: ۴۳۸.

(۱۹۱) ۱۳۵۳- خاندان منجم یزدی، راهنمای کتاب ۱۷: ۶۰۶- ۶۰۷.

(۱۹۲) ۱۳۵۳- ترجمه حشایش دیسکوریدوس، نامه آستان قدس ۳۷: ۱۶۰- ۱۶۳.

(۱۹۳) ۱۳۵۳- دو سند مربوط به گرگان، راهنمای کتاب ۱۸: ۱۵۷- ۱۶۳.

(۱۹۴) ۱۳۵۳- تربیت منشی، سخنرانی در مجلس بزرگداشت قائم مقام.

(۱۹۵) ۱۳۵۳- القواعد و الفوائد شهید بمثابه مصدر شیعی لمعرفة حکمة التشریح فی الاسلام، مجله دانشکده ادبیات تهران، ج ۲۱، ش ۴: ۴۵- ۵۰ (سخنرانی در کنگره اسلامی دهلی).

(۱۹۶) ۱۳۵۳- صناعت برهان نزد فارابی، ابونصر فارابی، تهران، ص ۲۸- ۳۰.

(۱۹۷) ۱۳۵۳- برخی از سخنان منطقی فارابی که دانشمندان دیگر از آنها یاد کرده‌اند، بزرگداشت فارابی در تبریز، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۱۳: ۱۴۸- ۱۶۲ (جدگانه در ۱۳۵۴).

(۱۹۸) ۱۳۵۳- موسیقی نامه‌ها در چهار زبان، هنر و مردم، ش ۱۴۴- ۱۵۵ (دنیاله دارد).

(۱۹۹) ۱۳۵۳- روایت سندی، سخنرانی در کنگره سندشناسی کراچی، به زبان عربی.

(۲۰۰) ۱۳۵۳- کتابدار فیلسوف، کارنامه کنگره ایران شناسی، تهران در ۱۳۴۹، ۳: ۲۹۷- ۳۱۴.

(۲۰۱) ۱۳۵۳- آثار عمادالدین محمود شیرازی، نخستین کنگره تحقیقات ایرانی ۳: ۴۸۶- ۴۹۵.

(۲۰۲) ۱۳۵۳- تعقب الموضع الجدلی و الاجویة عن المسائل العشرونیه (هر دو از ابن سینا)، مجموعه مقالات تحقیقی مک‌گیل و دانشگاه تهران، ص ۱۲- ۱۶ و ۶۰- ۱۰۱.

(۲۰۳) ۱۳۵۴- اقطاب القطبیه، مجموعه کمینه، ص ۱۵۹- ۱۷۱.

(۲۰۴) ۱۳۵۴- التسامح الدینی عندالبیرونی، مجله دانشکده ادبیات تهران، ۲۲: ش ۱: ۱۸۸- ۱۹۷.

www.iranicaonline.com

۲۰۵ (۱۳۵۴) تفسیر یتابیع العلوم امام فخر رازی. آریانا، ش ۳۳: ۳۷-۴۲.

۲۰۶ (۱۳۵۴) ترجمه کتابهای آسمانی در روزگار نادر. یادنامه پوردادود ادبیات نشر می‌شود.

۲۰۷ (۱۳۵۴) وزن شعر نزد فارابی، ششمین کنگره تحقیقات ایرانی (تبریز) ۲: ۲۲۵-۲۳۳.

۲۰۸ (۱۳۵۴) مفردات ادیسی به فرانسه در پاریس نشر می‌شود.

۲۰۹ (۱۳۵۴) کتاب التحلیل از فارابی به انگلیسی نشر خواهد شد.

۲۱۰ (۱۳۵۴) صحیفه الاولیاء سید محمد نوربخش، یادنامه هنری کربن، تهران، ص ۱-۶۲.

۲۱۱ (۱۳۵۴) احیای حکمت. مجله دانشکده ادبیات تهران، ج ۲۲، ش ۲: ۵۱-۵۴.

۲۱۲ (۱۳۵۴) دفتر سرانجام اهل حق و باباطاهر همدانی. راهنمای کتاب ۱۸: ۹۴۱-۹۴۸.

۲۱۳ (۱۳۵۴) دورنمایی از زندگی و اندیشه فارابی یا شالوده فارابی‌شناسی، نشریه دانشکده الهیات مشهد، ش ۱۶/۱۷: ۱۴۹-۱۹۱.

۲۱۴ (۱۳۵۴) رساله فی اثبات الواجب به روش مشائی و اشراقی از محقق خفری. جاویدان خرد، ۱ ش ۲: ۴۲-۴۶.

۲۱۵ (۱۳۵۴) موسیقی نامه‌ها. هنر و مردم، ش ۱۴۷: ۷۷-۸۰ و ش ۱۴۸: ۷۳-۷۶ و ش ۱۴۹: ۷۱-۸۰ و ش ۱۵۰: ۵۴-۶۲ و ش ۱۵۱: ۴۹-۶۲ و ش ۱۵۲: ۶۷-۷۲ و ش ۱۵۵: ۶۳-۷۰ و ش ۱۵۶: ۵۹-۶۸ و ش ۱۵۷: ۹۵-۱۰۱ و ش ۱۵۸: ۷۶-۷۹ و ش ۱۵۹: ۱۶۰-۱۰۰ و ش ۱۶۱: ۷۱-۷۳ و ش ۱۶۲: ۶۲-۷۰.

۲۱۶ (۱۳۵۵) ادوار سلطانی. هنر و مردم، ش ۱۷۳: ۱۸-۲۵ و ۱۷۴: ۱۱-۱۷ و ۱۷۵: ۱۹-۲۴.

۲۱۷ (۱۳۵۵) الاصول الخمسة از وحید قزوینی. جاویدان خرد، سال ۲، ش ۲: ۱۵-۱۷.

۲۱۸ (۱۳۵۵) تذکرة بی‌نام گمنام. مجله دانشکده ادبیات تهران، ج ۲۳، ش ۳: ۱۳-۱۹.

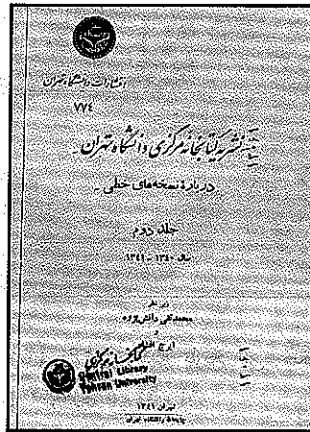
۲۱۹ (۱۳۵۵) تسامح و گذشت دینی نادرشاه.

فرهنگ ایران زمین ۲۱: ۹۷-۱۰۵.

۲۲۰ (۱۳۵۵) چند کتاب در فوت. همایی نامه. ص ۱۱۶-۱۲۶.

۲۲۱ (۱۳۵۵) سرگذشت واره ابن سینا. ارمغانی برای زرین کوب. خرم‌آباد، اداره کل فرهنگ و هنر، ص ۵۶-۵۹.

۲۲۲ (۱۳۵۵) قصیده شرف‌الدین بغدادی در کتیبه جامع یزد. راهنمای کتاب ۱۹: ۶۹۲-۶۹۵.



۲۲۳ (۱۳۵۵) منطق نزد ناصر خسرو قبادیانی. یادنامه ناصر خسرو، مشهد دانشگاه فردوسی، ص ۱۷۲-۱۷۹.

۲۲۴ (۱۳۵۵) مؤلف آداب المتعلمین. راهنمای کتاب ۱۹: ۴۲۷-۴۲۹.

۲۲۵ (۱۳۵۵) نمونه‌های از سالشماری تاریخ ایران. تاریخ، ش ۱: ۱-۷۳.

۲۲۶ (۱۳۵۶) پیوند زیباشناسی با منطق و اخلاق. فلسفه، ش ۴: ۵-۱۵.

۲۲۷ (۱۳۵۶) تحلیل منطقی و شعری نزد فارابی. یادگارنامه حبیب یغمایی. به کوشش غلامحسین یوسفی و ایرج افشار. تهران، فرهنگ ایران زمین و توس، ص ۱۷۵-۱۸۸.

۲۲۸ (۱۳۵۶) رنگ‌سازی در کاغذ و رنگ‌زدایی از آن. هنر و مردم، ش ۱۸۱: ۱۶-۲۵ و ش ۱۸۹/۱۹۰.

۲۲۹ (۱۳۵۶) سرگذشت ابن هندوی طبرستانی و رساله مشوقه... جاویدان خرد، سال سوم، ش ۳: ۲۶-۳۳.

۲۳۰ (۱۳۵۶) شرح حدیث «کنت کنزاً مخفياً». جاویدان خرد، ۳ ش ۱: ۲۶-۳۱.

۲۳۱ (۱۳۵۶) گنجینه آستانه سنی فاطمه (س) در قم. فرهنگ ایران زمین. جلد ۲۲: ۲۸۱-۴۲۹.

۲۳۲ (۱۳۵۶) مینوی و نسخه‌شناسی. پانزده گفتار، تهران، ص ۱۹-۲۵.

۲۳۳ (۱۳۵۶) منطق از نظر خواجه طوسی. مقالات و بررسیها، ش ۲۸/۲۹: ۴-۱۳.

۲۳۴ (۱۳۵۶) نگارندهای بدایع نگار. راهنمای کتاب ۲۰: ۹۰۶-۹۰۹.

۲۳۵ (۱۳۵۶) نسخه‌های خطی در نمایشگاه هاراسویتس. راهنمای کتاب ۲۰: ۴۵۳-۴۶۵.

۲۳۶ (۱۳۵۷) اخلاق ناصری به کوشش مجتبی مینوی. راهنمای کتاب ۲۱: ۳۸۷-۴۲۱.

۲۳۷ (۱۳۵۷) پاسخ به گریاشی. راهنمای کتاب ۲۱: ۵۲۲-۵۲۳.

۲۳۸ (۱۳۵۷) جنگ نظامی مازندرانی. هنر و مردم، ش ۱۸۸: ۱۳-۱۵.

۲۳۹ (۱۳۵۷) چند نسخه خطی فارسی در چین. راهنمای کتاب ۲۱: ۶۶۵-۶۸۴.

۲۴۰ (۱۳۵۷) درباره تاریخ جلدسازی و منابع آن «صحافی سنتی». کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ص ۴۴-۵۹.

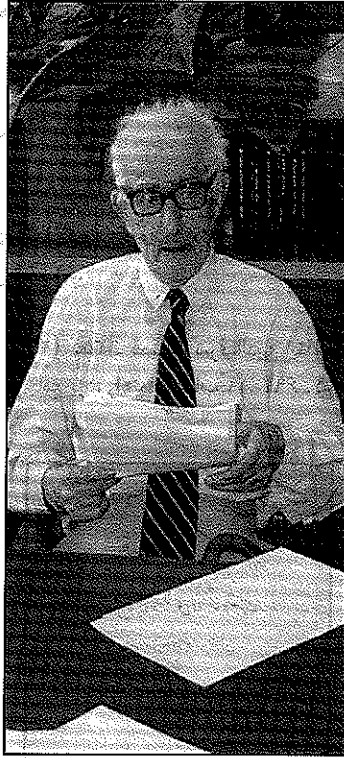
۲۴۱ (۱۳۵۷) رساله‌های فارابی در کتابخانه دولتی تبریز. نامه آستان قدس، ش ۲ دوره جدید مسلسل ۳۹: ۷۵-۷۷.

۲۴۲ (۱۳۵۷) سه گونه تحریر و تدوین در منطق فارابی. هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی ۳: ۱۳۶-۱۴۳.

۲۴۳ (۱۳۵۷) روش منطقی فارابی و پیشروان و پیروان او. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال ۱۴، ش ۱: ۳۳-۶۷.

۲۴۴ (۱۳۵۷) فرهنگ خوارزمی به عربی و فارسی. هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی ج ۱، تهران. فرهنگستان ادب و هنر ایران. ص ۳۹۴-۴۰۶.

۲۴۵ (۱۳۵۷) گفتگو با محمدتقی دانش‌پژوه.



- ایران زمین ۲۵: ۱- ۲۷.
- (۲۷۰) ۱۳۶۱- نیایش نامه‌های سهروردی. آرام‌نامه. به کوشش مهدی محقق. تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، ص ۸۷- ۹۷.
- (۲۷۱) ۱۳۶۲- تاریخ نگارشاهی عربی (فواد سرگین). نشر دانش، ج ۳، ش ۳: ۶۸- ۷۰ و ش ۴ و ۵: ۶۶- ۶۹.
- (۲۷۲) ۱۳۶۲- تمة النجاة ابوعلی سینا. آینده ۹: ۶۱۸- ۶۱۹.
- (۲۷۳) ۱۳۶۲- ترجمه قانون. نشر دانش، ج ۳، ش ۶: ۳۳- ۳۴.
- (۲۷۴) ۱۳۶۲- گزارش سفر پاریس. کتابداری ۹: ۲۴۲- ۲۴۱.
- (۲۷۵) ۱۳۶۲- میرفندرسکی. مجله دانشکده ادبیات تهران، ش ۱: ۸۵- ۷۱.
- (۲۷۶) ۱۳۶۲- نگاهی به کتابهای چین‌شناسی، آینده ۹: ۳۶۳- ۳۶۸ و ۵۳۹- ۵۳۴.
- (۲۷۷) ۱۳۶۲- نمونه‌هایی از چند نسخه باارزش آستانه قم. کتابداری ۹: ۳- ۱۷۶.
- (۲۷۸) ۱۳۶۲- یادداشتی درباره تاریخ یعقوبی (به مناسبت چاپ دوم ترجمه مرحوم محمد ابراهیم آیتی). نشر دانش، ج ۴، ش ۲: ۸۴- ۸۵.
- (۲۷۹) ۱۳۶۳- جبر خوارزمی. یادنامه محمدبن موسی خوارزمی. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۵۵- ۶۴.
- (۲۸۰) ۱۳۶۳- درباره شرح‌العبادیه یا گزارش نامه فارابی. معارف، ج ۱: ۱۲۰- ۱۶۰.
- (۲۸۱) ۱۳۶۳- سخنی درباره کتابخانه گلستان. آینده ۱۰: ۴۰۴- ۴۰۶.
- (۲۸۲) ۱۳۶۴- ستهپندگی غزالی. زمینه ایران‌شناسی. به کوشش چنگیز پهلوان و وحید نوشیروانی. تهران: نشر فراز، ص ۱۹۰- ۲۲۱.
- (۲۸۳) ۱۳۶۴- پیمان‌نامه‌های ایران. نامواره دکتر محمود افشار یزدی. جلد اول، ص ۱۲۷- ۱۲۸.
- (۲۸۴) ۱۳۶۴- ترجمه فرانسوی «الهیات» شفای

- راهنمای کتاب ۲۱: ۲۴۰- ۲۸۱.
- (۲۴۶) ۱۳۵۷- نسخه‌های خطی در کتابخانه بخش ایران‌شناسی بنیاد پژوهشهای علمی فرانسوی در تهران. راهنمای کتاب ۲۱: ۳۲۹- ۳۳۸ و ۶۶۹- ۶۸۴.
- (۲۴۷) ۱۳۵۷- وحید قزوینی. جشن‌نامه استاد. مدرس رضوی. تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، ص ۲۰۱- ۲۲۵.
- (۲۴۸) ۱۳۵۷- دیباجة سفینه شاوردی خان. محیط ادب، به کوشش حبیب یغمایی و سید جعفر شهیدی و دکتر ابراهیم باستانی پاریزی و ایرج افشار، تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، ص ۳۸۵- ۳۹۵.
- (۲۴۹) ۱۳۵۷- شوکت‌نامه (میرزا محمد رحیمای وزیر ایروان). بررسی‌های تاریخی ۱۳: ۱- ۲۴۷- ۲۸۶ و ش ۲: ۷۷- ۱۱۸.
- (۲۵۰) ۱۳۵۸- دانشگاه‌های ایرانی ادس و نصیبین. نهمین کنگره تحقیقات ایرانی ۱- ۲۰.
- (۲۵۱) ۱۳۵۸- رستم‌الحکماء و شمس‌الوزراء. مجله دانشکده ادبیات تهران، ج ۴۴، ش ۳/۳- ۳۶- ۴۱.
- (۲۵۲) ۱۳۵۸- سه جنگ خطوط دانشمندان ایرانی از سده یازدهم. کتابداری، ش ۷: ۶۶- ۱۱۲.
- (۲۵۳) ۱۳۵۸- قضا و قدر ابن‌سینا. فرهنگ ایران زمین ۱: ۲۴- ۷۵.
- (۲۵۴) ۱۳۵۸- معارج نهج‌البلاغه. آینده ۵: ۸۲۵- ۸۳۳.
- (۲۵۵) ۱۳۵۸- نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های اتحاد جماهیر شوروی. کتابداری، جلد ۸: ۱- ۳۱۰.
- (۲۵۶) ۱۳۵۹- داستان تا مارا و اردشیر باوندی. آینده ۶: ۲۶۴- ۲۶۸.
- (۲۵۷) ۱۳۵۹- داستان ترجمه دو تألیف قزوینی. آینده ۶: ۴۱۹- ۴۲۶.
- (۲۵۸) ۱۳۵۹- مرقع‌سازی و جنگ‌نویسی. فرخنده پیام (یادگارنامه غلامحسین یوسفی). مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۴۸- ۲۲۹.
- (۲۵۹) ۱۳۵۹- نسخه‌های دیرینه و کهن از نهج‌البلاغه. آینده ۶: ۸۵۵- ۸۵۷.
- (۲۶۰) ۱۳۶۰- ترجمه تاریخ ابن خلکان به فارسی. کتابداری ۸: ۹۱- ۹۳.
- (۲۶۱) ۱۳۶۰- شرح القیسات. فلسفه، ش ۵: ۶۳- ۶۸.
- (۲۶۲) ۱۳۶۰- منطق ابن‌سینا. هزاره ابن‌سینا. تهران، ص ۱۴۳- ۱۵۹.
- (۲۶۳) ۱۳۶۰- مینو رسکی و مجموعه خطی و رسائل موسیقی. کتابداری ۸: ۵- ۱۵.
- (۲۶۴) ۱۳۶۰- نخستین کتابهای فلسفه و علوم جدید در ایران. نشر دانش، ج ۲، ش ۲: ۸۸- ۱۰۱.
- (۲۶۵) ۱۳۶۰- نگارشاهی شمسی گیلانی. جاویدان خرد، ج ۴، ش ۲: ۴۰- ۷۸.
- (۲۶۶) ۱۳۶۰- یادی دیگر از بیهقی مورخ فیلسوف. آینده ۷: ۱۸۶- ۱۹۱ و ۲۵۴- ۲۵۶.
- (۲۶۷) ۱۳۶۱- تفسیر دوازدهگی. نشر دانش، ج ۲، ش ۵: ۴۲- ۴۶.
- (۲۶۸) ۱۳۶۱- جامع‌الحکمه از افضل‌الدین محمد کاشانی. آینده ۸: ۱۴۳- ۱۵۳.
- (۲۶۹) ۱۳۶۱- الرسالة السیاسة. از ابوعلی حسن سلماسی. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. فرهنگ

(۲۸۵) ۱۳۶۴- واژه‌های فلسفی ابن سینا و معادلهای لاتینی آنها. معارف ج ۴، ش ۱: ۱۶۷-۱۷۴.

(۲۸۶) ۱۳۶۴- السیاسة و البلاغ الكبير و الناموس الاعظم. نشر دانش، ج ۵، ش ۳: ۸۳-۸۵.

(۲۸۷) ۱۳۶۴- یک بیت رودکی. آینده ۱۱: ۱۵۴.

(۲۸۹) ۱۳۶۵- آشنایی با شرح عیون الحکمة امام رازی. معارف، ج ۳، ش ۱: ص ۱۰۹-۱۳۰.

(۲۹۰) ۱۳۶۵- کتابخانه گلستان. فرهنگ ایران زمین، جلد ۲۶: ۱۰۹-۱۸۲.

(۲۹۱) ۱۳۶۶- چند نامه از ابزری و رازی و پستانی. نامواره دکتر محمود افشار یزدی. جلد ۵: ۲۷۳-۲۷۷.

(۲۹۲) ۱۳۶۶- فیزیک ارسطو و ابن بایج اندلسی. فصلنامه فرهنگ. کتاب اول: ۱۵۱-۱۶۸.

(۲۹۳) ۱۳۶۷- اندیشه کشورداری نزد فارابی. فصلنامه فرهنگ. کتاب دوم و سوم: ۱۵۳-۱۸۶.

(۲۹۴) ۱۳۶۷- دو متن کهن اسلامی در اروپا. فصلنامه فرهنگ. کتاب دوم و سوم: ۵۹۳-۶۰۶.

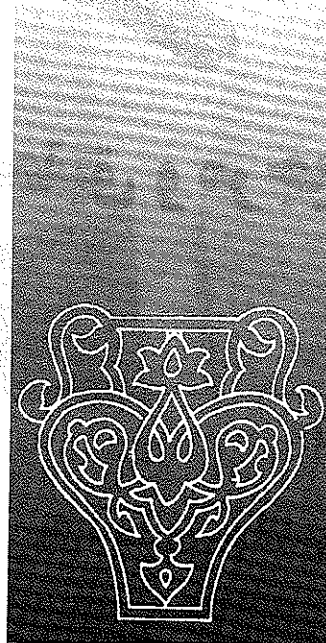
(۲۹۵) ۱۳۷۰- ابن سینا و اسکندر افرویدیسی. (یکی قطره باران...) جشن نامه دکتر عباس زریاب خوبی. به کوشش دکتر احمد تفضلی، ص ۳۷۹-۳۹۸.

(۲۹۶) ۱۳۷۰- الرسالة الشرقية فی تقاسیم العلوم العقلية. مجلة تحقیقات اسلامی. تهران، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. سال ۶. ش ۱ و ۲: ۲۱۱-۲۲۰.

(۲۹۷) ۱۳۷۱- آیین بنیادی شهرسازی. دفتر دانش [فصلنامه وزارت فرهنگ و آموزش عالی]. سال ۱، ش ۲ و ۳: ۸۴-۸۵.

(۲۹۸) ۱۳۷۱- منطق ابن رشد. هفتاد مقاله (ارمغان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی) به کوشش یحیی مهدوی و ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر، جلد اول: ۶۸۱-۶۹۷.

(۲۹۹) ۱۳۷۲- داستان مدینه فاضله فارابی.



افشار، ج نخستین در ۲۷۰ ص ۱۳۴۰ و ج ۲ در ۲۸۱ ص ۱۳۴۱ و ج ۳ در ۴۸۸ ص ۱۳۴۲ و ج ۴ در ۶۹۴ ص ۱۳۴۴ و ج ۵ در ۷۶۷ ص ۱۳۴۶ و ج ۶ در ۶۹۸ ص ۱۳۴۸ و ج ۷ در ۸۱۱ ص ۱۳۵۳ (هریک حاوی مقالاتی متنوع است).

جلد هشتم گزارش سفر و فهرست کتابخانه‌های اتحاد جماهیر شوروی از محمدتقی دانش پژوه در ۳۱۰ ص ۱۳۵۸.

جلد نهم گزارش سفر و فهرست کتابخانه‌های اتحاد جماهیر شوروی و اروپا و امریکا از محمدتقی دانش پژوه در ۵۲۶ ص. ۱۳۵۸.

جلد دهم گزارش سفر و فهرست کتابخانه‌های اتحاد جماهیر شوروی و اروپا و امریکا از محمد تقی دانش پژوه در ۴۰۷ ص. ۱۳۵۸.

جلد یازدهم و دوازدهم گزارش و فهرست از دانشگاههای لس آنجلس و رومانی و اصفهان و حسینیه شوشتریها در ۱۰۲۴ + یازده + ۴۱۲ ص ۱۳۶۲.

۴. چاپ خواهد شد

احکام السلطانية ماوردی: با همکاری دکتر جنگیز پهلوان. قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک. جلد دوازدهم: فهرست الفبایی کتابها و رساله‌ها به تفکیک زبان: زیر نظر ایرج افشار و محمد تقی دانش پژوه به استخراج و تنظیم قدرت الله پیشنمازاده. تهران. کتابخانه ملی ملک.

دستور الجمهور (مقامات بایزید بسطامی): با همکاری ایرج افشار.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک جلد سیزدهم (فهرستهای هفتگانه: سالشمار و کاتبان...) زیر نظر ایرج افشار و محمدتقی دانش پژوه به استخراج و تنظیم قدرت الله پیشنمازاده تهران، کتابخانه ملی ملک.

۵. کتابخانه

کتابخانه استاد که مجموعه‌ای بالغ بر چهار هزار عنوان کتاب چاپی و یکصد نسخه خطی و هفتاد و چهار میکروفیلم و دوینست و پنجاه بسته عکس و فتوکپی است در تاریخ ۱۳۷۴/۱/۲۶ به استناد مشروح‌های که آن شادروان به پژوهشگاه علوم انسانی وزارت آموزش عالی و هیئت امنای کتابخانه اهدایی استاد مجتبی مینوی نوشت به آن کتابخانه اهدا و منتقل گردیده است.

پانویست:

۱- جلد‌های اول و دوم این فهرست نوشته علیتقی منزوی است.

یادنامه دکتر غلامحسین صدیقی، به کوشش دکتر پرویز ورجاوند. تهران، ص ۲۳۱-۲۳۴.

(۳۰۰) ۱۳۷۴- گونه گون واژه‌ها در گفتار. نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی. سال اول، ش اول: ۴۷-۵۱.

(۳۰۱) ۱۳۷۴- نگاهی به فلسفه اشراقی سهروردی. پند و سخن (جشن نامه فوشه کور). انجمن ایران شناسی فرانسه، ص ۳۰۴-۳۰۶. La Logique chez Khwadje Nasir-e Tusi. (۳۰۲) Maqalat Va Barrasiha, No ۴۰.

(۳۰۳) Baz-Nama, Encyclopaedia Iranica. Volume ۴.

مقاله شناخت‌شناسی در «سخنواره» و مقالات «زبان و نوشته و آیین و قانون» و «ترجمه اروپایی دانشنامه ابن سینا» و «تساویز بهرام گور» در نشریات دیگر چاپ خواهد شد.

۳. مجلات

۱۳۳۱ - ۱۳۶۴ - فرهنگ ایران زمین- بنیانگذاران: محمد تقی دانش پژوه، دکتر منوچهر ستوده، مصطفی مقربی، دکتر عباس زریاب (خوبی)، ایرج افشار. جلد‌های ۱- ۲۹ (۱۳۳۱ تا ۱۳۷۵).

۱۳۳۹ - ۱۳۶۲- نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درباره نسخه‌های خطی، با همکاری ایرج